

حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام

نویسنده : محمد جواد طبسی

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی
شبكة الامامین الحسنین علیهم السلام بصورت الکترونیکی
برای مخاطبین گرامی منتشر شده است. لازم به
ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی،
روی این کتاب انجام گردیده است

بسمه تعالی

یکی از مهمترین وظایف دینی اجتماعی که در جوامع اسلامی باید کاملاً رعایت شود وظیفه پدران و مادران در رابطه با فرزندان است که متأسفانه کمتر رعایت می‌شود، و بیشتر پدران و مادران بر این باورند که حقوق خود را نسبت به فرزندان محفوظ بدارند و هرگز فکر نمی‌کنند که شاید فرزندان آنها بر آنان حقوق و واجباتی داشته باشند و باید رعایت شود. و در انجام آن کوتاهی نشود لذا یکی از وظایف مربیان جامعه اسلامی در هر گوشه و کنار کشورهای مختلف جهان آن است که پدران و مادران را به این حقیقت و وظیفه الهی آشنا سازند و آنان را بر انجام آن کوشا نمایند.

اکنون با کمال شرف می‌بینیم رادمردانی فاضل و اندیشمند همچون جناب عالم فاضل و اندیشمند کامل جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محمد جواد طبسی فرزند برومند مرحوم آیه الله طبسی نجفی تغمده الله برحمته که از برکات انفاس آن پدر بزرگوار برخوردار است به گوشه ای از این وظیفه دینی اخلاقی پرداخته و در صدد آشنا کردن توده مردم به این مقدمه جنبه از وظیفه انسانی اجتماعی است.

و انصافاً کتابی که در این راستا نگاشته، جامع‌ترین و کامل‌ترین نوشته‌هایی است که تا کنون مشاهده کرده‌ام از حیث بیان مطالب و استدلال قوی و استشادات روشن و ذکر روایات متناسب و با ارزش، سهم‌بالایی را ایفا کرده و نیکو آورده است خداوند بر توفیقات این نویسنده توانا و مؤلف بزرگوار بیافزاید

و جامعه اسلامی را بیش از پیش از مفاخر
نوشته ایشان سودمند گرداند.

بتوفیقه تعالی و عنایته الوائبه ان
شاء الله

قم - محمد هادی معرفت

۷۴/۱/۲۹

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

خانواده نخستین کانون تربیت کودک و معمار اولیه شخصیت اوست . در همین مدرسه بزرگ تربیتی است که فرزندان بتدریج از رفتارهای پدر و مادر، الگوبرداری می کنند. کودکان تا چند سالی مقلدند و مطابق اصل «همانند سازی» تلاش می کنند که کارهای خود را «همانند» و «شبيه» آنان سازند. از آنجا که کودکان مطابق فطرت الهی ، خداپرست و درست کردار به دنیا آمده اند. چنانچه در محیط تربیتی آنان رفتارهای مطابق آیین توحید باشد، و والدین به وظایف خویش آشنا باشند، آنان نیز موحد و متقی خواهند شد وگرنه منحرف می شوند؛ چنان که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

المولود یولد علی الفطرة الا ان
اءبواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه
فرزند بر فطرت پاک الهی آفریده شده
است مگر آنکه پدر و مادرش او را یهودی ،
نصرانی و یا مجوسی کنند.

مسئولیت خانواده و پدر و مادر تنها
تأمین غذا و لباس و بهداشت فرزندان
نیست بلکه باید آنان را بر فطرت توحیدی
و الهی ، تربیت کنند و بر رفتار، گفتار،
دوست و عبادت و... کودکانشان نظارت کامل
داشته باشند.

توجه والدین به کودکان موجب رشد و
شادابی و صلاح آنان می شود، و آنان را از
دامهایی که شیاطین در پیش رویشان گسترده
اند، نجات می دهد.

عدم توجه و رها کردن فرزندان موجب
افسردگی ، غلتیدن در منجلاب گناه ،

آنها کلمه «فرزندم» آمده و یا وظیفه ای معین را برای پدر و مادر بیان کرده است .

اما انگیزه و هدف از تاءلیف آن ، این بود که با رهنمودهای پیشوایان معصوم ، جان میلیونها کودک و جوان از خطر انحراف و هزاران خانواده از فروپاشی نجات یابد ، زیرا با توجه به اوضاع کنونی جهان که فساد اخلاقی و انحراف عقیدتی به اوج خود رسیده است و از هر سویی نغمه ویرانگری به گوش می رسد ، علاوه که شیاطین با هزاران دام ، راه بر کودکان و نوجوانان گرفته تا آنان را در منجلاب فساد و نیستی غوطه ور سازند . از اینرو وظیفه هر مسلمان دلسوزی است که نهایت تلاش خود را جهت نجات نونهالان و حفظ خانواده ها بنماید . این انگیزه وقتی در من شدت پیدا کرد که به مناسبتی کتاب شریف «وسائل الشیعه» و «مستدرک الوسائل» و دیگر متون روایی را بررسی می کردم ، در این بررسی به روایاتی برخوردیم که وظایف پدران را در مقابل فرزندان خود بیان می کرد ، سخت مجذوب این روایات شدم و تصمیم گرفتم با فرصت و دقت بیشتری به جمع آوری آنها بپردازم تا با الهام از روایات ، يك دستورالعمل نسبتا جامعی که در بردارنده گفتار و سیره عملی پیشوایان معصوم علیهم السلام است برای پدران و مادران در خصوص نحوه تربیت فرزندانشان ارائه نمایم .

اینک که به لطف خدای منان این خدمت ناچیز به پایان رسیده ، از باب من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق بر خود لازم می دانم که از تلاشهای بی وقفه و خالصانه دانشمندان محقق و بزرگوار آقایان : شیخ مصطفی آخوندی ، کریم جباری و ابوالفضل طریقه دار ، که در شکل گیری این نوشتار

متحمل زحمات بسیاری شدند صمیمانه تشکر و
قدردانی بنمایم .

امید است بزرگان و صاحبانظران ، ما را
از نظرات سودمند خویش بهره مند سازند تا
به یاری خداوند در چاپهای بعدی اصلاح و
تکمیل شود. و من التوفیق و علیه التکلان

قم - حوزه علمیه

محمد جواد طبسی

۷۳/۳/۱۵

۲۴ / ذی الحجه / ۱۴۱۴

فصل اول : جایگاه فرزند و مسؤ ولیت والدین

شاید هنوز هم بسیاری از پدران و مادران آن چنان که باید فرزندان خود را نشناخته باشند و به امر پرورش و تربیت آنان توجه کافی نکنند. زیرا این روشن است که تا انسان به کنه و حقیقت چیزی پی نبرد و آن را چنان که هست و باید شناسند به ارزش و اهمیت آن واقف نمی شود؛ همچنان که امام علی علیه السلام فرمود:

الناس اعداء ما جهلوا^(۲) ، زینت بخش زندگی ^(۴) یاد کرده است .

فرزندان ، مونس و امید والدین هستند، شاید به این دلیل که حضرت زکریا از خداوند درخواست فرزند می کند تا او را از تنهایی بیرون آورد. قرآن مجید می فرماید: (وَزَكْرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ) .^(۶)

فرزند بد چیزی است اگر زنده بماند رنجورم می کند و چون بمیرد مرگش بی تاب و ناتوانم می سازد، این سخن که به گوش امام سجاد رسید، فرمود: به خدا قسم دروغ گفت ! فرزند، بهترین نعمت است ؛ اگر بماند دعایی است حاضر^(۸)

ای ابن عباس ! خانه ای که در آن کودکی نباشد، خیر و برکت ندارد.

۳ - وجود فرزند از توسل : در رساله حقوقی که از امام سجاد علیه السلام بر جای مانده چنین آمده است : و اما حق ولدك فان تعلم انه منك و مضاف اليك في عاجل الدنيا بخيره و شره .^(۱۰)

۵ - جگر گوشه مؤ من : پیامبر فرمود: الولد كبد المؤمن من ان مات صار شفيعا و ان مات بعده يستعفر الله له فيغفر له .^(۱۲)

فرزندان خود را ببوسید، زیرا برای هر بوسه ای که به فرزندان می زنید، يك درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است .

۷ - اجر معنوی و پاداش اخروی رفع حاجت فرزندان : ابن عمر از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم نقل می کند: من سقى ولده شربه ماء فى صغره سقاه الله سبعين شربة من ماء الكوثر يوم القيامة .^(۱۴)

هر کس فرزند خود را خوشحال کند، خداوند در روز قیامت خوشحالش می نماید.

۹ - نیکی به فرزند نیکی به پدر و مادر است : مردی از انصار به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من اءبر؟ قال : والديك . قال قد مضيا . قال : بر ولدك .^(۱۶) مردی که نسبت به فرزند خود محبت بسیار دارد مشمول رحمت و عنایت خداوند بزرگ می باشد.

۱۱ - نگاه کردن محبت آمیز پدر به فرزند : پیامبر فرمود: نظر الوالد الى ولده حباله عباده .^(۱۸)

اگر پدر نگاهی به فرزند خود بیفکند همانند آن است که بنده ای آزاد کند عرض شد: ای پیامبر خدا! و اگر سیصد و شصت نگاه کرد؟

پیامبر از سر شگفتی و برای نشان دادن پاداش عظیم مهر و عنایت این پدر به فرزندش و تقدیر از چنین پدری فرمود: الله اكبر.

خلاصه از مجموع آیات و روایات گذشته استفاده می شود که فرزند عطیه و موهبتی الهی است و نعمتی است که خود منشاء نعمتهای بی شمار دیگر است ، وجود فرزند در خانه فضای آن را از خیر و برکت و مهر و مودت لبریز می کند، رابطه معنوی و

الهی والدین و فرزندان هر دو را از رحمت‌های واسعه ربوبی بهره مند می گردانند. داشتن فرزند صالح ، آرزویی است که حتی پیران کهنسال فاقد فرزند هم آن را در سر می پرورانند. همچنان که حضرت ابراهیم علیه السلام در سن نود سالگی از خدای متعال طلب فرزند نمود و دعایش به استجابت رسید. آری فرزند پاره تن والدین و گلی از گل‌های بهشت است که در خانه آنها روییده ، مرگ زودرس او شفاعت عندالله است و دوام عمر او و اعمال صالح و استغفار و دعای او در حق پدر و مادر مایه بخشودگی در درگاه الهی و مفتوح ماندن نامه اعمال نیک و سبب برداشته شدن عذابهای برزخی از آنها در عالم قبر است . با چنین نگرشی به فرزندان چگونه می توان نسبت به شخصیت و نیازهای آنها و تربیت و شکوفایی استعدادهایشان غفلت و کوتاهی و سستی و سهل انگاری نمود.

وظایف پدر و مادر نسبت به فرزند روایات گذشته پدران و مادران را بر آن می دارد که در باب پرورش فرزند احساس وظیفه کنند، وظیفه ای سنگین و مسؤ ولیتی بزرگ که هرگز نمی توان آن را نادیده گرفت و نسبت به آن کوتاهی نمود.

شاید عده ای از والدین به طور یک طرفه فکر کنند که تنها آنان به گردن فرزندان حق دارند اما فرزندان نسبت به آنها از هیچ حقی برخوردار نیستند ولی باید به چنین کسانی گفت حقی که فرزندان بر آنها دارند، کمتر از حق آنها بر فرزندانشان نیست .

در حقیقت این والدین هستند که با تربیت صحیح ، شالوده زندگی بچه هایشان را بنا می نهند و سرنوشت آنان را رقم می زنند.

شبيهه اين سؤالات در صدر اسلام هم در ذهن برخي از ياران پيامبر بزرگوار اسلام بود. آنان هم نمي انديشيدند كه فرزندانشان به گردن آنان حقي داشته باشند.

«پيامبر ﷺ در جواب سؤال ابورافع كه گفت: مگر فرزندان بر ما حقي دارند همان گونه كه ما بر آنها حق داريم؟ فرمود: آري. حق فرزند بر پدر آن است كه كتاب خدا را به او ياد دهد...» (۲۰)

عمل كن درباره فرزند خويش چون عمل كسي كه مي داند اگر به فرزند خود احسان كند پاداش داده مي شود و اگر بدرفتاري كرد مؤاخذه و عقاب مي گردد.

بلكه از دو روايتي كه متقي هندی در كنز العمال (۲۲)

فصل دوم : دوران تولد و رعایت سنتها

گفتن اذان و اقامه در گوش فرزند

یکی از مستحباتی که پیامبر و معصومین علیهم السلام بدان سفارش اکید فرموده اند این است که پدر و مادر پس از تولد نوزادشان در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند که این عمل آثار روحی بسیار مفیدی در وجود نوزاد خواهد داشت . زیرا بدون شك القاء جمالات : الله اکبر ، اشهد ان لا اله الا الله ، اشهد ان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از اولین آنات زندگی ، گوش طفل را با ندای توحید و رسالت توحیدی آشنا خواهد کرد و صحیفه پاک و نورانی روح کودک این پیامها را در خود منعکس خواهد کرد . آری پیامهای توحیدی همچون آب حیات فطرت الهی او را سیراب کرده و او را برای قرار گرفتن در شاهراه سعادت آماده تر خواهد ساخت . و همچنان که روان شناسی جدید ثابت کرده است روح کودک در شش سال اول زندگی بسیار گیراتر ، حساس تر و نقش پذیر از دوره های دیگر زندگی است و چنان دیده ها و شنیده ها را در خود جذب می کند که به سختی می توان آثار مثبت یا منفی آنها را در بزرگسالی از خویشتن زدود . در حالی که بر اساس تصورات عامیانه بسیاری از مردم ، کودک در این سنین هیچ چیزی در نمی یابد .

اذان گفتن دور کردن شیطان از نوزاد است

سکونی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که پیامبر فرمود : من ولد له مولود فلیؤذنی فی اذنه الیمنی باذان الصلاه و لیقم فی

اذنه اليسرى فانها عصمه من الشيطان الرجيم (٢٤).
 یعنی این عمل (گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد) کودک را از شر شیطان حفظ می کند و نیز سبب می شود که کودک در خواب نترسد.

مصون ماندن از گزند شیطان

پیامبر ﷺ به امیرمؤمنان علیه السلام چنین سفارش می فرماید: یا علی اذا ولد لك غلام او جارية فاذن في اذنه اليمنى و اقم في اليسرى فانه لا يضره الشيطان ابدا. (٢٦) هر کس که صاحب فرزندی شود و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوید، هرگز به بیماری ام الصبيان مبتلا نخواهد شد.
 توضیح: بیماری ام الصبيان «نوعی بیماری صرع است که عارض بچه های نوزاد می شود و موجب غش می گردد.» (٢٨)
 پیامبر در گوش حسنین علیه السلام اذان گفت و به چنین کاری سفارش فرمود.
 در دعائم الاسلام از علی علیه السلام نقل شد (٣٠)
 از مادرم شنیدم نجمه مادر حضرت امام رضا علیه السلام می فرمود: هنگامی که فرزندم علی را وضع حمل کردم پدرش امام کاظم علیه السلام بر من وارد شد، فرزندم را در حالی که در پارچه ای سفید پیچیده شده بود، به دست آن حضرت دادم، پس در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت: آنگاه قدری آب فرات طلبید و کام او را با آب فرات برداشت و به من برگرداند و فرمود: او را بگیر که بقیة الله روی زمین است.

برداشتن کام نوزاد

(۳۲) کام فرزندان خود را با تربت حسین بن علی علیه السلام بردارید که مایه ایمنی کودک خواهد بود.

ب: با آب فرات: سعدان از امیرمؤ منان علیه السلام چنین روایت می کند: اءما ان اهل الكوفه لو حنکوا اءولادهم بماء الفرات لکانوا لنا شیعه. (۳۴) مگر اینکه دوستدار ما اهل بیت باشد.

ج: با خرما: ابو بصیر از امام صادق علیه السلام از امیرمؤ منان علیه السلام چنین نقل می کند: حنکوا اءولادکم بالتمر، فکذا فعل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بالحسن والحسین. (۳۶)

کام فرزندان خود را با آب فرات و با تربت حسین بن علی علیه السلام بردارید و اگر این دو یافت نشد آنگاه کام آنان را با آب باران بردارید.

ختنه کردن پسران

سومین سنتی که باید در هفته اول تولد نوزاد پسر باید رعایت کرد، ختنه کردن اوست. که معصومین بزرگوار علیهم السلام سفارش زیادی داشته اند و روز هفتم تولد را بدین منظور معین کرده اند و حکمتهایی هم در روایات برای این عمل بیان شده است. علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل می کند: اختنوا اءولادکم یوم السابع فانه اءطهر و اءسرع نباتا للحم و اءروح للقلب. (۳۸)

فرزندان خود را روز هفتم تولد ختنه کنید و هیچ گاه گرما یا سرما شما را از این عمل باز ندارد، زیرا ختنه مایه طهارت و پاکی جسم است.

پرهیز از مخالفت با سنت پیامبر

عبدالله بن جعفر به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت : انه روى عن الصادقین اءن اختنوا اءولادکم یو السابع یطهروا، فان الاءرض تضج الی الله عزوجل من بول الاءغلف و لیس جعلنی الله فداک لحجامی بلدنا حذق بذلك و لایختنونه یوم السابع و عندنا حجاموا الیهود، فهل یجوز للیهود اءن یختنوا اءولاد المسلمین ام لا ان شاء الله ؟ فوقع : السنه یوم السابع فلا تخالفوا السنن ان شاء الله . (۴۰)

پیامبر صلی الله علیه و آله دستور فرمود تا سر نوزاد در روز هفتم تولد تراشیده شود.

استحاب سر تراشیدن نوزاد در روز هفتم علی بن جعفر گوید از برادرم - امام موسی علیه السلام از نوزادی که سر او را می تراشند سؤ ال کردم ، فرمود: اذا مضی سبعة اءیام فلیس علیه حلق . (۴۲)

فاطمه علیها السلام سر دو فرزند خود - امام حسن و امام حسین - را تراشید و هم وزن موی آنان نقره صدقه داد.

ولیمه یا اطعام مردم

پنجمین مستحبی که پدر به هنگام تولد نوزاد می بایست انجام دهد اطعام مومنین و دوستان و آشنایان است که بدون شك همین عمل زمینه ساز پیوندهای نیکوی اجتماعی و مقدمه ای است برای پذیرش طفل از سوی جامعه ، علاوه بر این آثار معنوی پربرکتی هم در سلامت روحی و جسمی کودک . به دنبال خواهد داشت .

سنت و سیره اهل بیت نیز بر همین بوده است ، بلکه امام صادق علیه السلام به هنگام ولادت فرزندش امام کاظم علیه السلام سه روز اطعام کرد و بر همین اساس مرحوم حر عاملی در کتاب

وسائل الشيعه بابى تحت عنوان باب استحباب اطعام الناس عند ولاده المولود ثلاثه ايام . ذكر کرده است .
 منهل قصاب گوید: خرجت من مكه و انما ارید المدینه فمررت بالاءبواء وقد ولد لابی عبدالله عليه السلام موسى فسبقته الى المدینه و دخل بعدى بيوم ، فاءطعم الناس ثلاثا... (٤٤)
 روش امام على بن الحسين عليه السلام اين بود كه به هنگام ولادت فرزند خود وليمه مى داد .

عقيقه

از سنتهای خوب محمدی صلى الله عليه وآله وسلم اين است كه روز هفتم تولد كودك پس از تراشيدن سر او، پدر در راه خدا گوسفندی قربانی كند و بين فقرا و دوستان و همسايه ها تقسيم نمايد؛ اين سنت اسلامى را «عقيقه» گویند . در اسلام بر عقيقه بسيار تاءكيد شده و استحبابش همچنان تا بلوغ كودك بر عهده پدر و پس از آن بر خود شخص باقى است . اين سنت نهفته است و به برخى از آنها اشاره خواهد شد .

١ - بيمه سلامتى :

سمره از پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله وسلم روايت كند كه فرمود: كل غلام رهينه بعقيقته (٤٦)
 سلامتى هر نوزادى در گرو عقيقه اوست خواه والدين عهده نوزاد را از عقيقه آزد كنند يا نکنند .

٢ - عقيقه در روز هفتم :

امام صادق عليه السلام فرمود: الغلام رهن بسابعه بكبش يسمى فيه يعق عنه (٤٨)
 در روز هفتم براى نوزاد گوسفندى (قوچى) ذبح كن .

٤ - عقيقه پيامبر از طرف حسنين عليهم السلام :

امام صادق علیه السلام فرمود: سمی رسول الله حسنا و حسينا علیهما السلام يوم سابعهما و شق من اسم الحسن الحسين و عق عنهما شاة شاة... (۵۰)

فاطمه زهرا علیها السلام در روز هفتم از طرف دو فرزند خود عقیقه کرده و سر آنها را تراشید.

۶ - عقیقه کردن امام باقر علیه السلام برای دو فرزندش :

محمد بن مسلم گوید: ولد لاءبی جعفر غلامان فاءمر زید بن علی اءن یشتری له جزورین للعقیقه.... (۵۲)

مولای من امام حسن عسکری علیه السلام دو راءس گوسفند فرستاد و برایم نوشت: بسم الله الرحمن الرحیم این دو گوسفند را از طرف مولای خود (یعنی امام زمان) عقیقه کن و از گوشتش بخور که گوارایت باد و به برادرانت هم اطعام کن پس من چنین کردم .

۸- عقیقه پسر و دختری یکی است :

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: العقیقه شاة من الغلام و الجاریه سواء (۵۴)

نزد امام صادق علیه السلام بودم که فرستاده عموی آن حضرت عبدالله بن علی در رسید و عرض کرد: عموی شما می گوید ما به دنبال گوسفند باری عقیقه گشتیم ولی یافت نشد، نظر شما چیست؟ آیا پولش را صدقه بدهیم؟ حضرت فرمود نه (چنین کاری نکنید) زیرا خداوند اطعام طعام و ریختن خون قربانی را دوست می دارد.

محمد بن مسلم گوید: ولد لاءبی جعفر غلامان فاءمر زید بن علی اءن یشتری له جزورین للعقیقه و کان زمن غلاء فاشتری له واحده و عسرت علیه الاخری فقال لاءبی جعفر علیه السلام قد عسرت علی الاخری فاءتصدق بئمنها؛ قال: لا اءطلبها فان الله عزوجل یحب اهراق الدماء و اطعام الطعام. (۵۶)

مستحب است مقداری از گوشت عقیقه برای اطعام مؤمنان کنار گذاشته شود و آنان را دعوت کرده و پذیرایی شوند تا هم به برکت حضور مؤمنان در خانه پدر نوزاد و استفاده از غذای عقیقه بر برکت خانه و اهل آن بیفزاید و هم برای سلامتی فرزند دعا شود و کودک در پرتو دعای مهمانان از سلامتی روحی و جسمی بیشتری برخوردار گردد.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام به این نکته اشاره داشته و فرموده اند: ان الله عزوجل يحب اهراق الدماء و اطعام الطعام ^(۵۸) پیامبر روز هفتم نام حسن و حسین علیهما السلام را برای آنها انتخاب کرد... و برای هر کدام گوسفندی عقیقه کرده و يك ران عقیقه را برای قابله فرستادند.

۱۱ - دعای عقیقه از زبان پیامبر:

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا به هنگام عقیقه این دعا را می خواند: بسم الله عقیقه عن الحسن وقال: اللهم عظمها بعظمه ، ولحمها بلحمه و دمها بدمه و شعرها بشعره ، اللهم اجعلها و قاءا لمحمد و آله . ^(۶۰)

یهودیان برای نوزادی که پسر بود عقیقه می کردند ولی اگر دختر بود برایش عقیقه نمی کردند، پیامبر فرمود: برای پسر دو گوسفند عقیقه کنید و برای دختر يك گوسفند.

عایشه گوید: كانوا في الجاهلية اذا عقوا خضبوا قطنه بدم العقیقه و اذا حلقوا راس الصبی وضعوها علی راسه . فقال النبى صلى الله عليه وآله وسلم : اجعلوا مكان الدم خلوقا. ^(۶۲) هیچ نوزادی برای ما متولد نمی شود مگر اینکه نخست او را محمد می نامیم و پس از هفت روز، اگر خواستیم نامش را تغییر می

دهيم وگرنه همان نام را بر او باقى مى
گذاريم .

انتخاب نام خوب حق فرزند است :

ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل کند که فرمود: حق الولد علی الوالد ان یحسن اسمه و یحسن اءدبه . (۶۴)

پیامبر فرمود: اولین هدیه ای که هر یک از شما به فرزندش می بخشد نام خوب است . پس بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب کنید .

موسی بن بکر از حضرت ابوالحسن علیه السلام نقل می کند: اءول ما یبر الرجل ولده ان یسمیه باسم حسن فلیحسن اءحدکم اسم ولده . (۶۶)

روایت شده که روز قیامت مردی را می آورند و نامش محمد است . از طرف خدا به او خطاب می شود که از من شرم نکردی و مرا معصیت کردی در حالی که همنام حبیب من - رسول الله - بودی و من امروز شرم دارم که تو را عذاب کنم در حالی که همنام حبیب من هستی .

هر که نامش محمد است از جای برخیزد عطا از امام صادق از پدراناش از ابن عباس نقل کند اذا کان یوم القیامه نادى مناد: اءلا لیقم کل من اسمه محمد فلیدخل الجنة لکرامه سمیه محمد صلی الله علیه و آله (۶۸)

نامهای خود را نیکو گردانید، زیرا در روز قیامت با همان نام خطاب می شوید که ای فلان فرزند فلان برخیز و به سوی نور خود گام بردار و ای فلان فرزند فلان برخیز که نوری نداری .

توضیح : البته جای تردید نیست که الفاظ و اسامی هر چند نیکو و پسندیده باشد نمی تواند به تنهایی آدمی را سعادت مند گرداند و مقصود از روایات گذشته این است که نامهای نیکو زمینه روانی و تلقینات روحی و اجتماعی مثبتی فراهم می کنند که اگر شخص صاحب نام در

افق آن قرار گیرد و به اخلاق و الای پیامبر اکرم ﷺ و سیره اهل بیت عصمت و طهارت آراسته گردد، به حقیقت پیوسته و راه بهشت را به روی شخص می گشاید.

نکته مهمی که در نامگذاری نهفته است این است که نام هر کس و هر معنایی که بر روی کودک گذاشته شود با ذکر مکرر این نام در طول زندگی یاد و خاطره و ویژگیهای آن شخص و آن معنا در ذهن و روان کودک تاءثیر می بخشد و پیوند خاصی بین آن دو ایجاد می شود که در سعادت و شقاوت او مؤثر می افتد.

۶ - بهترین نام پسران :

در روایات نامهای فراوانی برای پسران ذکر گردیده ولی روی چند نام به عنوان بهترین نامها تاءکید بیشتری رفته است .

الف) عبدالله و عبدالرحمن
ابن عمر از پیامبر ﷺ قال : اءحب الاءسماء الی الله عبدالله و عبدالرحمن . (۷۰)

یکی از نامهای بندگان را بر او انتخاب کن . پرسید منظور شما کدامیک از نامها است ؟

امام فرمودند: عبدالرحمن .

ب - نام محمد

از پیامبر چنین روایت شده است : من ولد له اءربعه اولاد و لم یسم اءحدهم باسمى فقد جفانی . (۷۲)

ای ابوهارون ! چند روزی است که تو را ندیده ام ؟ عرض کردم : پسری برایم متولد شد . حضرت فرمود : مبارك باشد او را چه نام گذاری ؟ عرض کردم : محمد - حضرت تا نام محمد را شنید - گونه خود را به زمین برده و می فرمود : محمد، محمد، محمد و آنقدر خم شد که نزدیک بود گونه اش به زمین سایده شود .

آنگاه فرمود: جانم و فرزندم و همسرم و پدر و مادرم و تمام مردم روی زمین به فدای رسول خدا باد مبادا او را دشنام دهی یا بزنی ، مبادا با او بدی و بدرفتاری کنی .

ابو امامه از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کند که فرمود: من ولد له مولود ذكر فسماه محمدا حبا و تبركا باسمي كان هو و مولوده في الجنة . (۷۴)

خانه ای که نام محمد در آن باشد خداوند روزی آن خانه را گسترده گرداند، پس اگر فرزندان را محمد نام گذاشتید او را مزیند و دشنامش مدهید.

خیر و برکت دایمی خانه ای که نام محمد در آن باشد

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: البيت الذی فیہ محمد یصبح اءهله بخیر و یمسون بخیر . (۷۶)

اگر نام فرزندان محمد نامیدید، اکرامش کنید و در مجالس خود برایش جا باز کرده ، و کار او را زشت و ناپسند مشمرید.

انس بن مالک از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کند که فرمود: تسمون اءولادکم محمدا ثم تلعنونهم خجسته باد خانه ای که محمد در او باشد

ابورافع گوید از پیامبر شنیدم که می فرمود: اذا سمیتم فلا تقبحوه ولا تجبهوه ولا تضربوه ، بورك لبیت فیہ محمد، و مجلس فیہ محمد، و رفعه فیها محمدا . (۷۹)

آیا نامش را محمد نگذارده ای ! عرض کردم آری چنین کردم . حضرت فرمود: محمد را مزین و دشنامش مده زیرا تا وقتی که زنده هستی خداوند او را نور چشم تو قرار داده و پس از مرگت فرزند صالح و جانشین صادقی برای تو خواهد بود.

ابورافع از پیامبر ﷺ نقل کند که فرمود: اذا سميتم محمدا فلا تضربوه و لاتحرموه. (۸۱)

اگر نام فرزند خود را محمد گذاشتید او را اکرام کرده و در مجالس برایش جا باز کنید، و کار او را زشت و ناپسند مشمرید. بی تردید اگر گروهی در حال مشاوره باشند و فردی به نام محمد یا احمد در میانشان باشد و او را در مشورت خود سهمیم گردانند، سبب خیر آنان خواهد شد، همچنین هیچ سفره ای نیست که شخصی به نام احمد یا محمد بر آن حاضر گردد مگر اینکه آن خانه روزانه دوبار تقدیس گردد.

ج - نام علی و امامان معصوم علیهم السلام سلیمان جعفری گوید: سمعت ابا الحسن علیه السلام يقول: لا يدخل الفقر بيتا فيه اسم محمد او احمد او علی او الحسن او الحسين او جعفر او طالب او عبدالله او فاطمه من النساء. (۸۲)

هنگامیکه معاویه مروان بن حکم را والی مدینه ساخت و به او دستور داد تا برای جوانان قریش مبلغی مقرر بدارد.

امام سجاد علیه السلام می فرماید: من نیز نزد او رفتم و او از نامم پرسید: گفتم علی بن الحسین. گفت نام برادرت چیست؟ عرض کردم علی. گفت علی و علی! مثل اینکه پدرت قصد دارد نام تمام فرزندانش را علی بگذارد، سپس مبلغی برایم مقرر نمود و از نزد او بیرون آمده و به حضور پدرم رسیدم و ماجرا را به ایشان عرض کردم.

پدرم فرمود: وای بر فرزند مروان چشم زرد دباغ! اگر صاحب صد فرزند هم شوم دوست ندارم جز علی نامی بر آنها بنهم.

تاء ثیر نام علی و امامان علیهم السلام

ربعی بن عبدالله گوید: قیل لاءبی عبدالله : جعلت فداک : انا نسمی باء سماءکم و اسماء آباءکم فینفعنا ذلک فقال ای واللہ و هل الدین الا الحب و البغض ! قال اللہ : ان کنتم تحبون اللہ فاتبعونی یحببکم اللہ و یغفر لکم ذنوبکم . (۸۰)

اگر نام بعضی از اهل خانه ، نام پیامبری باشد همچنان در بین آنان برکت خواهد بود .

اصبغ بن نباته از علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین روایت کند: ما من اهل بیت فیهم اسم نبی الا بعث الله عزوجل الیهم ملکا یقدسهم بالغداه والعشی (۸۷)

نام پیامبران را برای خود انتخاب کنید که محبوبترین نامها در پیشگاه خداوند عبدالله و عبدالرحمن و زشت ترین نامها، حرب و مره است .

بهترین نام دختران :

سکونی گوید: دخلت علی اءبی عبدالله و انا مغموم مکروب فقال لی یا سکونی ما غمک ؟ فقلت ولدت لی ابنه فقال یا سکونی علی الاءرض ثقلها و علی اللہ رزقها تعیش فی غیر اءجلك و تاكل من غیر رزقك فسری واللہ عنی فقال : ما سميتها؟ قلت : فاطمه : قال : آه آه آه ثم وضع یده علی جبهته الی اءن قال : اءما اذا سميتها فاطمه فلا تسبها و لاتلعنها ولا تضربها . (۸۹)

بر او نامی از فرعونهای خود نهاده اید! نامش را تغییر دهید. پس او را عبدالله نامیدند .

و از ابوهریره درباره همین ماجرا از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است : سمیتموه باء سامی فراعنتکم لیکونن فی هذه الاءمة

رجل يقال له الوليد و هو شر علي هذه
 الائمة من فرعون علي قومه (٩١)
 نامت چیست؟ گفت: محمد. حضرت کنیه ات
 چیست؟ گفت علی. حضرت فرمود: تو به
 وسیله این کنیه بر خود دژی ساختی که
 شیطان دیگر بر تو راهی نمی یابد (خود را
 از آسیب شیطان در امان نگه داشتی) هرگاه
 شیطان بشنود که نام محمد یا علی را صدا
 می زنند، همانند سرب ذوب می شود، و
 هرگاه بشنود که کسی را به نام یکی از
 دشمنان ما می خوانند به شادی و نشاط
 درآید و بر خود ببالد.

۱۰ - نام مبعوضین را بر مگزینید:

محمد بن سنان از یعقوب سراج روایت کند
 که: روزی به حضور امام صادق علیه السلام رسیدم
 . دیدم آن حضرت بالای سر فرزند خود امام
 موسی - که در گهواره بود - ایستاده است
 و مدتی طولانی به آهستگی با او سخن می
 گفت، کناری نشستم تا امام صادق علیه السلام از
 سخن گفتن با فرزندش فارغ شد در این
 هنگام از جا برخاستم. امام به من
 فرمود: ادن الی مولاك فسلم علیه فدنوت
 فسلمت علیه فرد علی بلسان فصیح ثم قال
 لی: اذهب فغیر اسم ابنتک الی سمیتها
 اسم فانه اسم بیغضه الله و کانت ولدت لی
 بنت و سمیتها بالحمیراء، فقال ابو عبد الله
علیه السلام انته الی امر ترشد. (٩٣)

نام تو چیست؟ گفتم: عبدالشمس.
 فرمود: نامت را تغییر بده و من نامت را
 عبدالوهاب گذاردم. سهل بن سعد گوید:
 کان رجل من اصحاب النبی اسمه اسود،
 فسماه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ابيض. (٩٥)
 اگر شخصی بر پیامبر وارد می شد و نام
 خوبی نداشت، پیامبر نام او را تغییر می
 داد.

ابن عمر گوید: ان كثير بن الصامت كان اسمه قليلا فسماه النبي ﷺ كثيرا، و ان مطيع بن الاءسود كان اسمه العاص فسماه النبي مطيعا، و ان ام عاصم بن عمر كان اسمها عاصيه فسماه رسول الله ﷺ سهله و كان يتفال بالاسم (٩٧).

پیامبر بزرگوار اسلام نامهای زشتی را که بر مردان یا شهرها بود عوض می کرد. ۱۲- زنده کردن خاطره شهدا با نامشان: ابن قداح از امام صادق روایت می کند که فرمود: قال جاء رجل الى النبي فقال ولد لي غلام فماذا اسميه قال: اءحب الاءسماء الى حمزه (٩٩).

هیچ قومی نیست که در بین آنان مرد صالحی باشد و در گذر و از خود فرزندی در میان آنها باقی بگذارد و نام مرد صالح را بر كودك بنهند جز آنکه خداوند آنچه را که از دستشان رفته به نیکویی به آنها باز گرداند.

خلاصه و بررسی

از مجموع روایات گذشته مطالب زیر استفاده می شود:

۱ - داشتن نام نيك یکی از حقوق مسلم فرزندان است که روایات بسیاری از شیعه و سنی به این مسأله اشاره دارد. و نکته ظریفی در روایات به چشم می خورد که در کلمه «نحله» و «بر» نهفته است، به نظر معصومین عليهم السلام نام خوب از اهمیت ویژه ای برخوردار است و علاوه بر این که از نظر روانی تاءثیر بسزایی بر شخصیت كودك داد، هدیه و احسانی است نيكو و ماندگار.

۲ - از سیره معصومین چنین استفاده می شود که به هنگام تولد نوزادی، اگر پسر بود نخست نام او را محمد بگذارند و پس از گذشت هفت روز اگر خواستند نام دیگری

برای او انتخاب کنند وگرنه همان نام را بر او باقی بگذارند. شاید این سنت بدین خاطر مورد توجه معصومین قرار گرفته است که خداوند به برکت نام محمد از همان لحظات اول تولد، پدر و مادر و کودک و اهل خانه را مورد لطف و محبت خود قرار می دهد. و بر خیر و برکت آن خانه فزونی می بخشد و فقر مادی و معنوی را از حریم آن دور می دارد.

۳ - باید برای فرزندان نامهای پیامبران ، امامان ، رهبران راستین و نامهایی که نشانه بزرگی و پارسایی و بندگی خداست انتخاب کرد که در روایات ملاحظه کردید، و از نامهای فراعنه و پادشاهان جائر و ستمگر و آنان که ترویج مظاهر باطل و شادی بخش شیطان و دشمنان خداست پرهیز گردد.

۴ - نام پیامبر و علی و فاطمه علیها السلام جلوه خاصی دارد که در دنیا و آخرت اثر خود را می بخشد از این رو نباید به فرزندی که نامشان محمد است توهین یا بی احترامی کرد، نیز نباید آنان را کتک زد. البته این بدان معنی نیست که نسبت به سایر فرزندان بی احترامی شود یا آنها را مورد ضرب و شتم قرار دهند، بلکه این احترام فوق العاده به احترام نام مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ، علی و فاطمه علیها السلام است . همچنین اگر در روایات خواندیم که اگر شخصی به نام محمد بود طرف مشورت خود قرار دهید بدین معنی نیست که هرگز با افراد دیگر یا فرزندی که نامشان محمد نیست مشورت نکنید، بلکه همانگونه که گفته شد این به خاطر نام مقدس محمد است که تقدس خاصی دارد، و طبیعی است که اثر خاص خود را به فرزندی که محمد نام دارند می گذارد و

کسی که بدین نام موسوم باشد می کوشد از عقل و تدبیر و تعهد و تقوای فزونتری برخوردار گردد و به اوصافی که شایسته این نام است آراسته شود.

۵ - از افتخارات يك ملت آن است که یاد و نام حماسه آفرینان میدانهای رزم و جهاد را همیشه زنده و جاوید نگه دارد و یکی از راههای زنده نگه داشتن یاد آن سلحشوران پاك و مخلص این است که فرزندان خود را به نامهای آنها، نام گذاری کنیم تا علاوه بر زنده یاد شهدا روحیه سلحشوری را در فرزندانمان زنده نگه داریم .

۶ - از برخی روایات چنین استفاده می شود که انتخاب نام ، نشانه محبت و دوستی است بدین معنی که پدر و مادر هر نامی را برای فرزند خود انتخاب کنند علاقه خود را نسبت به صاحب اصلی آن نام ابراز می نمایند. لذا دقت در انتخاب نام از مسؤ ولیت‌های اولیه والدین و حاکی از آینده آنها و الگوهای مورد علاقه آنان است . شیر و تاءثیر آن در شخصیت فرزند

از مواردی که مادران می باید رعایت کنند، مساءله شیر دادن به نوزاد است علی رغم اینکه برخی به این مساءله سرنوشت ساز چندان توجهی ندارند، اسلام اهمیت فوق العاده ای برای این مساءله قائل شده است .

چه بسا پدر و مادری از هر نظر خوب و متدین هستند، اما فرزندشان منحرف می شود و وقتی علت انحرافش را ریشه یابی می کنیم با کمال شگفتی عامل آن را بی توجهی مادر به مساءله شیردادن به هنگام شیرخوارگی بچه می یابیم ، و اگر مادر در همان وقت دقت و عنایت کافی می داشت چه بسا فرزندش این گونه نمی شد.

زیرا در دوران شیرخوارگی علاوه بر این که ساختمان جسمی کودک محکم می شود،

ساختار روحی او نیز تکوین می یابد. و رفتار و گفتار و غذای مادر به همراه شیر در او تاءثیر می گذارد. اینک به برخی از روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام در مورد نقش مادر در شیر دادن به فرزند، همچنین اهمیت شیر مادر در رشد و شخصیت کودک و پرهیز از دادن شیرهای نامطلوب به خاطر آثار منفی موجود در آنها اشاره می نمایم .

اجر مادر در شیر دادن به فرزند خود

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود: ائیمما امرأه دفعت من بیت زوجها شیئا من موضع الی موضع ترید به صلاحا نظرالله الیها و من نظرالله الیه لم یعذبه ، فقالت ام سلمه : یا رسول الله ذهب الرجال بكل خیر، فاءى شیء للنساء المساکین ؟

فقال : بلی اذا حملت المرأه کانت بمنزله الصائم القائم المجاهد بنفسه و ما له و فی سبیل الله فاذا وضعت کان لها من الاءجر ما لا یدری اءحد ما هو لعظمه ، فاذا اءرضعت کان لها بكل مصة کعدل عتق محرر من ولد اسماعیل ، فاذا فرغت من رضاعه ضرب ملک کریم علی جنبها و قال : استاءنفی العمل فقد غفر لك .^(۱۰۰)

پس آنگاه که مادر وضع حمل کرده و شروع به شیر دادن نوزاد کند، به هر بار مکیدن شیر مادر، در روز قیامت نوری درخشان در برابرش جلوه کند و هر کس از گذشتگان و آیندگان آن را مشاهده کند به شگفتی درآید و در نامه عمل روزه دار شب زنده دار ثبت گردد... پس اگر فرزندش را از شیر گرفت خدای متعالی به او فرماید: ای زن ! بدان که تمام گناهانت را آمرزیدم پس عمل خود را از سر بگیر.

شیر مادر، بهترین شیر

پیامبر ﷺ فرمود: لیس للصبی لبن خیر
من لبن امه (۱۰۳).

انتخاب دایه برای شیر دهی به کودک تا آنجا که ممکن است بسیار نیکوست که مادر جز شیر خود به کودک نخوراند، بلکه با در نظر گرفتن آینده فرزند خویش، خود به چنین کاری اقدام نماید، اما گاهی به دلایلی مادر نمی تواند به فرزند خود شیر دهد در این صورت یا مادران به شیر خشک پناه می برند و یا به دایه. اگر خواستند دایه ای برای شیر دادن فرزندشان انتخاب کنند سعی کنند از زنان پاکدامن و با ایمان و با تقوا استفاده کنند هر چند مزد شیر دادن به اینان بیشتر از دیگران باشد و در صورتی که چنین بانویی یافت نشود حتی الامکان سعی شود که از چند دسته از زنان برای شیر دادن به نوزاد خود پرهیز کنند؛ که اثرات سوء و نامطلوبی به جای خواهد گزارد.

البته رعایت این مسائل نسبت به شیر خشک هم لازم است و مادران را تشویق و توصیه نمی کنیم که از شیر خشک استفاده کنند، مخصوصا اگر شیر خشک از کشورهای غیر اسلامی آمده باشد.

دسته اول زنان بی خرد
علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند
که فرمود: ایاکم ان تسترضعوا الحمقاء
فان اللبن ینشئه علیه (۱۰۰).

از شیر زنان بدکاره و دیوانه برای فرزندانتان پرهیز کنید زیرا شیر اثر خود را می گذارد.

دسته چهارم زنان ناصبی (دشمنان اهل بیت)

امام صادق عليه السلام فرمود: رضاع اليهوديه
والنصرانيه اءحب الى من رضاع الناصبيه ،
فاحذروا النصاب اءن تظأروهم (١٠٧) .

فصل سوم : رابطه پدر و فرزند

خوشحالی از ولادت دختر

آداب و رسوم غلط جاهلیت هنوز در بین مسلمانان صدر اسلام کاملاً محو نشده بود و عده ای با اینکه مسلمان شده بودند اما هنوز رسوبات افکار و عادات جاهلی در مغزشان باقی مانده بود. آنان با شنیدن تولد دختری چهره عبوس می کردند و از اینکه پیامبر ﷺ دختری را بر زانو نشانیده و با او به مهربانی رفتار می کند سخت عصبانی می شدند.

قرآن کریم پرده از افکار و عقاید جاهلیت برداشته با اینکه : در جاهلیت دخترها را زنده به گور می کردند و حاضر بودند هر گونه ننگی را بپذیرند اما ننگ دختر داشتن فاجعه ای تلقی می شد که هیچکس یارای پذیرش آن نبود. وقتی به یکی از آنان خبر داده می شد، که صاحب دختری شده است ، چهره در هم می کشید و از فرط خشم صورتش سیاه می گشت . و اذا بشر احدهم بالانثی ظل وجهه مسودا و هو كظیم . این آثار فرهنگ جاهلی هنوز در افکار و اذهان مردم حضور داشت ، پیامبر ﷺ برای از بین بردن این تعصبات و رسمهای جاهلی سخت در برابر آنها می ایستاد و برای زدودن آنها مبارزه می کرد.

روزی به رسول خدا ﷺ مژده دادند که دختری به دنیا آمده است . پیامبر در همان حال به صورت یاران نگاه کرد با کمال تأسف چهره همگان درهم کشیده شد بود. پیامبر به آنان فرمود: مالکم ریحانه اءشمها و رزقها علی الله شما را چه می شود؟ چرا ناراحت شدید؟ این دختر گلی

است خوشبو که بویش را احساس می‌کنم و روزیش نیز بر خداست. (۱۱۱)

خداوند به جای آن پسرک دختری به آنان عطا کرد که (از نسل خویش) هفتاد پیامبر به دنیا آورد. (۱۱۲)

این سه ماجرا تا حدودی حساسیت مردم از آن روز را نسبت به داشتن دختر نشان می‌دهد ولی آنچه بیشتر سبب شد که مردم از آن عقاید خرافاتی دست بردارند، تشویق پیامبر ﷺ و معصومین علیهم‌السلام و تکریم دختران و بزرگداشت مقام زن از سوی اهل بیت علیهم‌السلام بود.

در این باب روایات فراوانی به دست ما رسیده است که مرحوم صاحب وسائل آنها را چند دسته تقسیم کرده است و اینکه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

خوشحال کردن دختران

پیامبر ﷺ فرمود: هر کس وارد بازار شود و تحفه و هدیه ای برای خانواده خود بخرد چون کسی است که صدقه ای برای گروهی نیازمند برده باشد و اگر خواست آنچه را که به خانه برده بین آنان تقسیم کند از دختران شروع کند، زیرا هر که دختر خود را خوشحال کند همانند آن است که بنده ای را از اولاد اسماعیل آزاد کرده باشد و هر کس سبب شادمانی فرزندی شود مثل آن است که از ترس خدا گریسته باشد و هر کس از خوف خدا اشک بریزد، خداوند او را به بهشت‌های پر نعمت خویش داخل می‌گرداند. (۱۱۰)

تربیت دختر سپری در برابر شعله های آتش دوزخ

ابن مسعود از پیانبر: من کانت له ابنة فاءدبها و اءحسن اءدبها و علمها فاءءحسن تعلیمها فاءوسع علیها من نعم الله الّتی

ءسبغ عليه كانت له منعه و سترا من النار. (۱۱۷)

هر که دختری داشته باشد و به او آزار نرساند و بی احترامی نکند و پسرش را بر او مقدم ندارد خداوند او را وارد بهشت می کند.

آنان که آرزوی مرگ دختران خویش کنند:
امام صادق علیه السلام فرمود: من تمنی موتهن (البنات) حرم اءجرهن ولقی الله عاصیا. (۱۱۹)

اظهار محبت

محبت را باید از دل به زبان و عمل آورد تا کودک آنرا با تمام وجود لمس کند ممکن است پدر و مادری فرزند خود را در دل دوست داشته باشند اما اظهار نکنند این نوع محبت تاءثیر چندانی ندارد بلکه گاه تاءثیر منفی می گذارد و کودک مهر و محبت والدین را احساس نمی کند و در نتیجه خود را تنها می یابد و می اندیشد که مورد توجه والدین نیست بنابراین عقاید تحقیرآمیزی نسبت به خود پیدا می کند. از این رو پدر و مادر باید محبت خود را به صور گوناگون آشکار سازند.

اینک نظری می افکنیم به برخی از روایات اهل بیت علیهم السلام در موضوع مهر ورزیدن به فرزندان و تاءکیدهایی که بر این مطلب رفته است.

۱ - محبت به فرزند بهترین عمل نزد خدا:

امام صادق علیه السلام فرمود:

قال موسى يا رب اءى الاءعمال اءفضل عندك؟ قال: حب الاءطفال فانی فطرتهم على توحیدی فان امتهم اءدخلتهم برحمتی جنتی. (۱۲۱)

خداوند مرد را بخاطر شدت محبت و دوستی
فرزندش ، مورد لطف و رحمت خویش قرار می
دهد .

۳ - محبت را اظهار کنید :

تنها دوست داشتن فرزند کافی نیست بلکه
آثار تربیتی این دوستی آنگاه ظهور تمام
می یابد که مهر و محبت قلبی به عاطفه و
محبت و صمیمیت در سخن گفتن و عمل کردن
مبدل گردد، و یا در عمل بگونه ای رفتار
کنید که فرزندان این محبت را با تمام
وجود احساس کند و در یابد. اینک نظر شما
را به سه نمونه از این قبیل رفتارهای
نیکو در زندگی سه تن از ائمه معصومین
علیهم السلام جلب می کنیم :

الف) اظهار محبت امیر مؤمنان به زینب
و قمر بنی هاشم :

در مجموعه شهید آمده است : قیل لما
كان العباس و زینب - ولدی علی - صغیرین
قال علی : للعباس قل واحد فقال واحد،
فقال : قل اثنان قال اءستحی اءن اءقول
باللسان الذی قلت واحد اثنان ، فقبل علی
عینیه ثم التفت الی زینب و كانت علی
یساره و العباس علی یمینه فقالت : یا
ءبتاه اءتحننا؟ قال : نعم یا بنی
اولادنا اکبادنا فقالت یا اءبتاه حبان
لا یجتمعان فی قلب المؤمن : حب الله و حب
الاءولاد، وان كان لابد لنا فالشفقه لنا و
الحب لله خالصا فازداد علی بهما حبا .^(۱۲۳)

امام صادق پسری داشت که او را بسیار
دوست می داشت به آن حضرت عرض شد محبت
شما نسبت به او چه اندازه است ؟

فرمود: مهر من به او چنان است که دوست
ندارم پسر دیگری داشته باشم که محبتم به
او نیز تعلق پذیرد .

ج - اظهار محبت امام هفتم به امام رضا
علیه السلام :

مفضل بن عمر گوید: دخلت على ابي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام و على ابنه فى حجره و هو يقبله و يمص لسانه و يضعه على عاتقه و يضمه اليه و يقول باءى اءنت ما اءطيب ريحك و اءطهر خلقك و اءبين فضلك. (۱۲۰)»

اظهار علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حسنین علیهما السلام : انس و عبدالله بن شيبه از پدرش نقل کند: انه دعى النبى الى صلاه و الحسن متعلق به فوضعه النبى صلی الله علیه و آله و سلم فى مقابل جنبه و صلى ، فلما سجد اءطال السجود، فرفعت راءسى من بين القوم فاذا الحسن على كتف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فلما سلم قال له القوم يا رسول الله لقد سجدت فى صلاتك هذه سجدة ما كنت تسجدها كانما يوحى اليك فقال عليه السلام : لم يوح الى و لكن ابنى كان على كتفى فكرهت اءن اعجله حتى نزل. (۱۲۲)

هنگامی که پیامبر نماز می خواند امام حسن عليه السلام و امام حسين عليه السلام به پشت آن حضرت می پریدند و هرگاه که می خواست سر از سجده بردارد، و بنشینند دست بر پشت خود می گذاشت تا آن دو نیفتند. (۱۲۹)

پیامبر نماز می خواند در حالی که امامه دختر زینب را در بغل گرفته بود و هرگاه می خواست به رکوع رود او را به زمین می گذاشت و هرگاه می خواست برخیزد بار دیگر او را به بغل می گرفت .

تعجب یهودی از برخورد محبت آمیز پیامبر با کودکان : لیث بن سعد گوید: ان النبى كان يصلى يوما فى فئه و الحسين بالقرب منه فكان النبى صلی الله علیه و آله و سلم اذا سجد جاء الحسين فركب ظهره ثم حرك رجلیه و قال حل حل ، فاذا ازاد ان يرفع راءسه اءخذه فوضعه الى جانبه فاذا سجد عاد على ظهره و قال : حل حل فلم يزل يفعل ذلك حتى فرغ النبى صلی الله علیه و آله و سلم من صلاته فقال يهودى : يا محمد انكم لتفعلون بالصبيان شيئا ما

نفعله نحن فقال النبي : اءما لو كنتم تؤمنون بالله ورسوله لرحمتم الصبيان قال : فاني اءؤ من بالله ورسوله فاءسلم لما راءى كرمه مع عظم قدره .^(۱۳۱) و هر گاه پیامبر می خواست سر از سجده بردارد او را می گرفت و در کنار خود می نشاند، اما همین که به سجده می رفت بار دیگر امام حسین علیه السلام بر پشت آن حضرت قرار می گرفت و جمله : حل حل را تکرار می کرد، تا اینکه پیامبر از نماز فارغ شد. يك يهودى (که نظاره گر مهربانی پیامبر به امام حسین بود) به سخن درآمد و گفت : ای محمد شما با فرزندان خود رفتاری می کنید که هرگز ما چنین نمی کنیم ، پیامبر فرمود: اگر شما نیز به خدا و رسول او ایمان داشتید بی تردید نسبت به فرزندان خود مهربان بودید. مرد یهودی گفت پس من به خدا و رسول او ایمان می آورم و اسلام آورد زیرا مشاهده کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله با همه عظمی که داشت چگونه بزرگوارانه (با کودکان) رفتار می کند.

اظهار محبت به سایر کودکان

۱ - ابو سعید گوید: جاء صبی - قد سماه - الی رسول الله و هو ساجد فرکب علی ظهره فاءمسکه بیده ثم قام و هو علی ظهره ثم رکع ثم اءرسله فذهب .^(۱۳۲)
یعنی : نماز ظهر یا عصر را در محضر رسول الله خواندم ، همین که آن حضرت سلام دادند به ما فرمودند: بر جایتان بمانید و فرمود: کوزه ای است با مقداری حلوا. آنگاه برای تقسیم آن در میان نمازگزاران از جا برخاست و به هر کدام انگشتی حلوا می خوراند تا اینکه به من رسید من کودک بودم آن حضرت انگشتی حلوا بمن خوراند سپس فرمود: باز هم بدهم ؟ عرض کردم آری آن حضرت انگشتی دیگر به خاطر خردسال

بودنم به من خورانیید و بدین حال بودند تا آن گاه که به همگان حلوا دادند.

۳ - اسامه بن زید گوید: کان نبی الله ﷺ لیاخذنی و یقعدنی علی فخذہ و یقعد الحسن علی الاءخری ثم یضمنا ثم یقول اللهم ارحمهما فانی اءرحمهما. (۱۳۰)

پیامبر به من فرمود: صورت اسامه را بشوی سپس به من نگاهی افکند و من در حال تمیز کردن اسامه بودم ، آن حضرت دست مرا کنار زده خود از جای برخاست و صورت اسامه را شست و سپس او را بوسید.

۵ - مرحوم طبرسی گوید: و کان رسول الله یؤتی بالصبی الصغر لیدعوله بالبرکه او یسمیه فیاءخذه فیضمه فی حجره تکرمه لاءهله فربما بال الصبی علیه فیصیح بعض من رآه حین یقول فیقول : لاتزرموا بالصبی فیدعه حتی یقضى بوله ، ثم یفرع له من دعائه او تسميته و یبلغ سرورا اءهله فیہ ولایرون انه تاذی ببول صبیهم فاذا انصرفوا غسل ثوبه بعده . (۱۳۷)

۷ - نوازش فرزند شهید: جعفر طیار در جبهه جنگ به شهادت رسید. رسول خدا ﷺ به خانه او رفت و به اءسماء بنت عمیس ، همسر جعفر فرمود: کودکان جعفر را بیاور. سپس آن حضرت ، فرزندان شهید را در آغوش کشید و آنان را بوسید. عبدالله پسر جعفر می گوید: خوب به خاطر دارم که روزی پیامبر ﷺ نزد مادرم آمد و خبر شهادت پدرم را به او داد. سپس دست محبت بر سر من کشید.

حضرت بسیار ناراحت شده و اشک از چشمانش جاری گردید و بعد او را روی زانوی خود نشانید و فرمود ناراحت مباش ، من از امروز پدر تو و دخترم فاطمه ؑ خواهر تو است . کودک شادمان شد و برخاست و فریاد زد: ای بچه ها، دیگر مرا سرزنش

نکنید که پدرم از پدرهای شما بهتر است .
آن گاه پیامبر ﷺ دست او را گرفتند و
به خانه دخترشان فاطمه علیها السلام بردند و
گفتند دخترم : این کودک ، فرزند ما و
برادر تو است ، از او نگهداری کن .
فاطمه علیها السلام نیز جامه ای پاکیزه بر او
پوشاند ، سرش را روغن زد و ظرف خرمایی
پیش روی او گذاشت و فرمود : حسن و حسینم
بیایید و با هم غذا بخورید .
بعد از رحلت حضرت رسول ﷺ او بر سر
خود خاک می ریخت و فریاد می زد : وا
ابتاه امروز من یتیم شدم و همه مردم از
سوز او می گریستند .^(۱۴۰) حسن جان مانند
پدرت باش و حق را از بند اسارت به در
آور و خدایی را بپرست که پر فضل و احسان
است و از دشمنان کینه توز پیروی مکن .

شیوه های گوناگون مهرورزیدن به کودکان

بوسیدن فرزند

ابراز محبت شیوه های گوناگونی دارد ،
بهترین آنها ، بغل کردن ، در آغوش فشردن
، نوازش کردن ، سخن گفتن ملایم و دلپذیر ،
بازی کردن با فرزند و بوسیدن او است .
دل پاک کودک آئینه ای است درخشان و
اظهار محبت پدر و مادر به فرزند خود و
به خصوص بوسیدن او ، آئینه روح کودک را
جلا می دهد و به طور خلاصه مهرورزی والدین
ضامن سلامت روحی و تعادل عاطفی کودک است
. شاید فلسفه سفارشهای اکید اسلام به
بوسیدن فرزندان نیز در همین نکته مهم
نهفته باشد .

در روایات قبل به برخی از شیوه های
اظهار محبت اشاره شد و پرتوی از سیره
معصومین علیهم السلام نیز در این باره ملاحظه
گردید . اینک با توجه به اهمیت «بوسیدن

فرزندان» به چند روایت در این باب اشاره می‌کنیم .

بوسیدن فرزندان نیکویی است :
فضل بن اءبی قره از امام صادق عليه السلام و او
از رسول خدا صلى الله عليه وآله نقل فرمود که : من قبل
ولده كتب الله له حسنه ... (۱۴۲)
بوسیدن (فرزند) نیکویی است و پاداش هر
نیکویی ده برابر است . (۱۴۴)
فرزندان خود را ببوسید زیرا به هر
بوسه ای رتبه ای است در بهشت و فاصله دو
رتبه از یکدیگر پانصد سال است .
مهر پیامبر به فرزندان خود :

علاقه و محبت پیامبر نسبت به فرزندان
آن چنان زیاد بود که هیچ گاه پوشیده نمی
ماند و گاه در حال سخن گفتن با مردم به
فرزندان خود ابراز محبت و علاقه می کرد و
آنها را مکرر می بوسید .

پیامبر ابراهیم را می بوسید :
انس بن مالك گوید : ما رأيت اءحدا كان
اءرحم بالعیال من رسول الله صلى الله عليه وآله ، كان
ابراهیم مسترضعا له فی عوالی المدینه و
كان ظئره قینا فکان یاءتیه وان البیت
لیدخن فیاءخذه فیقبله . (۱۴۶) در خدمت
پیامبر بودم در حالی که فرزندش ابراهیم
بر زانوی چپ رسول خدا صلى الله عليه وآله نشسته بود و
حسین بن علی بر زانوی راستش و حضرت گاهی
این را می بوسید و گاهی آن را .

پیامبر و حسنین :

ابوهریره گوید: خرج علينا رسول الله ﷺ و معه الحسن و الحسين هذا على عاتقه و هذا على عاتقه و هو يلثم هذا مره و هذا حتى انتهى الينا، فقال له رجل يا رسول الله انك لتحبهما؟ فقال : من اءحبها فقد اءحبني ... (١٤٨)

يا رسول الله من تاكنون هيچ يك از فرزندانم را نبوسيده ام . هنگامی كه از نزد آن حضرت بيرون رفت پیامبر - كه از شدت قساوت و بی رحمی او سخت شكفت زده شده بود - فرمود: اين مرد نزد من از اهل جهنم است .

تعجب اقرع بن حابس از رسول خدا ﷺ :
ابو هریره گوید: اءبصر اءقرع بن حابس النبى و هو يقبل حسينا فقال ان لى عشره من الولد ما قبلت واحدا منهم فقال النبى : انه من لايرحم لايرحم . (١٥٠)
هر كس كه كودكى دارد بايستى خود را تا حد طفوليت تنزل دهد.

همچنين شيخ صدوق (رحمه الله عليه) در كتاب من لا يحضره الفقيه از پیامبر ﷺ روايت مى كند كه : من كان عنده صبى فليتصاب له (١٥٢)

امام حسن عليه السلام و امام حسين عليه السلام بر پشت پیامبر سوار مى شدند و «حل حل» مى گفتند و پیامبر ﷺ مى فرمود: نيكو شترى است ، شتر شما .

تعجب عيينه از بازى كردن پیامبر ﷺ با حسنين عليه السلام :

علقمه از ابوسلمه روايت کرده است كه : ان رسول الله ﷺ كان يدلع لسانه للحسن و الحسين عليه السلام فيرى الصبى لسانه فيهش اليه ، فقال عيينه بن بدر الفزارى والله ليكون الابن رجلا قد خرج وجهه و ما قبلته قط

فقال رسول الله ﷺ : من لم يرحم لا يرحم
(١٥٤).

تشويق و نظارت پیامبر ﷺ بر کشتی
حسین علیهما السلام :

از امیر مؤمنان علی علیهما السلام نقل شده است
که : روزی حسن و حسین نزد پیامبر ﷺ با
هم کشتی گرفتند پیامبر ﷺ فرمود: حسن
بجنب !. عرض کردم ای رسول خدا! بزرگتر
را بر علیه کوچکتر تشويق می کنی !
پیامبر ﷺ فرمود: جبرئیل می گوید:
حسین بجنب ! و من می گویم حسن بجنب ! (١٥٦)
کودکان را دوست بدارید و به آنان
اظهار محبت کنید. پس اگر به آنان وعده
ای دادید، به آن وفا کنید، زیرا آنان
روزی خود را به دست شما می بینند. علی
علیها السلام از پیامبر نقل می کند که : اذا وعد
اءحدکم صبیة فلینجز.

هر يك از شما، اگر به فرزند خود وعده
ای می دهد بدان وفا کند، حارث اعور از
علی علیهما السلام نقل می کند که لا یصلح من الکذب
جد ولاهزل ، ولا اءن یعد اءحدکم صیه ثم لا
یفی به ، ان الکذب یهدی الی الفجور،
والفجور یهدی الی النار. (١٥٨)

اگر به کودکانتان وعده دادید وفا کنید
زیرا آنان می پندارند که روزیشان به دست
شماست ؛ به راستی خداوند بر هیچ چیز آن
چنان خشم نمی گیرد که به خاطر زنان و
کودکان . از مجموع این روایت چنین
استفاده می شود:

١ - اولاً لزومی ندارد که به فرزند خود
وعده چیزی بدهید، اما اگر وعده ای دادید
حتماً به آن وفا کنید، زیرا آثار منفی
خلف وعده نسبت به بزرگ و کوچک یکسان است
. و جمله «ففوا» یا «فلینجز» که در
روایت آمده تصریح می کند که عملی ساختن
وعده واجب است .

۲ - همان گونه که شما از خداوند و حتی از بندگان او انتظار ندارید که به وعده هایی که داده اند وفا نکنند، کودکان شما نیز، انتظار ندارند که نسبت به وعده هایی که به آنان می دهید عمل نکنید.

۳ - وفا نکردن به این قبیل وعده ها در روایات تجاوز به حقوق کودک محسوب شده است و چون کودک نمی تواند از حق خود دفاع کند، زیرا زیر پا گذاشتن حق او خشم الهی را بر خواهد انگیخت؛ که خداوند پشیمان محرومان و ناتوانان است.

۴ - در اثر وفا نکردن به وعده های دروغین دریچه ای به روی فرزندان خود باز می کنید که اولین ره آورد آن پیدایش روحیه نفاق و دروغگویی در کودکان است؛ زیرا کودکان بیشتر، از سیره عملی والدین درس می گیرند تا سخنان آنها و به این ترتیب احساس می کنند که دروغ گفتن زشت نیست و وفای به عهد و پیمان ضروری نیست و هیچ مانعی ندارد که برای حفظ ظاهر و نشان دادن عنایت خویش به دیگران وعده هایی به آنها بدهیم اما با هزار بهانه و معذرت خواهی امروز و فردا کنیم و سرانجام نیز از عملی کردن وعده هایمان شانه خالی کنیم.

بی تردید این گونه رفتارهای ناپسند زمینه ساز انحرافات گوناگون کودکان و سبب دوری آنها از پاکی و صداقت خواهد شد.

۵ - رعایت عدالت و مساوات بین فرزندان یکی دیگر از وظایف اخلاقی پدران و مادران این است که همیشه سعی کنند بین فرزندان خود، بر اساس عدالت و مساوات رفتار کنند، و هیچ گاه پسر را بر دختر یا فرزندی را بر فرزندان دیگر مقدم ندارند و یا نزد بچه ها، یکی را بیش از همه مورد مهر و محبت و نوازش قرار ندهد.

اگر می بوسند تمام بچه ها را ببوسند،
اگر سوغاتی می خرنند برای همه بچه ها
بخرند.

بدیهی است که پدر و مادر از ثمره تلخ
این تبعیضها بی بهره نمی مانند و اعتماد
بچه ها از آنان سلب می شود، علاوه بر این
با دست خود آتش حسادت، دشمنی و کینه
ورزی را بین فرزندانشان شعله ور می
سازند، البته جز این هم، نباید انتظار
داشت.

نعمان بن بشیر از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
روایت می کند که : اتقوا الله و اعدلوا بین
اءولادکم كما تحبون اءن یبروکم (۱۶۰).
پدرم (امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: به خدا
سوگند! من گاهی با یکی از فرزندانم بیش
از حد نرمی و مدارا می کنم. او را بر
زانو می نشانم و به شیرین کاری با او می
پردازم، و از او تعریف و تمجید می کنم
. در حالی که می دانم حق با دیگر
فرزندانم است، اما از این ترس دارم که
مبادا ماجرای حضرت یوسف و آنچه که
برادرانش با او کردند بر سر او نیز
بیاید و در حقیقت خداوند متعال این سوره
را جز برای درس عبرت نازل نکرده است.
از بهر آنکه بعضی از ما بر بعضی دیگر
حسد موزند، چنان که برادران یوسف بر او
حسادت و ستم کردند.
خداوند این حکایت را برای پیروان و
شیفتگان ما رحمت و بر دشمنان آشکار ما
حجت قرار داد.

عدالت بین پسر و دختر

رسول خدا ﷺ نسبت به تبعیض قائل شدن بین پسران و دختران ، بسیار حساس بودند . نمونه گویایی از این حساسیت این است که :

روزی پیامبر ﷺ گرماگرم سخن گفتن با یاران بود . پسر بچه ای آمد و به نزد پدر خود - که در گوشه ای از مجلس نشسته بود - رفت . پدرش دستی به سر او کشید و او را بر زانوی راست خود نشانید اندکی بدین حال بود که دختر خردسال آن مرد آمد و به طرف پدرش رفت ، چون به نزدیک او رسید مرد دستی به سرش کشید و در کنار خود بر زمین نشانید .

پیامبر خدا ﷺ (که تبعیض و بی عدالتی او را مشاهده کرد) به او فرمود: چرا او را بر زانوی چپ خود نشانیدی !

آن مرد (که به رفتار نادرست خود پی برده بود، به دستور پیامبر ﷺ عمل کرد و) دخترش را بر زانوی دیگر نشانید . رسول خدا فرمود: الآن عدالت را رعایت کردی . (۱۶۲) پروردگار دوست دارد که بین فرزندان عدالت را رعایت کنید حتی در بوسیدن آنان و عن النبي ﷺ : اءنه نظر الى رجل له ابنان فقبل اءحدهما و ترك الاخر فقال النبي ﷺ فهلا ساويت بينهما . (۱۶۴)

بین فرزندان خود در دادن هدیه به عدالت رفتار کنید همانگونه که دوست دارید آنان نیز در نیکی و لطف و محبت به شما به عدالت رفتار کنند .

۲ - ابن عباس از رسول خدا ﷺ : ساووا بين اءولادكم في العطيه ، فلو كنت مفضلا اءحدا لفضلت النساء . (۱۶۶)

روزی بشیر بن سعد فرزند خود نعمان را به محضر پیامبر آورده ، عرض کرد: من به

این فرزندم بنده ای هدیه کردم ، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آیا به تمام فرزندانانت چنین بخششی کردی ؟ عرض کرد: خیر. یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: این را هم که به او داده ای باز پس گیر.

۴ - جابر روایت می کند که : قالت امراءه بشیر انحل ابنی غلاما و اشهد لی رسول الله ، فاءتی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقال ان ابنه فلان ساءلتی ان انحل ابنها غلاما ، قالت اشهد لی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ له ؟ نعم . قال : فکلهم اعطیت مثل ما اعطیت قال : لا قال : فلیس یصلح هذا و انی لا اشهد الا علی حق (۱۶۸)

فرزندان خود را احترام کنید، و آدابشان را نیکو گردانید که مورد رحمت و بخشش قرار خواهید گرفت .

احترام کودک در حال نماز

گاهی کودکان خرد سال به هنگامی که پدر یا مادر مشغول خواندن نماز هستند یا از طولانی شدن نماز آنان و یا از گرسنگی بی تابی می کنند و یا دوست دارند در آن حال از سر و گردن پدر و مادر بالا رفته و بر پشت آنان سوار شوند و بازی کنند.

در این هنگام پدر و مادر متحیر می مانند که چه کنند، آیا نماز واجب را شکسته و به خواسته های فرزندشان پاسخ مثبت دهند، و یا نماز را ادامه داده و به داد و فریاد و گریه او بی اعتنا باشند؟

آنچه که می توان از سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت اطهار علیهم السلام آموخت این است که نه باید از یاد خدا غافل ماند و به نماز بی اعتنایی کرد و نه اینکه مهر و عاطفه کودک و نیازهای او را بی اهمیت دانست و به فراموشی سپرد. نماز را باید کامل و با توجه به جا آورد، اما می توان با در نظر گرفتن نیازهای کودکان آن را به اختصار برگزار نمود، گاهی هم می توان در حال نماز به نیازها و عواطف اطفال پاسخ مناسب داد، در عین حال وضع و حال نمازگزار را هم حفظ نمود.

پیامبر به احترام کودکان نماز را کوتاه می کند

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند: صلی رسول الله صلی الله علیه و آله بالناس الظهر، مخفف فی الکرکتین الاءخیرتین ، فلما انصرف قال له الناس : هل حدث فی الصلاه شیء؟ قال : و ما ذاک؟ قالوا: خففت فی الکرکتین الاءخیرتین . فقال لهم : اء و ما سمعتم صراخ الصبی . (۱۷۰)

هنگامی که پیامبر ﷺ در حال نماز صدای کودکی را که با مادرش بود می شنید، سوره های سبک و کوتاه قرائت می کرد. طولانی کردن سجده به احترام كودك :

روایت شده است که پیامبر ﷺ ، مردم را به نماز فرا خواند و حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام طفل خردسال صدیقه اطهر علیه السلام نیز با آن حضرت بود، پیامبر كودك را کنار خود نشانند و به نماز ایستاد و در میانه نماز یکی از سجده ها را خیلی طول داد. راوی حدیث گوید: من سر از سجده برداشتم ، دیدم امام حسن از جای خود برخاسته و روی کتف پیامبر نشسته است وقتی نماز تمام شد نمازگزاران گفتند: یا رسول الله از شما چنین سجده ای ندیده بودیم گمان کردیم بر شما وحی نازل می شود فرمود: وحی نازل نشد، فرزندم حسن ، در حال سجده ، بر دوشم سوار شد، نخواستم شتاب کنم و كودك را بر زمین بگذارم ، آنقدر صبر کردم تا طفل ، خود از دوشم پایین آمد. (۱۷۲)

اشکالی ندارد که زن كودك را در حال نماز با خود بردارد و در حالی که تشهد می خواند به او شیر دهد.

ساکت کردن فرزند در حال نماز

علی بن جعفر برادر امام موسی بن جعفر علیه السلام گوید: ساءلته عن المرءه تکنون فی صلاه الفریضه و ولدها الی جنبها یبکی و هی قاعده هل یصلح لها ان تتناولہ فتقعده فی حجرها و تسکته و ترضعه ؟ قال لاباءس (۱۷۴).

از امام باقر علیه السلام درباره کودکی پرسیدم که در نماز جماعت شرکت کرده اند، حضرت فرمود: آنان را در نماز، به صفهای آخر واپس نرانید؛ بلکه (با ایستادن بزرگترها) در میانشان جدایی بیفکنید.

به این ترتیب هم احترام کودکان محفوظ می ماند و هم از اینکه مسجد به جای بازی و سرگرمی کودکان مبدل گردد، جلوگیری می شود.

سلام کردن به کودکان

سلام دادن به کودکان ، نشانه تواضع و بزرگی و نرمخویی و سبب ارج نهادن به شخصیت کودکان و خلق و خویی پیامبرانه و سنت خوب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است .

پیامبر بزرگوار اسلام تا زنده بود این سنت نیکو را فراموش نکرد و پیوسته به بزرگ و کوچک سلام می کرد و می فرمود: خمس لا اءدعهن حتی الممات ... والتسلیم علی الصبیان لیكون سنة من بعدی .^(۱۷۶) فرزندان تیری از تیرهای تیردان تو است . یعنی فرزندان پاره تن تو و ذخیره آینده توست و تو با توهین به شخصیت او هم به خود ضربه می زنی و هم اینکه کسی را تضعیف می کنی و بی مقدار می سازی که در آینده به تو یاری خواهد رساند و پشتیبان تو خواهد بود و هر عمل نیکی که انجام دهد، تو نیز از اجر و پاداش آن بهره مند خواهی شد .
خطاب نیکو به فرزندان

از دیگر موارد احترام و تکریم کودکان آن است که از دوران کودکی آنان را با اوصاف و لقبهای نیکو و شایسته صدا بزنند . اسمها و لقبهایی نیکوست که حاکی از مهر و محبت و یادآور خیر و فضیلت باشد . صدا کردن کودک با این قبیل اسمها و لقبها علاوه بر تشدید روابط مهرآمیز، شخصیت کودکان را به خوب بودن و رشد و کمال یافتن تشویق و تحریک می کند و عظمت خاصی در روح آنان می دمد که آثار نیکوی آن از یاد نخواهد رفت .

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بادروا اءولادکم بالکنی قبل اءن تغلب علیهم الاءلقاب .^(۱۷۸)

پیامبر فرمود: فرزند آدمی هفت سال اول زندگی سرور و بزرگ است و در هفت سال دوم (۷ تا ۱۴) مطیع و فرمانبردار و در هفت سال سوم (۱۵ تا ۲۱) وزیر خانواده و مشاور پدر و مادر است .

زمینه سازی اجتماعی برای رشد استعداد های کودکان

در کودکان و نوجوانان استعداد های فوق العاده ای نهفته است ، شکفتن این استعداد ها نیازمند زمینه سازی است . پدر و مادر می توانند با زمینه سازی های مؤثر اجتماعی رشد استعداد های کودکان را تسریع ببخشند .

به عنوان مثال : اگر کودکی در منزل قرآن را به زیبایی تلاوت می کند در مجامع عمومی نیز از او خواسته شود تا برای دیگران همان آیات و سوره ها را تلاوت کند .

یا اگر شعری ، سخنی و هنری می داند ، از او خواسته شود تا پیش دوستان و خویشان و در محافل و نشست های خانوادگی و اجتماعی دانسته ها و مهارت های را آشکار سازد ، این امر سبب می شود که فرزندان به توانایی های خود اطمینان یابند و احساس سرور و بالندگی کنند و بیش از پیش به مسائل فرهنگ علاقه مند شوند و از احساس حقارت نیز که مایه رکود استعداد هاست رهایی پیدا کنند .

شیخ صدوق رحمته الله روایت می کند: روزی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام در مسجد در حین خطابه رو به مردم کرده و فرمود: سلونی قبل ان تفقدونی از من سؤ ال کنید قبل از آنکه مرا از دست بدهید . اما هیچکس از جای بر نخواست تا سؤ الی از آن حضرت کند .

آنگاه امیر مؤمنان علیه السلام پس از بجا آوردن حمد و ثنای الهی و درود فرستادن بر پیامبر بزرگوار نگاهي به امام حسن مجتبی انداخت و فرمود: فرزندم حسن برخیز به منبر برو و سخنی بگو تا قریش پس از من تو را کوچک نشمارند، و نگویند: حسن چیزی نمی داند.

امام حسن مجتبی فرمود: پدر جان چگونه به منبر بروم و سخنی بگویم در حالی که تو در میان مردم نشسته ای و به سخنانم گوش می دهی و مرا می بینی؟!

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد، من خود را پنهان ساخته ، به سخن تو گوش فرا می دهم و تو را در حال خطابه می بینم ، در حالی که تو مرا نخواهی دید.

امام مجتبی علیه السلام به دستور پدر عمل کرد، بر منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او فرمود: مردم از جدم رسول خدا شنیدم که می فرمود: من شهر علمم و علی دروازه آن است . آیا می توان بدون عبور از دروازه وارد شهر علم شد پس از منبر به زیر آمد. امیرمؤمنان علیه السلام از جای برخاست و فرزندش را در آغوش کشید.

آنگاه به فرزند دیگرش ، حضرت امام حسین علیه السلام فرمود: فرزندم ! تو نیز برخیز و بر منبر برو و سخنی بگوی که قریش تو را پس از من کوچک نشمارند و نگویند که حسین بن علی چیزی نمی داند، اما چنان سخن بگوی که ادامه سخن برادرت باشد.

امام حسین علیه السلام به دستور پدر عمل کرده ، و به منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر و آل او، فرمود: مردم ! از رسول خدا شنیدم که می فرمود: علی شهر هدایت است پس هر کس داخل آن شود

نجات پیدا کرده است و هر کس از آن تخلف کند هلاک شود.

حضرت از جای برخاست و در حالی که او را بر سینه و قلب خود می فشرد به مردم فرمود: ای مردم شاهد باشید این دو فرزندان رسول خدا، امانتی هستند که آن حضرت به من سپرده است. و من این دو را به عنوان امانت در بین شما می گذارم. مردم بدانید که پیامبر از شما درباره این دو خواهد پرسید (که با آنان چه کرده اید؟) (۱۸۰)

۷ - دعای پدر و مادر در حق فرزندان
فرزندان موظفند در حق پدر و مادر دعا کنند، و از خداوند برایشان طلب آمرزش نمایند. قرآن می فرماید: و قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا (۱۸۲)
حال که به اهمیت دعای والدین برای سلامتی و سعادت فرزندان واقف شدیم، این واقعیت را در سیره و سخن اهل بیت جستجو می کنیم:

دعای پیامبر برای کودکان

عایشه گوید: کان رسول الله یؤتی بالصبیان فیدعو لهم و یدبرک علیهم... (۱۸۴)
برنامه امام صادق علیه السلام این بود که هر شب از طرف فرزندان خود، و هر روز از طرف پدر خود دو رکعت نماز می خواند و در آن دو رکعت سوره قدر و کوثر را قرائت می نمود.

دعای امام زین العابدین علیه السلام در حق فرزندان خود

امام زین العابدین علیه السلام در صحیفه سجادیه در حق فرزندان خود چنین دعا می فرماید: «بار خدایا! به من نعمت عطا فرما بماندن فرزندانم، و به شایسته گردانیدن ایشان برای (اطاعت و پیروی از) من، و به بهره

بردن من از ایشان . بار خدایا! عمرشان را برای من دراز گردان و مدت زندگانی‌شان را بسیار نما، و خردانشان را برای من پرورش ده ، و ناتوانشان را نیرومند ساز، و تن ها و کیشها و خواهی‌شان را برای من سالم بدار، و در جانها و اندامشان و در هر چه از کار ایشان به آن می‌کوشم تندرستی ده (از دردها و پیشامدهای ناروا نگاهداریشان فرما) و روزیهایشان را برای من و به دست من فراوان گردان و ایشان را نیکوکاران و پرهیزکاران (از گناه) و بینایان (راه حق) و شنوندگان (سخن راست) و فرمانبران خودت و دوستداران و پنددهنگان برای دوستانت و کینه داران برای همه دشمنانت (که به تو نگرویده اند) قرار ده آمین .

بار خدایا بازوی مرا به وسیله ایشان استوار گردان ، کجی مرا به آنان راست نما(در سختی و گرفتاری و پریشانی آنها را کمک من گردان) و عدد و شماره (اهل و خویش) مرا به آنان افزون کن ، و مجلس مرا به ایشان بیار (آنانرا اهل علم و دانش و فضل و کمال قرار ده) و یاد مرا به آنها زنده بدار، و در نبودنم مرا به سبب ایشان بی‌نیاز کن ، (آنها را جانشین من گردان) و به وسیله اینان مرا بر حاجت و خواسته ام یاری فرما، و ایشانرا برای من دوستدار و مهربان و روی آور و (در کمک و یاری) پابرجا، و (در انجام دستورم) فرمانبر قرار ده ، نه گناهکار و بدکننده و مخالفت کننده و خطاکار. و مرا در پرورش و تاءدیب (راه پسندیده نمودن) و نیکی کردن ایشان یاری فرما، و مرا از جانب خود افزون بر ایشان فرزندان نرینه ببخش ، و آنان را برای من نیک قرار ده ، و آنها را در آنچه (در این راز و نیاز که) از تو خواسته ام یاورم گردان و مرا

و فرزندانم را از شیطان رانده شده (از رحمتت) پناه ده... بار خدایا همه آن خواسته ها را به توفیق و جور شدن اسباب کار و رحمت و مهربانیت به ما عطا فرما، و ما را از آتش پناه ده، و مانند آنچه از تو برای خود و فرزندانم در دنیای کنونی و آخرت آینده خواستم به همه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان ببخش...» (۱۸۶) سه دعاست که از لطف و رحمت و استجابت الهی محروم نمی ماند... دعای پدر برای فرزند خود، در صورتی که به پدر نیکی کرده باشد. و نفرینش در صورتی که به پدر بی مهربی و از او نافرمانی کرده باشد.

بالا رفتن درجات در اثر استغفار والدین ابوالقاسم کوفی از پیامبر اکرم روایت کند که : ان العبد لیرفع له درجه فی الجنة لایعرفها من اءعماله ، فیقول : رب انی لی هذه ؟ فیقول : باستغفار والدیک لك من بعدک . (۱۸۸)

۸ - شکیبایی در سوگ فرزند

از دیگر ویژگیهای خوب یک پدر و مادر نمونه این است که در سوگ فرزند از دست رفته شان هر چند هم که عزیز و بزرگوار باشد بردباری نشان دهند و چیزی که موجب خشم پروردگار است، بر زبان نیاورند. این صفت والای اخلاقی از پیامبر و معصومین و علمای بزرگ برای ما به یادگار مانده و حاکی از تعالی فکری و سعه وجودی آنان است؛ زیرا آنان به واقعیات جهان و ماهیت زندگی دنیوی که سراپا آزمایش است و اقفترند و روح بزرگشان در برابر پیشامدهای دلخراش آسیب چندانی نمی بیند.

پیامبر در سوگ فرزندش ابرهیم

هنگامی که ابراهیم فرزند رسول خدا در حال احتضار بود، حضرت فرمود: لولا ان الماضی فرط للباقی و ان الاخر

لاحق بالاءول لحزنا عليك يا ابراهيم ، ثم
دمعت عينه و قال : تدمع العين و يحزن
القلب و لانقول الا مايرضى الرب و انا بك
يا ابراهيم لمحزونون . (١٩٠)

امام صادق عليه السلام در سوگ اسماعيل
زمانی که اسماعيل فرزند امام صادق
عليه السلام در حال احتضار بود مردم ، امام را
در آن حال بسيار بی تاب و مضطرب دیدند
به صورتی که گاهی به درون خانه می رود و
گاهی بیرون می آید، زمانی می ایستد و
زمانی دیگر می نشیند؛ اما وقتی که
اسماعيل از دنیا رفت امام به اندرون رفت
و تمیزترین لباس خود را پوشید؛ سرش را
شانه کرد و به مجلسی که داشت برگشت و در
جای خود نشست . اما از مصیبت وارده سخنی
نگفت گویی هرگز مصیبتی بر او وارد
نیامده است . به حضرت عرض کردند: چرا از
این واقعه سخین نمی گویی حضرت فرمود ما
اهل بیته هستیم که خدا را در آنچه که می
پسندند اطاعت می کنیم و آنچه را که دوست
داریم از او می خواهیم و اگر آن را به
ما ارزانی داد، خدا را سپاس می گوییم و
اگر با ما آن کند که دوست نمی داریم
راضی خواهیم بود. (١٩٢)

برای مصیبت كوچك این همه بی تابی
از امام صادق علیه السلام روایت شده است که :
انه راءى رجلا قد اشتد جزعه على ولده
فقال : يا هذا جزعت للمصيبة الصغرى و
غفلت من المصيبة الكبرى ، لو كنت لما
صار اليه ولدك مستعدا لما اشتد عليه
جزعك ، فمصابك بترك الاستعداد اءظم من
مصابك بولدك . (۱۹۴)

على بن مهزيار گوید مردی به امام جواد
علیه السلام نامه ای نوشت و در آن از مصیبت از
دست دادن فرزند خود و از شدت غم و اندوه
ناشی از آن شکایت کرد. حضرت در جوابش
نوشت : اءما علمت اءن الله عزوجل يختار من
مال المؤمن من من ولده اءنفسه لياجره على
ذلك . (۱۹۶)

فصل چهارم : ادب آموزی و تربیت فرزندان

یکی از مسائل بسیار مهم زندگی هر انسانی ، این است که نسبت به تربیت فرزندان خود احساس مسؤولیت کند و در ادب آموزی آنان اهتمام ورزد؛ این حقی از حقوق فرزند بر والدین است . در روایات بیشماری از اهل بیت علیهم السلام به این مهم اشارت رفته است .

درست از حضرت کاظم علیه السلام چنین روایت می کند: جاء رجل الى النبي صلى الله عليه وآله فقال : يا رسول الله ما حق ابني هذا؟ قال : تحسن اسمه و ادبه وضعه موضعا حسنا. (۱۹۸)

حق فرزند بر پدر سه چیز است :
دایه و مربی خوبی برایش انتخاب کند؛
نام خوبی برایش بگذارد و در تربیت او تلاش فراوان کند.

تربیت نیکو از انفاق برتر است :
پیامبر صلى الله عليه وآله می فرماید: لاءن يؤدب
اءحدکم ولده خیر له من اءن يتصدق بنصف
صاع کل یوم . (۲۰۰)

هیچ هدیه ای از طرف پدر به پسر بهتر
از حسن ادب و تربیت نیکو نیست .

ادب آموزی بهترین ارث والدین :
علی علیه السلام ضمن وصیتی به فرزند خود امام
حسین علیه السلام می فرماید: والاءدب خیر میراث
(۲۰۲) .

هیچ میراثی از ادب و تربیت صحیح برای
فرزند بهتر نیست .

نقش تربیت در تکامل انسان

امیر المؤمنین علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کند که : يعرف المؤمن من منزلته عند ربه بآن یربی ولدا له کافیا قبل الموت . (۲۰۴)

بی تردید دل نوجوان چون زمینی آماده و بی کشت است و آماده پذیرش هر بذری است که در آن افکنده شود، پس به تربیت تو شتافتم پیش از آنکه دلت سخت شود و خاطرت به چیزی اشتغال یابد.

ادب آموزی در کودکی :

امام صادق علیه السلام فرمود لقمان حکیم به فرزند خود چنین سفارش کرد: یا بنی ان تاءدبت صغیرا انتفعت به کبیرا، و من عنی بالادب اهتم به و من اهتم به تکلف علمه و من تکلف علمه اشتد له طلبه و من اشتد له طلبه اءدرک به منفعتہ فاتخذہ عادہ ، و ایاک و الکسل منه و الطلب بغيره . (۲۰۶)

واگذار فرزندت هفت سال بازی کند. سپس هفت سال او را ملازم خود گردان (یعنی هفت سال تمام او را زیر نظر بگیر و تحت تربیت مستمر و بی وقفه خود داشته باش) اگر رستگار شد که چه بهتر وگرنه معلوم می شود در او خیری نیست .

این روایت با کمی تفاوت به دو طریق دیگر وارد شده است که در هر دو روایت دوره بازی کودک را شش سال بیان کرده است ، لیکن در روایت دیگری که مرحوم طبرسی نقل می کند، دوره کودکی و نوجوانی به سه مرحله تقسیم می شود: شش سال اول دوران بازی ، شش سال دوم دوران آموزش و سپس هفت سال تربیت مستمر، که براساس دو روایت اول ، آغاز تربیت مستمر کودک از هفت سالگی شروع می شود امام در روایت مرحوم طبرسی این دوره از سیزده سالگی آغاز می شود.

فواید ادب در کودکی و نوجوانی

فواید ادب در دوران کودکی و نوجوانی آن چنان روشن و آشکار است که چندان نیازی به بحث و بررسی طولانی ندارد، زیرا قسمت عمده پیروزیها و موفقیتها و احیانا شکستها و نابسامانیهای دوره بزرگسالی، ریشه در کمال تربیت یا سوء تربیت در دوره کودکی و نوجوانی دارد و گذشتگان خوب گفته اند که علم و ادب آموزی و تربیت یافتن در خردسالی، همچون نقش و نگار بسیار زیبایی که بر قالب سنگی حکاکی و طراحی شود زوال ناپذیر است.

سعدی می گوید:

هر که در خردیش ادب نکنند در بزرگی
فلاح از او برخاست چوب تر را چنان که
خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش راست در
صفحات پیشین هم از لقمان حکیم آموختیم
که ادب آموزی دوره کودکی سود و سرمایه
عظیم بزرگسالی است. از دیگر سخنان
لقمان به فرزندش آن است که فرمود:
فاتخذہ (الادب) عادہ فانک تخلف فی سلفک و
تنفع به من خلفک ویر تجیبک فیہ راغب و
یخشی صولتک راهب. (۲۰۸)

تشویق فرزندان

از تدابیر مهمی که در بازسازی رفتار فرزندان می توان از آن استفاده کرد تشویق است.

تشویق از مسائل بسیار مهم تربیت اسلامی و از بهترین شیوه های تربیت کودک است، فرزندان از تحسین و تشویق لذت می برند و این از تمایلات فطری آنان است که باید به بهترین شیوه و برای گرایش دادن آنها به فعالیت های ارزشمند از آن استفاده کرد.

نیاز به تشویق ، نیازی همیشگی است و این خطاست که برخی تصورکنند که چون فرزندانشان بزرگ شده اند، پس دیگر نیازی به تشویق ندارند. بلکه بجز انبیا و اولیا و برگزیدگان الهی ، همه افراد در همه مراحل زندگی نیازمند تشویق و تمجیدند.

فواید تشویق

۱ - تشویق موجب تقویت روحی فرزندان می شود و نیروی تازه ای به آنان می بخشد تا بتواند با اعتماد به نفس و پشت گرمی بیشتر کارهای خوب مورد ذوق و علاقه خود را دنبال کنند و به اهمیت آنها بیش از پیش پی ببرند.

۲ - تشویق استعدادهای درونی کودکان را رشد داده و به شکوفایی سوق می دهد. و زمینه های یاس و ناامیدی و بدبینی را در آنها از بین می برد.

۳ - کودک در پرتو تشویق یاد می گیرد که مشکلات و سختیها را بر خود هموار سازد تا هدف مطلوب خود را دنبال کند و تداوم تشویق به تداوم فعالیتهای رشد دهنده کودک می انجامد.

۴- تشویق کودکان توسط پدر و مادر و اطرافیان و مربیان باعث می شود کودکان با نظری خوب و خوش بینانه به آنها نگاه کنند و آنها را دوست و همدم و یار صمیمی خود تلقی کنند و این خود ثمرات بسیاری در بر دارد.

۵ - گاه يك تشویق بجا و حکیمانه و ساده ممکن است مسیر زندگی کودکی را عوض کند و او را از بدکاریها و انحرافات نجات بخشد.

۶ - تشویق کودکان برای انجام فعالیتها مثبت و پاداش دادن پس از انجام آنها، باعث ایجاد انگیزش و تحرك در آنها خواهد

شد و جو رقابتی خوبی در میان آنها پدید خواهد آورد.

اما فرزندان که مورد تشویق قرار نمی گیرند، اغلب دچار شکست روحی می شوند و اعتماد به نفس خود را از دست داده و خود را پست و حقیر می شمارند. و جرات دست زدن به کار خوب را در خود نمی یابند. بنابراین که تشویق عمل بسیار پسندیده ای است جای تردید نیست؛ اما مهمتر از تشویق، نوع و نحوه تشویق است که باید مد نظر والدین قرار بگیرد. والا چه بسا که بازتاب منفی هم داشته باشد.

تشویق خوب آن است که تنها زبانی نباشد بلکه عملی هم باشد و اینکه اصالت پیدا نکند و به سرگرمی مبدل نشود. بلکه دقیقا به عنوان وسیله ای برای ایجاد و تقویت رفتارهای مثبت به کار رود. و کودکان بخوبی بدانند برای چه تشویق می شوند و چه باید بکنند تا مورد تشویق قرار گیرند. همچنین تشویق خوب آن است که در حضور جمع صورت گیرد، نه فقط در خفا و به پنهانی.

تشویق خداوند

خداوند در قرآن مجید به مناسبتهای گوناگونی بندگان صالحش را - از انبیا و صلحا گرفته تا اولیا و پیشوایان معصوم علیهم السلام تشویق و تمجید کرده است، مثلا ایوب پیامبر را به پاس صبر و پایداریش در مقابل رنجها مورد تمجید و ستایش قرار داده و درباره او فرموده:

(وَحُذِّ بِيَدِكَ ضِغْتًا فَاَضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ اِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ اِنَّهُ اَوْابٌ)

(۲۱۰) و بدرستی که تو بر خلق بزرگی.

تشویق پیامبر ﷺ

رسول گرامی ﷺ بارها امیر مؤمنان را در حضور دیگران ستایش کرد. در جنگ احد پس از کشته شدن عمرو بن عبدود به دست علی علیه السلام ، پیامبر فرمود: ضربه علی یوم الخندق افضل من عباده الثقلین (۲۱۲)

تشویق و تمجید در سیره اهل بیت

در مباحثی قبلی با نمونه هایی از کاربرد تشویق در زندگی اهل بیت آشنا شدیم ؛ مثلاً، آنجا که امیر مؤمنان علی علیه السلام در حضور جمع امام حسن علیه السلام را واداشت که بر منبر برود و برای مردم خطبه بخواند و پس از آن نیز او را ستود و آیتی از قرآن در این باب تلاوت نمود. یا آنجا که پیامبر خدا ﷺ امام حسن علیه السلام را در حال کشتی با امام حسین علیه السلام تحریک و تشویق می فرمود و می گفت: جبرئیل هم حسین علیه السلام را تشویق می کند. یا آنجا که علی علیه السلام از سخنان هوشمندانه و حکیمانه دو فرزند خود عباس و زینب احساس نشاط کرد و بر صورت آنان بوسه زد. اکنون چند نمونه دیگر از زندگی این الگوهای بزرگ انسانیت را مطرح می کنیم .
آفرین بر تو که همانند حضرت ابراهیم شدی :

امام باقر علیه السلام فرمود پدرم علی بن الحسین علیه السلام فرمود: بشدت مریض بودم . پدرم حضرت امام حسین علیه السلام - به من فرمود: فرزندم ! طالب و آرزومند چه هستی ؟ عرض کردم : مایلم از کسانی باشم که چیزی بر خدا پیشنهاد نمی کنند و مایلم چیزی نخواهم ، با اینکه خداوند همه چیز را برایم تدبیر کرده است .

پدرم فرمود: آفرین بر تو که همانند
ابراهیم خلیل الرحمان شدی . زیرا هنگامی
که جبرئیل به او گفت آیا حاجتی داری .
ابراهیم فرمود: چیزی از خدانمی خواهم
زیرا اوست که مرا کفایت می کند و اوست
بهترین وکیل ^(۲۶۴) . ای فرزندم ! سپاس خدای
را که تو را جانشین و خلف پدران و مایه
سرور و دلخوشی فرزندان و جانشین دوستان
قرار داد .

یعنی فرزندم تو با این شایستگی و
لیاقتی که از خود نشان می دهی ، هم
بهترین خلف و جانشین پدر هستی و هم
بهترین فرزند و مایه روشنی چشم پدر و هم
بهترین یار و مونس پدر به جای دوستان او
می باشی .

پدر و مادرم به فدای تو ای گنجینه رازها:

محمد بن مسلم گوید: روزی ابوحنیفه به محضر امام صادق علیه السلام وارد شد. و عرضه داشت: فرزندان موسی را دیدم که نماز می خواند در حالی که مردم از مقابل او عبور می کردند و او آنها را نهی نمی کرد و این عمل نادرست است!

امام صادق علیه السلام فرمود: موسی را صدا کنید. و چون موسی به حضور پدر رسید، آن حضرت فرمود: فرزندم! ابوحنیفه می گوید: تو نماز می خواندی و مردم از برابر تو عبور می کردند و آنها را منع نمی کردی؟ گفت: آری پدر جان، کسی که من برای او نماز می خواندم از آنهایی که از برابرم می گذشتند به من نزدیکتر بود. خداوند می فرماید: «و ما به او از رگ گردنش نزدیک تریم». محمد بن مسلم گوید: همین که امام صادق علیه السلام این پاسخ را از فرزندش شنید او را در آغوش کشید به سینه اش چسبانید و فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد ای گنجینه رازها. (۲۱۶)

تنبیه بدنی کودکان

طیکی از مسائل مهم و پیچیده تربیتی که اکثر پدران و مادران در آن دچار تردیدند، چگونگی برخورد آنان با کارهای نادرست کودکان است، به طوری که بیشتر اوقات والدین متحیر می مانند که در مقابل خطاها و کجرویهای فرزندان شان و روی برتافتن آنان از توصیه ها و راهنماییها چه واکنشی نشان دهند... اگر در مقابل کارهای زشت و ناپسند آنان سکوت کنند کودکان بر خطاهای خود افزوده و جسارت بیشتری پیدا می کنند، و

اگر عکس العمل نشان داده و فرزندان را تنبیه کنند چه بسا که مشکلات دیگری هم بیافرینند.

در این بخش ، در پرتو کلام نورانی معصومین علیهم السلام نخست به موارد منع و جواز تنبیه و سپس به بهترین راه حلها در این زمینه اشاره می کنیم و در آخر به سیره معصومین علیهم السلام در این زمینه نظر می افکنیم .

موارد منع از تنبیه بدنی کودکان

در روایات به چند مورد اشاره شده که نباید در این موارد کودکان را زد . ذکر این موارد ، برای آن نیست که در سایر موارد کتک زدن بی اشکال است ، بلکه به طور کلی اصل اساسی و عمومی و اولیه اسلامی که نقش تربیتی و اصلاحی بس عظیمی دارد ، همان تشویق و تحریک مثبت و اشتیاق انگیز نسبت به کارهای خوب است . تنبیه به جز در موارد خاص که به برخی از آنها اشاره خواهد شد ، غالباً تاءثیر منفی دارد و اگر گفته می شود که در موارد زیر تنبیه بدنی کنار گذاشته شود از باب تاءکید بر ترك آن است نه تاءیید آن در موارد دیگر .

۱ - یکی از مواردی که در روایات نام برده شده ، و نباید در این موارد کودکان را کتک زد آنجاست که نامهای پاک و مقدسی بر کودکان نهاده شده باشد ، ما پیش از این در بخش مربوط به نامگذاری کودکان اشاره کردیم که اهل بیت علیهم السلام تاءکید فراوانی داشتند بر اینکه مبادا کودکان همان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام مورد آزار و تنبیه بدنی قرار گیرند .

قبل از ده سالگی برای نماز نزنید:
 پیامبر فرمود: اءدب صغار اءهل بیتك
 بلسانك على الصلاة و الطهور، فاذا بلغوا
 عشر سنين فاضرب ولا تجاوز ثلاثاً. (۲۱۸)
 از امام صادق عليه السلام درباره کودکی که به
 مرحله جوانی رسد و مسیحیت را برگزیند در
 حالی که یکی از پدر و مادرش یا هر دو
 مسلمان بوده باشند - فرمود: جوان به حال
 خود رها نمی شود بلکه برای قبول اسلام او
 را تنبیه بدنی می کنند.

۲ - برای تربیت :

عن النبی فیما اءوصی به امیرالمؤمنین
 : «لاتضربن اءدبا فوق ثلاث .» (۲۲۰)
 از امام صادق عليه السلام درباره تاءدیب و زدن
 كودك و بنده زر خرید، پرسیدم ؟ حضرت
 فرمود: پنج یا شش ضربه بیشتر نزن و در
 همین اندازه نیز نرمش نشان ده .

۲ - بیش از سه ضربه زدن قصاص دارد: عن
 النبی صلى الله عليه وآله فیما اءوصی به امیرالمؤمن
 منین : «لاتضربن اءدبا فوق ثلاث فانك ان
 فعلت فهو قصاص يوم القيامة .» (۲۲۲)
 علی عليه السلام به کودکانی که نوشته های خود
 را نزد آن حضرت آورده بودند - تا
 بهترینشان را برگزیند - فرمود: به معلم
 خود بگویید که اگر برای تاءدیب ، بیش از
 سه ضربه به شما بزند از او قصاص خواهد
 شد .

ثبوت ديه بر پدر

هرگا تاءديب و تنبيه فرزند جز با زدن او میسر نباشد، اگر چه با رعایت شرایط ضروری آن بی اشکال به نظر می رسد اما پدر باید به این نکته متوجه باشد که اگر در اثر زدن، بدن فرزند سرخ یا کبود و یا زخمی گردد یا آسیب ببیند و یا حیانا فرزند زیر ضربات پدر، فوت کند، اگر چه بدین منظور پدر قصاص نمی شود (این حکم فقط مختص پدر است) اما یقینا باید ديه بپردازد گر چه زدن فرزند به قصد دیگری جز تاءديب هم نبوده باشد. (۲۲۴)

یادآوری چند نکته در روایات

۱ - روایات فقط تنبيه بدنی را در موردی تجویز می کنند که جنبه تربیتی و هدایتی داشته باشد، نه اینکه هرگاه فرزند به دلخواه پدر و مادر و بر وفق سلیقه های شخصی یا تمایلات نفسانی آنان عمل نکرد، مجاز باشند که او را تنبيه بدنی بکنند. زیرا دیگر تنبيه به عنوان عامل باز دارنده از کارهای بد و وادار شدن به کارهای خوب مطرح نیست بلکه فقط وسیله ای است برای فرو نشاندن خشم و غضب والدین .

۲ - والدین مجاز نیستند کودکان کمتر از هفت سال (وبلکه برای رعایت احتیاط، کودکان کمتر از سیزده سال) خود را برای وادار کردن به نماز خواندن کتک بزنند.

۳ - حداکثر تنبيه بدنی کودکان شش ضربه است . البته معلم و مربی حق ندارد بیش از سه ضربه بزند (۲۲۶) است .

بنابراین اگر در باب تنبيه زن توسط شوهر بدین گونه برخورد شود. شیوه خاص تنبيه کودک هم معلوم است به اولیا و مربیان توصیه می شود، که اولاً: تنبيه و علی الخصوص تنبيه بدنی را به عنوان شیوه

ای عمومی و اصل اولیه برخورد با خطاهای کودکان به کار نگیرند. ثانیاً: بر اعصاب و احساسات خود مسلط باشند و در صورت لزوم از تنبیه استفاده کنند تا جلو کجروی کودک را بگیرند نه اینکه خشم خود را بر کودک خالی کنند. ثالثاً: به حداقل تنبیه اکتفا کنند و از آن فراتر نروند. رابعاً: برای تنبیه کودک از هر وسیله ای استفاده نکنند، همچنین بر صورت و مواضع آسیب پذیر کودک نزنند و از شدت عمل و تنبیهاش خشن جدا پرهیز کنند.

قهر، بهترین راه حل

بهترین راه حلی که می توان در این مسأله مهم و پیچیده ارائه کرد و از درسهای تربیتی اسلام و اهل بیت علیهم السلام است این که حتی اگر نیازی به تنبیه فرزندان باشد، آنها را نزنید، آنان غنچه هایی بهشتی هستند که زندگی را شیرین کرده اند، در چنین مواقعی با آنها قهر کنید. زیرا این عمل در روحیه کودک تاءثیر بسزایی دارد و کودک احساس می کند با قهر کردن پدر یا مادر از او، گویی تمام درها برویش بسته می شود، هیچ راهی جز دست کشیدن از کارهی خلاف خود ندارد پس می کوشد از کارهای زشت خود دست بردارد و از پدر و مادر یا مربی هم پوزش بخواهد اما نباید قهر کردن خیلی طول بکشد وگرنه بازتابهای منفی دیگری در برخواهد داشت امام موسی بن جعفر علیه السلام به یکی از یاران خود که از دست فرزندش به ستوه آمده بود و از دست او شکایت می کرد فرمود: لاتضربه واهجره ولاتطل. (۲۲۸)

آموزش خواندن و نوشتن

از دیگر حقوقی که فرزند بر پدر دارد، بهره مند شدن از نعمت خواندن و نوشتن است. برای ادای این وظیفه، پدر باید یا خود شخصا بدین کار اقدام کند و یا هزینه ای صرف آموزش فرزند خود کند. در روایاتی که در این زمینه وارد شده از خواندن و نوشتن به عنوان حق و تکلیف یاد شده است. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می فرماید: من حق الولد علی والده ثلاثه: یحسن اسمه و یعلمه الکتابه و یزوجه اذا بلغ. (۲۳۰) فرزندانتان را به طلب دانش برانگیزید.

تشویق لقمان به علم و دانش

امام صادق علیه السلام می فرماید: کان فیما وعظ لقمان ابنه اءن قال له: یا بنی اجعل فی اءیامک و لیالیك و ساعاتک نصیبا لک فی طلب العلم فانک لن تجد له تضییعا مثل ترکه. (۲۳۲)

شما کودکان جامعه امروزی و بزودی بزرگان جامعه فردا خواهید شد، پس دانش بیاموزید (و در کسب علم بکوشید) و هر یک از شما که حافظه قوی ندارد (و نمی تواند در کلاس درس مطالب استاد را حفظ کند)، پس مطالب را بنویسد و نوشته ها را در خانه نگهدارد (تا در موقع لزوم به آن مراجعه کند و از آنها بهره گیرد).

آموزش نظامی

کودکان و نوجوانان امروز، مردان آینده اند. و باید برای اهداف جامعه اسلامی تربیت و آمادگی لازم را پیدا کنند. یکی از اهداف جامعه اسلامی حفظ توان و استعداد رزمی و دفاعی در برابر دشمنان است. زیرا خطر تهاجم نظامی دشمنان همیشه وجود دارد و به تعبیر قرآن: (وَلَا

يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ). (۲۳۴)

ای ابورافع زمانی که فقیر شوی چه خواهی کرد؟ ابورافع گفت: عرض کردم آیا در انفاق پیشی نجویم؟ (و برای آخرت خود چیزی نفرستم؟)

پیامبر فرمود: آری بفرست.

سپس فرمود: دارایت چقدر است؟

چهل هزار و همه اش را در راه خدا می دهم.

پیامبر فرمود: نه چنین نکن. بلکه قسمتی از آن را در راه خدا انفاق کن و قسمتی دیگر را نگه دار و خرج فرزندان خود کن. ابورافع پرسید: آیا همانگونه که ما بر آنها حق داریم آنها هم بر ما حقی دارند؟

پیامبر فرمود: حق فرزندان بر پدر آن است که او را با کتاب آشنا سازد و تیراندازی و شنا به او بیاموزد. امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت می کند. علموا اءولادکم السباحه والرمایه (۲۳۶). به فرزندان خود تیراندازی یاد دهید که این عمل خود سرکوب کردن دشمنان و پیروزی بر آنهاست.

از این روایات چنین نتیجه می گیریم: آموزش شنا و تیراندازی یکی از حقوقی است که پسر بر پدر دارد گرچه این

مسأله تقریبا فراموش شده و پدران چندان اهمیتی به آن نمی دهند.

۲ - شنا و تیراندازی دو مهارت مهم دفاعی هستند که تنها به عنوان نمونه ها و شیوه هایی خاص از روشهای دفاعی مطرح شده اند و مهارتها و شیوه های دفاعی و جنگی و ابزارهای لازم برای آن بسیارند و همه مد نظر می باشند.

۳ - از گفتگوی ابورافع با رسول خدا به دست می آید که پدر باید مقداری از دارایی و ثروت خود را برای آموزش تعلیمات نظامی و مهارتهای دفاعی همچون شنا و تیراندازی فرزند خود مصروف سازد. تا فرزندش در این جهت رشد کافی پیدا کند و مدافع خوبی برای اسلام و کشور باشد.

۴ - بدیهی است جامعه ای که نوجوانانش نسبت به تعلیمات نظامی آشنایی داشته باشند رعب و وحشتی در دل دشمنان خواهد افتاد و آنان از مقاصد شوم خود مایوس و ناکام خواهند ماند. و آیه و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم (۲۳۸) مردی که خانواده خود را هنگام غذا خوردن برگرد سفره می نشاند و غذایی پیش روی خود می گذارد و در آغاز غذا خوردن نام خدا را می برد و آنان هم خدا را یاد می کنند و در آخر نیز خدا را حمد و سپاس می گویند، و چون سفره جمع شود، مشمول آمرزش و غفران الهی قرار گیرند.

چند دستور از امیر مؤمنان علیه السلام به امام حسن علیه السلام :

اصبغ بن نباته گوید: امیر مؤمنان به فرزند خود امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: الا اعلمك اربع خصال تستغنی بها عن الطب؟ قال: بلی. قال: لاتجلس علی الطعام الا وانت جائع ولاتقم عن الطعام الا وانت

تشتهیه و جود المضغ و اذا نمت فاعرض
نفسك على الخلاء... (۲۴۰)

فرزندم ! چون معده از غذا پر شود،
اندیشه فرو می خوابد. و از کار می افتد
و زبان حکمت گنگ می شود و اعضای بدن از
عبادت باز می مانند.

تا مضمضه نکردن آب ننوش :

حضرت امام رضا علیه السلام از پدر و اجدادش
چنین روایت می کند: ان الحسين بن علي
عليه السلام قال : كان اءميرالمؤ منين ياءمرنا
اذا تخلصنا اءن لانشرب الماء حتى نتمضمض
ثلاثا.

فصل پنجم : دوران باز سازی شخصیت فرزند

برچیدن زمینه فساد و انحراف در فرزندان

یکی از مهمترین و مشکلترین وظایف اخلاقی پدران این است که زمینه های انحراف و فساد اخلاق را در فرزندان خود از بین ببرند، زیرا هیچ آتشی سوزنده تر از فساد اخلاقی و انحراف يك محیط سالم را متلاشی نمی سازد و از بین نمی برد.

و از آنجایی که زمینه فساد و انحراف در همگان وجود دارد و فرزندان به دلیل کم تجربگی و ناآگاهی و روحیه خاص نوجوانی و جوانی پیوسته در آستانه لغزش و انحراف هستند. پدران و مادران آگاه و هوشمند باید بکوشند موانع زندگی سالم را از پیش پای آنها بردارند و نگذارند فطرت های پاک و دست نخورده فرزندان به رذایل اخلاقی و مفسد اجتماعی آلوده گردد. بدین منظور علاوه بر اینکه باید از امور گوناگون و بخصوص مشکلات جسمی و روحی و نیازهای فرزندان آگاه باشند بلکه حقیقتاً چنان رفتارهای ارشادی و تربیتی و سعه صدر خوبی داشته باشند تا دوست و همدم کودکان و نوجوانان تلقی شوند و آنان هیچ گونه جدایی بین خود و والدین احساس نکنند و مشکلات خود را پیش از آنکه خسارتی جسمی و روحی ببار آید با والدین خود رد میان بگذارند و در صدد گره گشایی برآیند. طبیعی است که والدین هم باید از مطالعه کتابهای تربیتی و اخلاقی مربوطه غافل نمانند و همیشه چند قدم جلوتر از نیازهای جاری فرزندان حرکت کنند و

پشتیبان و پناهگاه واقعی نونهالان زندگی خود باشند.

اکنون به برخی از باریک بینی های تربیتی اسلام در جهت اهداف یاد شده اشاره می شود.

الف - جداسازی محل خواب و اجازه گرفتن برای ورود

یکی از مسائل تربیتی ظریف و مهمی که گاهی مورد بی توجهی خانواده ها قرار می گیرد مسأله اجازه گرفتن فرزندان از پدر و مادر به هنگام ورود به اتاق شخصی آنها می باشد.

فرزند در دوران کودکی در کنار پدر و مادر به سر می برد و احساس می کند محدودیتی برای بسیاری از کارها ندارد و چون انس والفت و وابستگی زیادی بین او و والدین وجود دارد میل دارد بی اجازه به اتاق آنها برود و در کنار آنها بماند، اما بتدریج باید تمرین داده شوند و عادت کنند که در اتاق خاص خود بخوابند و برای رفتن به اتاق والدین اجازه بگیرند. طبیعی است که این کار باید با ملایمت صورت گیرد و والدین با تقویت احساس استقلال روانی و عزت نفس کودکان و تمرین دادن آنها به این کار پیش بروند، به طوری که پیش از آنکه به سن بلوغ برسند به الزامی بودن این امر پی ببرند.

این يك درس بسیار مهم اخلاقی است که اگر رعایت شود، کودکان پاك و عفيف رشد می کنند. قرآن مجید می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ...

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ كَذَلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۴۳)

از آیه مورد بحث استفاده می شود که اتاق خواب والدین باید جدای از اتاق خواب فرزندان باشد. زیرا اجازه گرفتن برای ورود به اتاق پدر و مادر معنای دیگری جز این ندارد که آنها در اتاق جداگانه ای بخوابند. ضروری تلقی کردن این امر از انحرافات جنسی که ممکن است کودکان در آینده بدان آلوده شوند جلوگیری خواهد کرد.

روایات مربوط به مسأله جداسازی محل خواب فرزندان به چند دسته تقسیم می شوند. دسته اول: سن جداسازی را مطرح می کند. و دسته دوم: به جدا کردن خوابگاه پسر و دختر اشاره دارد. و دسته سوم: جداسازی محل خواب دختران را از یکدیگر بیان می کند. دسته چهارم به جداسازی بین کودکان ممیز و زنان اشاره کرده است.

دسته اول: روایاتی هستند به سن کودکان اشاره دارند برخی از آنها سن شش سالگی و برخی سن هفت سالگی و دسته سوم سن ده سالگی را مطرح کرده اند.

۱ - روی اءنه یفرق بین الصبیاں فی المضاجع بست سنین (۲۴۰).
اگر فرزندان شما به سن هفت سالگی رسیدند خوابگاه آنها را از یکدیگر جدا سازید.

۳ - عن جعفر بن محمد عن آبائه ع قال : یفرق بین الصبیاں و النساء فی المضاجع اذا بلغوا عشر سنین (۲۴۷).
خوابگاه پسر و دختر ده ساله را از هم جدا کنید.

دسته سوم: جداسازی بین دختران است. امام صادق ع از پیامبر ص روایت کرده

که فرمود: **والصبيه والصبيه** يفرق بينهما
في المضاجع لعشر سنين ^(۲۴۹).

ای علی : خدا لعنت کند پدر و مادری را
که فرزندانشان را به عاق کردن خویش
و ادار نمایند، ای علی همان گونه که
فرزند عاق والدین می شود، والدین نیز
متقابلا (در صورت عدم رعایت و طایف خود)
عاق فرزندان خود بخواهند شد. در اینجا
تذکر چند نکته لازم به نظر می رسد.

اول : عاق به فرزندی گفته می شود که
از فرمان پدر و مادر سرپیچی نماید و یا
نسبت به آنان نامهربانی و بدرفتاری کند
و بدین وسیله اسباب ناراحتی و اذیت آنها
را فراهم کند.

دوم : عاق والدین یکی از گناهان کبیره
است و اگر شخص عاق شده موجبات رضایت
والدین را فراهم نکند بدون شك در روز
قیامت سرنوشت بدی در انتظار او خواهد
بود.

سوم : بر خلاف تصور برخی که می پندارند
فقط اولاد عاق والدین می شوند، این روایت
می گوید بین فرزندان و والدین حقوق و
تکالیف متقابلی حکمفرماست و هر دو نسبت
به هم وظایفی دارند و در صورت کوتاهی در
عمل کردن به این وظایف ، فرزندان همان
اندازه خطاکار تلقی می شوند که والدین .
پس همچنان که عاق والدین مطرح است عکس
آن نیز مطرح می باشد. از این رو شایسته
است که اولیای محترم بخوبی به مسؤ
ولیت‌های خاص خویش آگاه و عامل باشند و
احترام متقابلی بین خود و فرزندان ایجاد
کنند که به طور طبیعی فرزندان نیز احساس
وظیفه کنند و زمینه ای برای عاق والدین
وجود نداشته باشد.

یکی از مواردی که زمینه ساز عاق
والدین است ، این است که مهربانی و نرمش
والدین شکل افراطی به خود بگیرد و حریم

خاص پدر و مادر به وسیله فرزند شکسته شود و والدین به دست خود اسباب بی احترامی خویش را فراهم کنند.

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: جراءة الولد علی والده فی صغره تدعوا الی العقوق فی کبره . (۲۰۱)

به امام صادق علیه السلام عرض کردم : چون نوزاد به دنیا می آید به او شراب می خورانیم . حضرت فرمود: چنین کاری نکنید، هر کس به نوزاد چیز مست کننده بدهد خداوند از آب جوشان (جهنم) به او می خوراند، گر چه مورد آمرزش و عفو هم قرار گیرد.

۲ - و گاهی خود آن چیز ذاتا حرام نیست ولی به دلایلی خوردنش حرام می باشد. همانند اینکه کسی به یک مهمانی دعوت می شود و فرد دیگری جز او مورد دعوت نیست با این حال او فرزند خود را نیز بی اذن و نظر میزبان به همراه می بد. در اینجا چون میزبان آمادگی پذیرایی از فرزند او را نداشته و پیش بینی های لازم را نکرده ، چه بسا که مورد اذیت قرار گیرد و اسباب آبروریزی او پیش دیگران فراهم آید. از این رو چنین کاری مجاز نیست . که در آن ناخشنودی خدا و خلق او نهفته است .

سکونی از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: اذا دعی اءحدکم الی طعام فلا یتبعن ولده فانه ان فعل اءکل حراما و دخل عاصیا . (۲۰۳)

ایجاد زمینه صلاح و نیکی

یکی از راههای زدودن زمینه های فساد و انحراف در فرزندان تقویت زمینه های مثبت اخلاقی در شخصیت آنهاست . باید استعداد های مثبت و صفات ارزشمند اخلاقی

را در وجود کودکان احیا کرد و با تقویت و تحکیم آنها راه کجروی و فساد را بر آنها مسدود ساخت .

پیامبر ﷺ فرمود: رحم الله والدا اعان ولده علی بره . (۲۰۰)

رحمت خداوند بر پدری باد که در نیکوکاری فرزندش به او کمک کند. و به او احسان نماید و با او انس و الفت داشته باشد و علم و ادبش آموزد.

یونس بن رباط از امام صادق از پیامبر اسلام روایت کند که فرمود: رحم الله من اعان ولده علی بره قال : قلت کیف یعینه علی بره ؟ قال : یقبل میسوره و یتجاوز عن معسوره ولایرهقه و لایخرق به . (۲۰۷)

فرزندم ! چگونه در خانه کسی که او را به خشم آورده ای زندگی می کنی و چگونه همجواری کسی هستی که معصیتش کرده ای .

لقمان حکیم با همان روش ساده خود جهان را به مثابه منزلی فرض کرده که خداوند میزبان و انسانها مهمان آنند. معصیت در محضر خداوند صاحب خانه است در شاءن یک مهمان نیست ، از مردانگی به دور است که کسی در ضیافتی شرکت کند و سپس با میزبان خود به دعوا و مرافعه برخیزد، یا در حضور او کارهای زشتی انجام دهد و میزبان را ناخشنود سازد.

وقتی مهمان با ارتکاب گناه و آلوده شدن به زشتی ، صاحب خانه را به خشم آورد، چگونه می خواهد در آن خانه بماند! آری ، بدین گونه لقمان احساس وجدانی و تعقل فرزند خویش را تحریک می کند و معنای گناه را به او می فهماند و عظمت آن را در حضور پروردگار عالم روشن می سازد.

۲ - لقمان حکیم به فرزند خود فرمود: یا بنی انه قد احصى الحلال الصغیر فکیف بالحرام الکثیر . (۲۰۹) و هر که لغزشهای خود

را کوچک بشمارد، لغزش های دیگران را بزرگ می یابد و هر کس لغزشهای دیگران را کوچک بشمارد، لغزشهای خود را بزرگ خواهد دید.

بنابراین به فرزندانمان بیاموزیم که لغزشهای خود را بزرگ بشمارند تا خود را بر دیگران برتر ندانند و دچار عجب و غرور نشوند.

۴ - علی علیه السلام ضمن وصیتی به فرزند خود امام حسین علیه السلام می فرماید: والویل لمن بلی بحرمان وخذلان و عصیان فاستحسن لنفسه ما یکرهه من غیره و اءزری علی الناس بمثل ما یاءتی. (۲۶۱)

فرزندم! مردم را دشنام مده که سبب دشنام پدر و مادر خود گردی. یعنی قسمتی از رفتارهای خوب یا بد دیگران عکس العمل رفتارها و برخوردهای خوب یا بد ماست. و طبیعی است که اگر ما نسبت به دیگران بی احترامی روا داریم آنان هم دست به رفتار متقابل خواهند زد و کسی که به دیگران سخنان زشت و توهین آمیزی بگوید باید در انتظار سخنان زشت تری باشد.

۶ - لقمان به فرزند خود گوید: یا بنی لایعجبک احسانک و لاتتعظمن بعملک الصالح فتهلک. (۲۶۲)

فرزندم! از سرنوشت مردم پندگیر پیش از آنکه مردم از سرنوشت تو پند گیرند و مایه عبرت دیگران بشوی.

۸ - لقمان حکیم به فرزند خود گوید: یا بنی انه النفس عن هواها فانک ان لم تنه النفس عن هواها لم تدخل الجنة و لم ترها. (۲۶۰)

فرزندم! با قطع رحم کردن و بریدن از خویشان رونق زندگی از بین می رود.

۱۰ - لقمان حکیم به فرزند خود گوید: یا بنی ایاک و التجبر و التکبر و الفخر

فتجاوز ابليس في داره ، يا بني دع عنك
التجبر و الكبر ودع عنك الفخر و اعلم
انك ساكن القبور. (۲۶۷) ، فرزندم ! گردنکشی
و برتری جویی را کنار بگذار و فخر فروشی
به دیگران را از خود دور گردان و بدان
که سرانجام در گورستان مسکن خواهی گزید.
۱۱ - لقمان حکیم به فرزند خود می
گوید: یا بنی ویل لمن تجبر و تکبر، کیف
یتعظم من خلق من طین و الی طین یعود ثم
لا یدری الی ماذا یصیر، الی الجنه فقد فاز
ء و الی النار فقد خسر خسرانا مبینا و
خاب . (۲۶۹)

پسر جانم ! چه بسیار نگاهی که به
دنبال خود حسرت و افسوس می آورد.
۱۳ - امام صادق علیه السلام می فرماید پدرم به
من می فرمود: ... من لا یملك لسانه یندم
. (۲۷۱)

و هر کس بدند که سخنش هم جزء اعمال
اوست کم سخن گوید. و سخن نمی گوید مگر
در آنجا که به حال او سودمند افتد.
۱۵ - علی علیه السلام ضمن سفارشی به فرزند خود
امام حسین علیه السلام می فرماید: و من احتفر
بئرا لاءخیه وقع فیها. (۲۷۳)

فرزندم بترس از ظلم کردن به کسی که
هیچ یاوری جز خدای بزرگ ندارد.
۱۷ - همچنین علی علیه السلام در وصیتی به فرزند
خود امام حسین علیه السلام دارد می فرماید: و من
هتك حجاب غیره انكشفت عورات بیته . (۲۷۰)
فرزندم ! به اموال یتیم تجاوز نکن که
روز قیامت رسوا خواهی شد و در آنجا
مجبور می شوی که غرامت آن را به یتیم
برگردانی .

عزیزان ! گناه آن قدر زشت و قبیح است
که پیشوایان ماحتی اندیشه آن را به خود
راه نمی دادند. گناه شراره آتش دوزخ است
که در شخصیت انسانها می افتد. آیا فرد

خردمندی را سراغ دارید که به این فکر افتاده باشد که خود را به آتش بزند! گناه پلیدی، رسوایی، و ذلت و خواری و سرافکنندگی است. برخی گناهان ریشه وجود آدمی را می‌سوزانند، برخی خسارت اخروی به بار می‌آورند، و حتی ممکن است تمام اعمال نیک آدمی را به باد دهند. و برخی هم در دنیا موجب رسوایی و در آخرت موجب روسیاهی می‌شوند.

گنهکاران در روز قیامت با سیما و نشان مشخص وارد محشر می‌شوند، یا سیاهی تمام چهره شان را فرا می‌گیرد و یا سیرت حیوانی آنها آشکار گشته و به شکل حیوانات ظاهر می‌شوند آیا رسوایی و عذاب از این بدتر می‌شود؟

واکسینه کردن فرزندان

سومین اصلی که در بازسازی شخصیت فرزند مطرح است مسأله واکسینه کردن فکر و مغز کودک است و در روایات نیز به این اصل مهم اشاره شده که امروزه در بهداشت و درمان هم بر آن تاءکید زیادی می‌شود، این اصل مهم پیشگیری از بروز بیماری است. امام کاظم علیه السلام فرمود: الحمیه راءس الدواء؛ پرهیز از امور زیان آور اساس دارو و درمان است. واکسنهای مختلفی که امروزه برای جلوگیری از بروز بیماریها به کودکان تزریق می‌شود، نقش مهمی در پیشگیری از ابتلای آنها به بیماریها ایفا می‌کند. و روشن است که پیشگیری از وقوع بیماری بسیار آسانتر و به صرفه تر از اقدامات درمانی است. بسیاری از توصیه های تربیتی و اخلاقی نیز جنبه پیشگیری دارد و همچون واکسن عمل می‌کند، تا فکر و مغز کودک را از دوران کودکی در برابر انواع گوناگون انحرافات و مفاسد بیمه

کند؛ مثلاً سفارش شده فرزندان خود را بر محبت اهل بیت پیامبر ﷺ تربیت کنید، آنان را به مجالس اهل بیت ببرید و یا بخشی از وقت خود را برای پاسخ به سؤال‌الات مذهبی کودکان اختصاص دهید و یا آنان را با معارف اسلامی آشنا سازید، این تعلیمات اگر به صورت مطلوب و اثر بخش به کودکان منتقل گردد از همان اوان کودکی نقش مهمی در جلوگیری از کجرویها و انحرافات اخلاقی و عقیدتی آنان ایفا خواهد کرد، و ضامن سلامت روانی و فکری فرزندان خواهد بود.

الف - تربیت فرزندان بر محبت اهل بیت روایات فراوانی داریم که پیامبر ﷺ به پدران و مادران سفارش فرموده که فرزندان خود را بر محبت اهل بیت پیامبر ﷺ بخصوص علی بن ابی طالب علیه السلام تربیت نمایند.

امام علی علیه السلام از پیامبر ﷺ نقل می فرماید: اءدبوا اولادکم علی ثلاث خصال : حب نبیکم و حب اهل بیته و قراءه القرآن ، فان حملة القرآن فی ظل الله یوم لاضل الا ظله مع انبیاءه و اصفیاءه . (۲۷۷)

محبت علی علیه السلام ملاک ایمان و کفر است ، دوست داشتن او ایمان ، و کینه و عداوت او کفر است . این همه تاءکید بر مخر و محبت اهل بیت که در روایات بی بعضی از آیات آمده به این دلیل است که مهر و محبت به هر چیز و هر کس نقش و تاءثیر بزرگی در زندگی دارد و آثار و عوارضی بر آن مترتب است که جای تردید نیست .

به همین دلیل دشمنان اسلام بخصوص معاویه فرزند ابوسفیان بسیار کوشیدند تا ریشه محبت علی را در دل‌های مردم بخشکانند، اما این مهر آتشین همچنان فروزان و ماندگار است و خواهد بود.

فریب دادن دوستان علی به وسیله عسل

مرحوم شیخ عباس قمی در سفینه البحار می نویسد: روایت شده که روزی معاویه برای ابوالاسود دئلی (شاعر اهل بیت) حلوایی هدیه فرستاد به این منظور که در قلب ابوالاسود نفوذ کرده و وی را از دوستی و محبت علی منصرف کند.

در این هنگام دختر خردسال (پنج یا شش ساله) ابوالاسود مقداری از آن حلوا را به دهان گذاشت.

ابوالاسود گفت: دخترم زود آنرا بیرون بینداز که زهر است، این حلوایی است که معاویه برای فریب ما فرستاده است تا از محبت علی و اهل بیت او دست بکشیم.

دختر ابوالاسود گفت: خدا روسیاهش کند. او می خواهد ما را با این حلوا فریب دهد تا دست از علی و محبت او برداریم! بریده باد دست فرستنده و خورنده اش.

سپس آنچه را که به دهان برده بود بیرون ریخت.

آنگاه این شعر را سرود:

ءبا الشهد المزعفر نبيع عليك احسابا
یابن هند و دیننا
فلا والله کیف یكون هذا و مولانا امیر المؤمنین
منیننا

ای فرزند هند! آیا خیال کردی که به وسیله این حلوای شیرین زعفرانی می توانی ما را فریب دهی که دین خود و شرافت نیاکانمان را به تو بفروشیم. نه به خدا سوگند چنین چیزی شدنی نیست، که مولای ما امیر مؤمنان علی علیه السلام است. (۲۷۹)

روایات اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی، تسریع نمایید، پیش از آنکه دشمنان گمراه بر شما پیشی گیرند و افکار نادرست خویش

را در ضمیر پاک آنان جای دهند و
گمراهشان سازند.

ج - بحث و پرس و جو از عارف اسلامی با
فرزندان

روزی امیر مؤمنان علیه السلام از دو فرزند خود
امام حسن و امام حسین علیه السلام پرسید: ما بین
الایمان و الیقین؟ فسکتا. فقال للحسن:
اعجب یا ابا محمد. قال: بینهما شبر.
قال: و کیف ذاك؟ قال: لاءن الایمان ما
سمعناه بآذاننا و صدقناه بقلوبنا
والیقین ما اءبصرناه باءعیننا و
استدللنا به علی ما غاب عنا. (۲۸۱)

از جمله مسائلی که امیر مؤمنان از
فرزندش امام حسن علیه السلام پرسید این بود که
فرمود: فرزندم! بی خردی چیست؟
امام حسن علیه السلام فرمود: پیروی از
فرومایگان و معاشرت با گمراهان.
حارث اینها را به فرزندان یاد دهید:
همچنین علامه مجلسی حدیث مفصلی از
معانی الاءخبار (۲۸۲)

پرسش زید و پاسخ امام سجاد
زید بن علی گوید: به پدرم زین
العابدین علیه السلام گفتم پدر جان از جدم رسول
خدا برایم سخن بگوی، از آن هنگام که او
را به آسمان بردند، و پروردگارش او را
به پنجاه نماز دستور داد؛ چرا از خدا
برای امتش تخفیف نخواست تا اینکه موسی
بن عمران علیه السلام به آن حضرت فرمود از خدا
تخفیف بخواه زیرا امت تو تحمل چنین چیزی
را ندارند.

امام فرمود: فرزندم! پیامبر خدا کسی
نبود که بعد از امر پروردگارش برگردد و
از او چیزی بخواهد و وقتی که حضرت موسی
از پیامبر درخواست کرد و شفیع امت
پیامبر اکرم شد، پیامبر رد چنین
درخواستی را سزاوار ندانست. از اینرو

از پروردگار عالم درخواست تخفیف نماز برای امت خود کرد و خداوند پنجاه نماز را به پنج نماز تخفیف داد.

زید گوید: عرض کردم پدر جان چرا بعد از کم شدن نمازها باز هم درخواست تخفیف نکرد. امام فرمود: فرزندم پیامبر می خواست با احتساب اجر آن پنجاه نماز برای امتش تخفیف گرفته باشد زیرا خداوند می فرماید: **من جاء بالحنسه فله عشر آءمثالها.** (۲۸۰)

وعدده من دیگرگون نمی شود و من بر بندکان ستم نمی کنم .

زید گفت : عرض کردم پدر جان آیا چنین نیست که خداوند با مکان توصیف نمی شود؟ حضرت فرمود: آری فرزندم همین طور است .

زید گفت : پس فرمایش حضرت موسی به پیامبر که فرمود به نزد خدایت برگرد چگونه توجیه می شود؟ فرمود: این نظیر همان است که ابراهیم فرمود: انی ذاهب الی ربی سیهدین . (۲۸۷)

ای پروردگار من ، من به سوی تو شتافتم تا خشنود گردی .

و معنایش قول خداوند است که فرمود: **ففرؤا الی الله** (۲۸۹) فرشتگان و روح (جبرئیل) بدان جا فرا روند.

و می فرماید: **الیه یصعد الکلّم الطیب** (۲۹۱)

کنترل دوستان

دو نفر به نام «عقبه» و «ابی» با هم دوست بودند. این دو چنان به هم علاقه داشتند که هرگاه یکی از آن دو نفر از مسافرت بر می گشت ، ضیافتی ترتیب می داد و اشراف و بزرگان قبیله اش را دعوت می کرد.

روزی عقبه طبق معمول ، مهمانی ترتیب داد، بزرگان قبیله و دوستان خود را دعوت کرد و در ضمن از رسول خدا ﷺ نیز دعوت به عمل آورد.

سفره گسترده شد و غذا چیده و آماده گشت ، پیامبر خدا ﷺ فرمود: عقبه ! من از غذای تو نمی خورم ، مگر آنکه به وحدانیت خدا و رسالت من شهادت دهی (و مسلمان شوی). عقبه که دریچه نور و سعادت به روی او باز شده بود و می رفت تا با مسلمان شدن ، پرده جهل و شرک و ظلمت را بدرد و برای همیشه خود را بهشتی نماید. او شهادتین را بر زبان جاری کرد و مسلمان شد. خبر مسلمان شدن «عقبه» به گوش دوستش «ابی» رسید.

ابی که کفر و شرک تا اعماق جانش نفوذ کرده بود سخت بر آشفت و پرعتاب به عقبه گفت : آیا از آیینت دست کشیدی ؟ عقبه گفت : نه به خدا سوگند منحرف نشدم ، بلکه مردی بر سفره من بود، حاضر نشد تا مسلمان نشوم به سوی غذایم دراز کند، و شرم داشتم او را از سر سفره بدون غذا برخیزد. از اینرو مسلمان شدم .

ابی گفت : اگر می خواهی دوست من باشی و از تو راضی شوم ، باید در برابر او بایستی و به او توهین کنی عقبه که سخت تحت تاءثیر سخنان دوست نااهل خود ثرار گرفته بود به رسول خدا ﷺ توهین کرد و

از اسلام برگشت و دوباره به صف مشرکان پیوست و سرانجام در جنگ بدر در صف کفار قرار گرفت و به دست امیر مؤمنان علیه السلام به هلاکت رسید و دوستش نیز در جنگ احد به دست مسلمانان کشته شد ^(۲۹۳)

و روزی که ستمگر دست به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش راهی را که رسول خدا در پیش گرفته بود در پیش می‌گرفتم، ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یاد حق گمراه ساخت، بعد از آنکه نور هدایت به سراغ من آمده بود.

این داستان واقعی و آیه قرآن در این باره بخوبی اهمیت و تاءثیر دوست را در سرنوشت انسان نشان می‌دهد. از این رو در روایات آمده که آدمی به دین و آیین دوست خویش وابسته و پیوسته است.

بدون تردید یکی از عوامل سازنده شخصیت انسان، پس از اراده و خواست خود او، نقش دوستان است، زیرا غالب انسانها و بویژه نوجوانان بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از دوستانشان بر می‌گیرند و تحت تاءثیر رفتار، گفتار و الگوی اخلاقی آنان قرار دارند.

و این نکته چیزی است که از نظر علمی و تجربی هم به اثبات رسیده است. تاءثیر دوستان گاهی به حدی است که می‌تواند بر نقش و تاءثیر والدین غلبه کند، حتی اگر خانواده کودک سرشار از فضیلت باشد. همچنان که در آیات قرآنی آمده و در ادب فارسی تجلی یافته است که فرزندان نوح پیامبر چند صباحی با همنشینان بد نشست و برخاست کرد و از بیت نبوت برید و به گمراهان پیوست.

پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد دوست آئینه تمام نما

علی علیه السلام فرمود: و من اشتبه علیکم امره
و لم تعرفوا دینه ، فانظروا الی خلطائه
، فان كانوا اهل دین الله فهو علی دین الله
(۲۹۰).

فرزندم بر تعداد دوستان خود بیفزایم ، و
از دشمنان در امان مباش ، زیرا کینه در
سینه هایشان همانند آتش زیر خاکستر است

۲ - نخست تحقیق سپس انتخاب
امام حسن مجتبی علیه السلام به یکی از فرزندان
فرمود: یا بنی لاتؤاخذوا حدای حتی تعرف
موارده و مصادره فاذا استنبطت الخبره و
رضیت العشره فآخه علی اقاله العثره
والمواساه فی العسره (۲۹۷).
فرزندم ! دوست خوب بهتر از تنهایی و
گوشه نشینی است .

همچنین فرمود: ...یا بنی کن عبدا
للاءخیار و لاتکن ولدا للاءشرار (۲۹۹). فرزندم
! هزار دوست برای خود انتخاب کن و بدان
که هزار دوست کم است و احدی را دشمن خود
مساز زیرا یک دشمن هم زیاد است . همچنین
امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: تا می توانی
دوستانت را زیاد کن دوستان به هنگام
یاری جستن تکیه گاه و پشتیبان آدمی
هستند. بدان که هزار دوست و همدم زیاد
نیست اما یک دشمن برای تو بسیار زیاد
است (۳۰۱).

پدرم به من فرمود: فرزندم هر که با
مرد پلید رفیق و همنشین باشد ایمنی و
آرامش پیدا نمی کند.

لقمان به فرزندش فرمود: یا بنی الوحده
خیر من صاحب السوء (۳۰۳).

فرزندم جابه جا کردن سنگ و آهن برای
من بهتر از یک دوست پلید است .
فرزندم : من سنگها را جابجا کردم و
چیزی سنگین تر از دوست بد نیافتم .

دوستی های ممنوع

الف - دروغگو

امام سجاد علیه السلام یکی از پسران خود درباره نداشتن رابطه با چند دسته چنین فرمود: یا بنی انظر الی خمسہ فلاتصاحبهم و لاتحادثهم و لاترافقهم فی طریق فقال: یا اءبه من هم؟ قال علیه السلام: ایاک و مصاحبه الکذاب فانه بمنزله السراب یقرب لک البعید و یبعد لک القریب. (۳۰۰)

مبادا با فاسق همنشین شوی که تو را به لقمه ای نان و یا به کمتر از آن بفروشد. لقمان به فرزندش گفت: یا بنی ایاک و مصاحبه الفساق، هم کالکلاب ان وجدوا عندک شیئا اءکلوه والا ذموک و فضحوک و انما حبهم بینهم ساعه. (۳۰۷)

فرزندم! دشمنی با مؤمن بهتر است از دوستی با فاسق، فرزندم: اگر به مؤمن ستم کنی به تو ستم نخواهد کرد. و گاهی علیه او کاری انجام می دهی او از تو می گذرد و راضی می شود، و اما فاسق حقوق خدا را رعایت نمی کند چگونه حقوق تو را رعایت کند.

فاسق کسی است که از راه راست منحرف شده و به قوانین و احکام شرع بکلی بی اعتنا است. او کسی است که دستورات و حقوق الهی را زیر پا می گذارد، طبعاً حقوق مردم را هم به آسانی نادیده خواهد گرفت.

فاسق شخصی پست و فرومایه است. او در وجود دیگران تنها به دنبال منافع خویش است اگر منفعت در دوستی باشد با کسی دوستی می کند و چون منفعت دیگری در میان آید دوستی قبلی را فدای آن می کند. به همین جهت دوستی فاسقان پا در هوا و همیشه متزلزل است و بر آن اعتمادی نیست. فاسق از پروا پیشگی و شرم و حیای

انسانی تهی گشته است و با بی شرمی به هر کار رذل و پستی تن می دهد. تا هوسهای خود را اشباع نماید او از هوا پرستی و بی باکی سعی دارد شخصیت پاکان را بیالاید و صفات خود را به آنها منسوب دارد. از این رو می اندیشد که همگان هواپرست و سودجویند و خدا و پیامبر نمی شناسند، زیرا خود را چنین می یابد.

فاسق هرزه گو و بی نزاکت است، و در حال خشم و غضب زبان به هر گونه فحش و بدگویی باز می کند.

این ویژگیها به گونه ای است که هم به خود او آسیب می زند و هم دوستان و هم نشینانش را آلوده می سازد. بر همین اساس باید از دوستی چنین انسانهای بی مبالا و عصیانگر دوری کند.

ج - بخیل

امام سجاد علیه السلام به یکی از فرزندان فرمود: وایاک و مصاحبه البخیل فانه یخذلك فی ماله اءحوج ما تكون الیه ^(۳۰۹) مبادا با احمق همنشین شوی زیرا برای آنکه سودی به تو برساند، زیانت می زند.

ه - قاطع رحم

همچنین فرمود: ایاک و مصاحبه القاطع لرحمه فانی وجدته ملعونا فی کتاب الله عزوجل فی ثلاث مواضع قال الله عزوجل: (فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الاءرض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله فاءصمهم و اءعمی اءبصارهم ^(۳۱۱) و قال فی البقره: (الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به اءن یوصل و یفسدون فی الاءرض اولئک هم الخاسرون ^(۳۱۳)).

اگر خواستی با کسی دیدار کنی به زیارت خوبان برو هیچگاه به دیدار بدکاران نرو، زیرا آنان همانند تخته سنگی هستند که هرگز از آن آبی جاری نمی شود و درختی که

برگش سبز نمی گردد، و زمینی که گیاهش آشکار نمی شود.

ز- بد زبان

لقمان حکیم به فرزندش فرمود: یا بنی لایغرنک خبیث اللسان، فانه یختم علی قلبه و تتکلم جوارحه و تشهد علیه (۳۱۵).
همنشینی با جاهل نحس و بی برکت است.

ط- فرومایه گان

همچنین امام علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمود: و من خالط الاءنذال حقر (۳۱۷).
مبادا با شخص بدکار و تبهکار دوستی و رابطه برقرار کنی زیرا که او همانند شمشیر آهیخته است که جلوه زیبایی دارد ولی اثرش زشت و نازیباست.

فصل ششم : پرورش ایمان و مذهب

ارتباط فرزندان با پروردگار

آنچه در روایات اسلامی بخصوص در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام به عنوان یکی از مسؤولیت‌های بزرگ والدین مطرح گردیده مسأله آشنا کردن فرزند با خدا و آفریدگار جهان هستی است. والدین باید با الهام گرفتن از مکتب اهل بیت، به زبان ساده و قابل فهم، فرزند را با خدا و صفات خدا و نعمتهای الهی آشنا سازند.

بدیهی است که آشنایی کودک با خدا، از همان سنین کودکی، تاءثیر فراوانی در شخصیت او می‌گذارد و به زندگی آینده او جهت می‌دهد.

امام سجاد علیه السلام در رابطه با وظیفه پدر فرمود: **وانك مسئول عما وليته به من حسن الاءدب والءدلاله على ربه**.^(۳۱۹) وسلطانه و لعرفت صفته و فعاله و لكنه اله واحد كما وصف نفسه، لایضاده اءحد ولایحاجه، و اءنه خالق كل شىء و اءنه اءجل من اءن یثبت لربوبیته قلب اء و بصر، واذا اءنت عرفت ذلك فافعل كما ینبغى لمثلك فى صغر خطرک وقله مقدرتك و عظم حاجتك الیه اءن یفعل مثله فى طلب طاعته، والرهبه له والشفقه من سخطه، فانه لم یاءمرك الا بحسن و لم ینهك الا عن قبیح^(۳۲۱) و هیچ عبادتی مانند تفکر و اندیشه در کارهای پروردگار نیست.

لقمان حکیم به فرزندش فرمود: **یا بنى... واءطل التفرک فى ملكوت السموات و الاءرض والجبال و ما خلق الله فكفى بهذا واعظا لقلبك**.^(۳۲۳)

هنگامی که لقمان فرزندش را موعظه می‌کرد به او گفت: **پسرم! به خدا شرك موزر که شرك ظلم بزرگی است.**

در تفسیر نمونه ذیل آمده است : «حکمت لقمان ایجاب می کند که قبل از هر چیز به سراغ اساسی ترین مسأله عقیدتی برود و آن مسأله توحید است ، توحید در تمام زمینه ها و ابعاد ، زیرا هر حرکت تخریبی و ضد الهی از شرك سرچشمه می گیرد ، از دنیا پرستی ، مقام پرستی ، هواپرستی و مانند آن ، که هر کدام شاخه ای از شرك محسوب می شود ، همان گونه که اساس تمام حرکت های صحیح و سازنده توحید است . تنها دل به خدا بستن و سر بر فرمان او نهادن و از غیر او بریدن و همه بتها را در آستان کبریایی او درهم شکستن . قابل توجه اینکه لقمان حکیم دلیل بر نفی شرك را ذکر می کند که شرك ظلم عظیم است ، آن هم با تعبیری که از چند جهت تاءکید در بر دارد .

و چه ظلمی از این بالاتر که هم در مورد خدا انجام گرفته که موجود بی ارزشی را همتای او قرار دهند و هم درباره خلق خدا که آنها را به گمراهی بکشانند و با اعمال جنایتبار خود آنها را مورد ستم قرار دهند و هم درباره خویشان که از اوج عزت عبودیت پروردگار به قعر دره ذلت پرستش غیر او ساقط کنند.»^(۳۲۵) کدام وسیله از رابطه ای که تو با خدای متعال داری - در صورتی که به آن چنگ بزنی - محکمتر و مطمئنتر است .

همیشه به یاد خدا باش

امیر مؤمنان علیه السلام ضمن وصیتی به هنگام شهادت می فرماید: یا بنی کن لله ذاکرا علی کل حال. (۳۲۷)

فرزندم! سخن کم گوی و خدا را در همه جا به یاد آر، زیرا او تو را هشدار داده و بر حذر داشته و بینا و آگاه ساخته است.

در پنهان و آشکار از خدا بترس
امیر مؤمنان علیه السلام به امام حسن علیه السلام : و
اوصیک بخشیه الله فی سر امرک و علانیتک (۳۲۹).

فرزندم! پیوسته از خدای متعال خائف و هراسان باش که خشیت و هراس از حق تعالی همه چیز را فرا گرفته است.

ایجاد حالت خوف و رجا

همچنین امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: یا بنی خف الله خوفا تری انک لو ائتیه بحسنات اهل الاءرض لم یقبلها منک و ارج الله رجاء اءنک لو ائتیه بسیئات اهل الاءرض غفرها لک. (۳۳۱)

در آن وصیت مطالب شگفتی بود و شگفت تر از همه این بود که به پسرش گفت: از خدای عزوجل چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهش ببری تو را عذاب کند، و به خدا چنان امیدوار باش که اگر حامل گناه جن و انس باشی به تو ترحم کند، سپس امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست جز آنکه در دلش دو نور است نور بیم و امید و هر کدام که وزن شود بر دیگری فزون نیابد.

لقمان به فرزندش نامام گفت: یا بنی لو شق جوف المؤمن لو جد علی قلبه سطران من نور لو وزنا لم یرجح احدهما علی الآخر

مَثَقَالَ حَبِه مَن خَرَدَلِ اءَحَدَهُمَا الرِّجَا وَالْآخِرِ
الْخَوْفِ. (۳۳۳)

فرزندم ! دو قلب داشته باش ، قلبی که
با آن از خدای بترسی : ترسی که با
کوتاهی و سستی آمیخته نباشد و قلبی که
با آن به خدا امیدوار باشی : امیدی که
با غفلت و فریب آمیخته نگردد.

از خدا به گونه ای بترس که از رحمتش
مء یوس نشوی

لَقَمَانَ فَرَمُودَ : يَا بَنِي خَفِ اللّٰهَ مَخَافَةَ
لَاتِيَاءِ مَن رَحْمَتِهِ وَ اءَرْجِه رَجَاءَ لَاتَامِنِ مَن
مَكْرَه. (۳۳۰)

فرزندم ! چه کسی خدا را عبادت کرد
امام خداوند او را از یاری و عنایتش
محروم ساخت ؟ و چه کسی خدا را جست و او
را نیافت ، فرزندم ! چه کسی خدا را یاد
کرد اما خدا یادش نکرد؟ و چه کسی بر خدا
توکل کرد و خدا او را به دیگری وا گذاشت
؟ و چه کسی به درگاه او زاری و تضرع کرد
و خدا او را مورد لطف و رحمت خویش قرار
نداد؟

چه کسی به خدا پناه برد و خدا از او
دفاع نکرد؟

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: از موعظه های
لقمان به فرزندش این بود: يَا بَنِي مَن ذَا
الذی ابْتَغَى اللّٰهَ فَلَمْ يَجِدْهُ وَ مَن ذَا الذی
لَجَا اِلَى اللّٰهِ فَلَمْ يَدْفَعْ عَنْهُ ؟ اَم مَن ذَا
الذی تَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ فَلَمْ يَكُنْهُ ... (۳۳۷)

خدا را با این صفات بشناس

و در نامه ای که امیرمؤمنان به فرزندش امام حسن می نویسد چنین آمده است : (فرزندم)! بدان کسی که حقیقت گنجینه های دنیا و آخرت در دست اوست به تو اجازه داده که از او بخواهی و ضامن شده که خواسته ات را اجابت کند. و به تو فرموده است بخواه تا به تو بدهد و او مهربان است. میان تو و خویش ترجمانی نهاده است و از تو در پرده غایب نیست و تو را به کس دیگری واگذارد که در درگاه الهی برایت شفاعت کند، و اگر بد کردی مانع توبه تو نمی شود. و در بازگشت به سوی او سرزنشت نمی کند، و در کیفر تو شتاب نمی ورزد و چون به رسوایی گرایي تو را رسوا نسازد، و از تو غرامت نخواهد و تو را از رحمت نومید نکند و در توبه کردن بر تو سختی نکند و گریز از گناه را حسنه حساب کرده و هر گناه تو را یکی محسوب کرده و کار خوب تو را ده برابر شمرده و در توبه و از سرگرفتن کارهای نیک را به رویت باز کرده است. و هر گاه که بخواهی دعای آشکار و نهانت را بشنود و اجابت کند و نیازت را به او عرضه داری و از خویشتن با خدا سخن بگویی و از ناراحتیهایت به او شکوه و ناله کنی و در هر کارت از او یاری جویی و هر چه را که از مردم پنهان می داری با او در میان گذاری ... (۳۳۹)

وای به حال کودکان آخر زمان از دست پدرانشان ! عرض شد یا رسول الله ﷺ از پدران مشرک آنها؟ فرمود: نه. بلکه از پدران مسالمانشان که چیزی از فرائض مذهبی را به آنان نمی آموزند، و اگر فرزندان بخواهند خود در صدد آموزش مسائل دینی باشند آنان را از این امر باز می

دارند. و تنها به این دلخوشند که فرزندانشان بهره ناچیزی از دنیا به دست آورند. من از این قبیل پدران بیزارم و آنان نیز از من بیزارند.

بهر حال آموزش دین را دست کم نگیریم و کم اهمیت ندانیم. مبادا فرزندانمان را که برای بهشت آفریده شده اند، با سهل انگاری در آموزش مسائل دینی، با دست خودمان از مسیر بهشت دور نسازیم و جهنمی نکنیم.

بیایید کمی همت کنیم و بر اساس دستوراتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام رسیده، فرزندمان دلبندمان را با مسائل دینی آشنا سازیم. که هم خود ساخته شوند و هم در آینده الگوی خوبی برای دیگران شوند.

از وقتی که کودک زبان به تکلم باز می کند دوره آموزش او شروع می شود و تا سنین رشد مراحل را طی می کند و سیر آموزش کودک در روایات معصومین علیهم السلام مرحله بندی شده است.

اولین جمله کلمه لا اله الا الله ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین روایت می کند: افتحوا علی صبیاکم اول کلمه لا اله الا الله... (۳۴۱)

وقتی فرزندانتان زبان به سخن گشودند به آنها لا اله الا الله را یاد دهید. پاداش آموزش لا اله الا الله

عایشه از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله : من ربی صغیرا حتی یقول لا اله الا الله لم یحاسبه الله. (۳۴۲)

روزی پیامبر در حال نماز بود و امام حسین علیه السلام (که هنوز بخوبی زبانش باز نشده بود) در کنار حضرتش ایستاده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله برای شروع نماز تکبیره الاحرام گفت. امام حسن علیه السلام نیز سعی کرد

که الله اکبر بگوید اما نتوانست . پیامبر ﷺ دوباره تکبیر گفت و امام تلاش می کرد که الله اکبر بگوید اما باز نمی توانست . پیامبر همچنان تکبیره الاحرام را تکرار می کرد تا حسین علیه السلام بتواند آن را بگوید، ولی تلفظ آن برای حضرتش مشکل بود. تا اینکه پیامبر هفت بار الله اکبر نماز را تکرار کرد. تکبیر هفتم را که گفت زبان امام حسین نیز باز شد و تکبیره الاحرام را درست ادا کرد امام صادق علیه السلام فرمود: از این رو بود که هفت تکبیر سنت شد.

آموزش عملی احکام

پس از آموزش خلاصه ای از معارف اسلامی به زبان ساده ، باید بتدریج فرزندان را عملاً با احکام و مسائل شرعی آشنا ساخت . بدین معنا که پیش چشم آنان شیوه عمل به احکام را به طور ملموس نشان دهیم تا در راه فراگیری احکام ، دچار شك و شبهه نشوند؛ به عنوان مثال به وضو اشاره می کنیم .

در این باره باید در آغاز طرز صحیح وضو گرفتن را به کودک یاد داد. سپس عملاً این کار را انجام می دهیم و از کودک می خواهیم که با دقت نگاه کند و گاهی هم بر وضو گرفتن کودک نظاره می کنیم .

طبیعی است که جنبه آموزشی شیوه عملی و بصری بسیار مؤثرتر و پرجاذبه تر از شیوه گفتاری صرف است .

میرزای نوری از «فقه الرضا» روایت می کند: روزی امیر مؤمنان به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: فرزندم مقداری آب بیاور تا وضو بگیرم .

محمد ظرفی آب خدمت پدر آورد، حضرت نخست دست را در آب فرو برد و فرمود: بسم

الله والحمد لله الذي جعل الماء طهورا ولم
 يجعله نجسا... آنگاه مضمضه کرد و خواند:
 اللهم لقني حجتى يوم اءلقاك و اءطلق
 لسانى بذكرك سپس استنشاق کرده ، فرمود:
 اللهم لا تحرمنى رائحه الجنه و اجعلنى ممن
 يشم ريحها و روحها و طيبها... آنگاه
 صورت خود را شست و در حين شستن صورت
 فرمود: اللهم بيض وجهى يوم تسود الوجوه
 سپس دست راست خود را شسته و فرمود:
 اللهم اءعطنى كتابى بيمينى و الخلد
 بشمالى سپس دست چپ خود را شسته و فرمود:
 اللهم لا تعطنى كتابى بشمالى ولا تجعلها
 مغلوله الى عنقى و اعوذك من مقطعات
 النيران آنگاه ! سر مسح كشيده و فرمود:
 اللهم غشنى برحمتك و بركاتك و عفوك سپس
 دو پاى خويش را مسح كشيد و فرمود: اللهم
 ثبت قدمى على الصراط يوم تزول فيه
 الاقدام و اجعل سعى يما يرضيك عنى .
 آنگاه به محمد رو کرد و فرمود: فرزندم !
 هر بنده مؤ منى همانند من وضو بگيرد و
 آنچه را كه در حال وضو خواندم ، بخواند ،
 خداوند در برابر هر قطره آب وضویش فرشته
 اى مى آفريند كه تا روز قيامت برايش
 تسبيح بگويد. (۳۴۰)

فرزندم ! اگر بخواهى قدرتمند و توانا
 شوى در طاعت و عبادت الهى قوى شو و اگر
 احساس ناتوانى كنى در نافرمانى خدا ضعيف
 و ناتوان شو.

مبادا در عمل با من مخالفت كنى
 حماد لحام از امام صادق از پدرش نقل
 كند كه فرمود: يا بنى انك ان خالفتنى فى
 العمل لم تنزل غدا معى فى المنزل ثم قال
 : ان الله عزوجل ليولين قوما يخالفونهم فى
 اءعمالهم ينزلون معهم يوم القيامة كلا و
 رب الكعبه ! (۳۴۷) فرزندم پيوسته كوشا و
 تلاشگر باش . هرگز خود را در عبادت و
 اطاعت الهى بى تقصير بدان زيرا خداوند

چنانکه سزاوار عبادت اوست ، پرستش نمی شود.

پسرم با دست خالی از دنیا نرو
لقمان حکیم به فرزندش می گوید: یا بنی
ایک اءن تخرج من الدنيا فقیرا و تدع
اءمرك و اءموالك عند غيرك قیما فتصیره
اءمیرا. (۳۴۹)

از تنگدلی و تنبلی پرهیز کن که این دو
بهره تو را از دنیا و آخرت محروم سازند.
فرزندم قبل از مرگ توشه سفر برگیر
لقمان حکیم به فرزند خود می گوید: یا
بنی بادر بعملك قبل اءن يحضر اءجلك وقبل
اءن تسیر الجبال سیرا و تجمع الشمس و
القمر. (۳۵۱)

مادر حضرت سلیمان به او گفت : فرزندم
شبها از خواب زیاد پرهیز کن ، زیرا
پرخوابی شبانه ، انسان را در روز قیامت
فقیر و نیازمند خواهد کرد.
شگفتی از کسی که از کیفی می ترسد
اما...

علی علیه السلام به فرزند خود حسین علیه السلام چنین می
فرماید: اءى بنى العجب ممن يخاف العقاب
فلم يكف و رجا الثواب فلم يتب و يعمل
... (۳۵۳)

فرزندم ! مبادا به احسان و عمل صالحت
مغرور شوی و آن را بزرگ بشماری ، که هلاک
خواهی شد.

در عبادت زیاده روی نکن
فجیع عقیلی گوید: حدثنی الحسن بن علی
بن اءبى طالب علیه السلام قال لما حضرت والدى
الوفاه اءقبل یوصى الی اءن قال علیه السلام :
(واقصد فی عبادتك و عليك فیها بالاءمر
الدائم الذی تطیقه . (۳۵۵)

(زمانی که به همراه پدرم به حج مشرف
شده بودم) روزی با پدرم طواف می کردم در
حالیکه جوان بودم (در یکی از شوطها) سخت

مشغول عبادت بودم و عرق می ریختم . در این حال پدرم از کنارم عبور می کرد، مرا دید و فرمود: جعفر! فرزندم ! خداوند اگر بنده ای را دوست داشته باشد او را به بهشت می برد و از او به عبادتی اندک خشنود می شود.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: اجتهت فی العباده و انا شاب فقال لی اءبی یا بنی دون ما اءراک تصنع فان الله اذا اءحب عبدا رضی منه بالیسیر. ^(۳۵۷)

به گونه ای روزه بگیر که شهوتت را ریشه کن سازد نه آنچنانکه تو را از خواندن نماز باز دارد، زیرا نماز نزد خدا محبوبتر از روزه می باشد.

موعظه و نصیحت

از دیگر اصول مسلمی که تمام جوامع سخت بدان نیازمند می باشند، مساءله موعظه و نصیحت است . یعنی سفارش و توصیه یکدیگر به کارهای نیک . موعظه و نصیحت مخصوص دسته و گروه خاص نیست که وظیفه ای همگانی است . در همان حال که افراد به خودسازی و تطهیر روح و روان و اعمال خود مشغولند این وظیفه را هم دارند که دیگران را نیز تحت تاءثیر قرار دهند و هیچ کس از موعظه بی نیاز نیست . بدیهی است که اگر این اصل خوب رعایت شود بسیاری از انحرافات و فسادها از جامعه رخت خواهد بست . البته موعظه باید بنرمی و از سر صدق و خلوص و صمیمیت ادا شود نه با درشتی و بزرگمنشی ، که تاءثیر معکوس خواهد داشت .

قرآن مجید می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) . (۳۰۹)

وقتی این آیه نازل گردید مردی از مؤمنان نشست و گریست و گفت : من در ننگه داشتن نفس خودم عاجز مانده ام ، متکفل مسئولیت خانواده ام نیز شدم . پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: تو را همین بس که آنان را امر کنی به آنچه که نفس خود را امر می کنی و نهی کنی از آنچه که نفس خود را از آن باز می داری . همچنین در روایت دیگری آمده است که شخصی از رسول خدا پرسید چگونه خانواده ام را (از گناه) باز دارم ؟ فرمود: آنان را به آنچه که خداوند امر کرده امر کن و به آنچه که از آن نهی کرده بازدار. پس اگر اطاعتت کردند تو آنها را باز داشته ای و اگر معصیت کردند بو به وظیفه ات عمل کرده ای (۳۶۱)

خود و خانواده خود را به انجام کارهای خیر عادت دهید و آنان را تربیت و نیک رفتاری بیاموزید.

ارتباط با جهان آخرت

کودکان و نوجوانان ، دارای فطرت پاک الهی اند. از این رو دروغ نمی گویند مگر اینکه از والدینشان آموخته باشند. کودکان می کوشند به دوستانشان کمک کنند، به خوبی ها علاقه مند و از بدی ها گریزانند. این فطرت الهام گرفته از خالق هستی است که این چنین زشتی ها و زیباییها را به آنها آموخته است . با اینکه علم و دانش رسمی کسب نکرده و حتی به مدرسه گام ننهاده اند، اما می فهمند

که راستگویی پسندیده و دروغگویی زشت است ، حفظ امانت خوب و خیانت بد است ، کمک به دیگران خوب و ظلم بد است .

خداوند شناخت خوبی ها و بدی ها را به فطرت پاک او الهام کرده است فاءلهمها فجورها و تقواها ما باید بیندیشیم که چگونه این فطرت پاک الهی در وجود فرزندانمان واکسینه شود و همچنان بی آلایش باقی بماند و در زندگی پرفراز و نشیب آینده هدایتگر آنها باشد. و چگونه آنها را با زندگی راستگویان و درستکاران و خدا جویان پیوند بزنیم و از شیطانهای وسوسه گر و خناسان شب پرست و زشت سیرتان تبهکار دور سازیم ؟

بیایید با توجه به تعالیم پیامبران و پیشوایان راستین ، فرزندان دلبندمان را با معاد و زندگی ابدی آشنا سازیم ، سرانجام جهان را به آنان بگوییم ، و آنان را در مسیر واقعیت های زندگی هدفهای والای آن قرار دهیم . والدین همان گونه مسؤ ول بزرگ کردن فرزندان و تاءمین کننده نیازهای معیشتی و زیستی و اجتماعی آنها هستند، مهمتر از همه مسؤ ول تربیت معنوی و فرهنگی نونهالان خویشند و از این رو آشنا ساختن فرزندان با معارف الهی و سیر زندگی بشر و جهان هستی به سوی خدا و زندگی ابدی و بخصوص صحنه های زیبای بهشت و باغها و چشمه سارهایی آنان را از رکود فکری و محدودیت افق دید و نگرش نجات می دهد.

یاد معاد يك محرك نیرومند و قوی است که نوجوانان را نه تنها به سوی ارزش های انسانی ، هدایت می کند بلکه استعداد آنان را برای بهسازی و آبادی زندگی دنیوی و اخروی ، بیش از پیش به کار می اندازد و شکوفا می سازد زیرا آنان به این باور می رسند که باید در جهان آخرت

از عهده پاسخگویی به اعمال خوب و بد خود برآیند. نیز می آموزند که نباید در دنیا سربار دیگران باشند، او در سایه یاد معاد، آزاد، مستقل و با عزت خواهد زیست و توانش را به کار خواهد گرفت تا با استفاده از نعمت های الهی زندگی شرافتمندانه ای داشته باشد و با بهره گیری از این نعمتها سعادت اخروی را نیز فراهم خواهد ساخت .

آری نوجوان و جوانی که معرفت به جهان آخرت در زندگی او راه یافته ، بکلی با کسانی که به دور از تعالیم انبیا و بخصوص بی اعتقاد به زندگی اخروی تربیت یافته اند، متفاوتند. باور به رستاخیز ابدی موج نیرومندی از مسؤ ولیت الهی و عشق به خدمت در راه خدا، برای وصول به وعده های بهشتی پدید می آورد. در پرتو اعتقاد به معاد است که روح فضیلت و درستکاری و ترك هواپرستی و هرزگی خوی دائمی آدمی می گردد. یاد آخرت و مسائل آن هیچ دلی را اشغال نمی کند جز آنکه شوائب و آلودگیها و تیرگیهای فکری و عملی را از آن می شوید و می زداید. بدین ترتیب زندگی هدفدار و با معنی می گردد. و جوان و نوجوان می تواند با اتکا به این عقاید زندگی ساز شخصیتی استوار و سرشار از امید و اعتماد به نفس و میل به سازندگی و خیر خواهی داشته باشد و از بازار زندگی و بزنگاه حادثه ها و گرفتاریهای روزگار به سلامت و موفق و سعادت مند بیرون آید و از هر آسیب فرساینده و خسار تبار ایمنی یابد و نشیب و فراز زندگی به عزت و استواری او صدمه ای نزند.

لقمان حکیم این چنین فرزندش را هشدار می دهد: یا بنی تعلمت سبعة آلاف من الحکمه فاحفظ منها اربعه و مر معی الی

الجنه ، احکم سفینتک فان بحرك عمیق ، و
خفف حملک فان العقبه کؤ ود، واکثر الزاد
فان السفر بعید، واءخلص العمل فان العمل
فان الناقد بصیر. (۳۶۳)

من از زمانی که چشم به دنیا گشودم به
آن پشت کردم و به آخرت روی آوردم ، پس
منزلی که تو به سوی آن در حرکت هستی ،
به تو نزدیکتر از منزلی است که به آن
پشت کرده و در حال دور شدن از آن هستی .
چگونه انسان به خواب می رود در حالیکه
لقان حکیم به فرزند خود می گفت : یا
بنی کیف ینام ابن آدم و الموت یطلبه ، و
کیف یغفل ولا یغفل عنه . (۳۶۰)

فرزندم ! همانگونه که می خوابی ، می
میری و همچنانکه از خواب برمی خیزی در
روز قیامت ، زنده خواهی شد.
اگر در مرگ و معاد شك داری

امام باقر علیه السلام فرمود: لقمان به فرزندش
چنین توصیه می کرد: یا بنی ان تک فی شک
من الموت فادفع عن نفسك النوم و لن
تستطیع ذلك ، و ان کنت فی شک من البعث
فادفع عن نفسك الانتباه ولن تستطیع ذلك
فانک اذا فکرت فی هذا علمت ان نفسك بید
غیرک ، و انما النوم بمنزله الموت و
انما الیقظه بمنزله البعث بعد الموت
(۳۶۷)

فرزندم ! آرزوهایت را کم کن و به یاد
مرگ باش و در دنیا زهد و پارسایی را
پیشه کن زیرا تو گروگان مرگ و آماج
گرفتاریها و زمین خورده بیماریها هستی .
بیاد صحنه های پس از مرگ باش

لقمان به فرزند خود می گفت : یا بنی
انک مدرج فی اکفانک و محل قبرک و معاین
عملک کله . (۳۶۹)

آخرت و آنچه را که در آن است : از
نعمتها و عذاب دردناک بسیار یاد می کن ؛
زیرا تو را در دنیا زاهد و پارسا می

سازد و دنیا را در نظرت خوار و بی مقدار می گرداند.

۲ - به کم و ناچیز قناعت خواهد کرد
امام علی علیه السلام در ضمن وصیتی به فرزند خود امام حسین علیه السلام می فرماید: و من اکثر ذکر الموت رضی من الدنيا بالیسیر ^(۳۷۱)
پسر جانم بسیار به یاد مرگ می باش و به یاد آنچه که ناگهان در آن واقع شوی و پس از مرگ به سوی آن کشانده شوی مرگ را پیش روی خود می دار تا آنگاه که به تو برسد و تو از آن ایمن باشی و خود را پیش روی آن استوار نگهداری مبادا تو را غافلگیر و مدهوش سازد و عزتت را از تو برگیرد.

برداشتن توشه برای آخرت

جوانی که از دوران بلوغ در اثر راهنماییها و تلقینهای خردمندانه پدر و مادر بتدریج با جهان آخرت آشنا می شود، در می یابد که نعمتهای دنیوی ماندنی نیست از این رو می کوشد در مسیر ابدیتی که پیش رو دارد برای خود توشه ای گیرد. و بر همین اساس زندگی آینده خود را تنظیم می کند، زیرا سعادت آینده را در گرو اعمال خویش می داند و می کوشد برای راه طولانی و گردنه های صعب العبور آینده توشه کافی برگیرد و تا آنجا که در توان دارد از هر نظر خود را آماده و شکیباً سازد.

امام صادق علیه السلام فرمود: لقمان فرزندش را چنین پند داد:

فرزندم ! مردم پیش از تو برای فرزندان خود ثروتی گرد آورده بودند، ولی نه آن ثروت گرد آمده باقی ماند و نه کسانی که ثروتها را برای آنها گرد آورده بودند و بی گمان تو چون بنده مزدوری هستی که به

او دستوری داده و اجرتی برایش تعیین کرده اند، پس کارت را تمام کن و اجرتت را به طور کامل بگیر. (عزیز دلم) در این دنیا مانند گوسفندی مباش که در میان مزرعه ای سبز و پر آب و علف رها شده و آنچنان با حرص و ولع می خورد تا فربه شود اما غافل از آنکه مرگش به هنگام فربهی اوست. بلکه دنیا را مانند پلی بدان که بر روی نهری قرار دارد و از آن می گذری و آن را وا می گذاری و تا پایان روزگار به سویش بر نمی گردی آن را ویران کن و آبادش مساز که به ساختنش ماءمور نیستی.

و بدانکه چون فردای قیامت در برابر خدای عزوجل بایستی، از چهار چیز پرسیده شوی: ۱ - جوانیت را در چه راهی فرسودی؟ ۲ - عمرت را در چه راهی نابود ساختی؟ ۳ - ۴ - دارایی ات را از کجا فراهم آوردی و در چه راهی مصرف کردی؟

پس که به این پرسشها پاسخ بگویی و پاسخ آنها را فراهم آر. (دلبندم)! بر آنچه از دنیا از دستت رفت افسوس مخور، زیرا (سرمایه) اندک دنیا را دوام و بقایی نیست و (حاصل) فراوانش نیز از بلا ایمن نباشد پس آماده و بر حذر باش و در کار خود کوشش کن و پرده غفلت را از روی خود بردار و متوجه احسان پروردگار خویش باش (و در سپاس نعمتهای الهی کوشش کن) و در دلت توبه را تازه دار و در زمان فراغت (به سوی نیکیها) بشتاب، پیش از آنکه آهنگ تو کنند، و مرگت فرا رسد و میان تو و خواسته هایت مانع افکنده شود. (۳۷۳)

اهمیت دادن به نماز فرزندان

یکی از وظایف اصلی پدر و مادر این است که به نماز فرزندان خود فوق العاده اهمیت قائل شوند و فرزند خود را از دوران کودکی با اهمیت آن آشنا سازند و به او تعلیم دهند که ، نماز یاد خداست و زندگی بی یاد خدا تاریک است ، نماز تکیه گاه انسان است ، انسان بدون تکیه گاه هراسان و مضطرب است ، نماز اظهار بندگی و سپاسگزاری به درگاه خداوند بخشنده مهربان است . نماز بیمه کننده انسان از لغزش و سقوط است ، جامعه نمازگزار از بسیاری فسادها و تبهکاری ها مصون است . نماز آرامشگر دلهای مضطرب و خسته و مایه صفای باطن و روشنی روان است . نماز نور چشم پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله وسلم** و سفارش همه انبیا و اوصیا است ، نماز نردبان تعالی روح به ملکوت معنویت است ، نماز احساس تنهایی انسان را زایل می کند ، نماز ندای فطرت آدمی معراج مؤمن است ، نماز سخن گفتن بی واسطه با خالق هستی است ، نماز چون رودی زلال و شفاف است که آلودگیهای روحی و روانی را می شوید و دل را طهارت و نورانیت می بخشد ، نماز کلید بهشت است . نماز جهاد اکبر است ، پیکاری بزرگ با دشمنان انسان ، به همین دلیل است که شیطان بیش از هر زمانی به هنگام نماز به سراغ انسان آمده و می کوشد ذهن نمازگزار را از خدا غافل سازد و به امور روزمره و مشکلات و نیازهای آن متوجه سازد .

سپنسریم نماز را بر پادار
قرآن مجید در آیات فراوانی به این امر
مهم و سرنوشت ساز تاءکید فراوان نموده و
از جمله از زبان لقمان حکیم به فرزندش
نقل می کند که فرمود: یا بنی اقم الصلاه

و امر بالمعروف و انه عن المنكر و اصبر
على ما اصابك ان ذلك من عزم الاءمور^(۳۷۰)
بنابراین بر پدران و مادران است که
فرزندان خویش را از دوران کودکی با این
وظیفه خطیر و مهم الهی آشنا سازند و
آنان را نسبت به خطرات آینده ، واکسینه
و بیمه سازند، تا از انحراف و فساد مصون
بمانند.

آن هنگام که حضرت ابراهیم علیه السلام به همراه
فرزندش ، خانه خدا را بنیان نهاد و کار
را به اتمام رساند، دستها را به سوی
آسمان بلند کرد و از خداوند چنین خواست
: رب اجعلنی مقیم الصلاه و من ذریتی^(۳۷۷)
خدا را خدا را، درباره نماز، که
بهترین عمل و ستون دین شماست .
نماز ستون دین است

لقمان حکیم به فرزندش چنین وصیت کرد:
یا بنی اقم الصلاه فان مثل الصلاه فی دین
الله کمثل عمود الفسطاط فان العمود اذا
استقام نفعت الاءطناب و الاءوتاد والضلال و
ان لم یستقم لم ینفع و تد ولا طناب و لا
ظلال .

نماز را سبک نشمارید که شفاعت ما
ابو بصیر از حضرت ابوالحسن - امام
کاظم علیه السلام - روایت کرده که فرمود: پدرم
در حال احتضار فرمود: یا بنی انه لاینال
شفاعتنا من استخف بالصلاه .^(۳۸۰) «

این سفارشی بود که از امام المتقین ،
امام صادق علیه السلام در آخرین لحظات عمر پربرکتش
به خویشان خود؛ به آنانکه شاید گمان می
کردند تنها خویشاوندی با امام موجب نجات
و سعادت آنان خواهد شد و در هر صورت از
شفاعت آن حضرت بهره مند خواهند بود! اگر
چه با سهل انگاری و کوتاهی در نماز.

و این سیره همه امامان و پیامبران بوده که به این فریضه الهی سفارش فراوان می کردند.

تعجب امام رضا از كودك تارك نماز حسن بن قارون می گوید: از حضرت امام رضا علیه السلام پرسیدم ... مردی فرزند خود را به نماز خواندن مجبور می کند چون گاهی یکی دو روز نماز نمی خواند. امام فرمود: (فرزندش) چند سال دارد؟ عرض کردم: هشت سال. امام فرمود: سبحان الله! نماز را ترك می کند!!؟

عرض کردم: اگر نماز بخواند احساس نارحتی می کند. امام فرمود: به هر صورتی که می تواند نمازش را بخواند و آن را ترك نکند. (۳۸۲)

فرزندم: تو را به خواندن نماز در اول وقت سفارش می کنم. مرحوم میرزای نوری در مستدرک می نویسد:

«اما سجاد علیه السلام کودکانی را که نزد او بودند و امی داشت که نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم بخوانند. به آن حضرت اعتراض شد. فرمود: این عمل برای آنها سبک تر و بهتر است و سبب می شود که به خواندن نماز پیشی بجویند و برای خوابیدن یا سرگرمی به کار دیگر نماز را ضایع نسازند، و امام، کودکان را به چیز دیگری غیر از نماز واجب دستورشان نمی داد و می فرمود: اگر قدرت و طاقت بر خواندن نمازهای واجب داشتند آنان را محروم نسازید. (۳۸۴)

ما به فرزندان خود دستور می دهیم: مادامی که در حال وضو هستند و مشغول کار دیگری نشده اند، نماز ظهر را با نماز

عصر، و نماز مغرب را با نماز عشاء بخوانند.

شاید از این روایت استفاده شود که شیوه همه معصومین درباره کودکانشان چنین بوده است.

آماده سازی فرزندان برای نماز و روزه

دوران کودکی بهترین و مناسبترین زمان اثر گذاری در عقل و اندیشه و روح و روان انسان است. به دلیل این آمادگی و پذیرش فراوان است که دشمن در این سنین روی کودکان سرمایه گذاری می کند تا با برنامه ریزی دقیق قالبهای فکری و ویژگیهای رفتاری آنها را دگرگون سازد.

از نظر مذهبی هم بذر هویت دینی و معنوی انسان در بستر کودکی کاشته می شود و با گذشت زمان و رشد سنی کودک شاخ و برگ و میوه و ثمر می دهد و ریشه هایش نیز استوارتر می گردد. کودکان از آغاز درس دینداری و عبادت و نماز را از مشاهدات مستقیم خود در زندگی روزمره خانوادگی به ارث می برند اگر در مدرسه و محیطهای آموزشی نیز زمینه علاقه مندی به نماز و عبادت فراهم باشد، گرایش نوجوان به این امور دو چندان می شود. زیرا معلم و مربی و دوستان همکلاس خود را نیز همانند والدینش جویای بندگی خدا می بیند و در خانه با پدر و در مدرسه پشت سر مربی خود به نماز می ایستد. و بدین گونه دژهای مستحکم ایمان ساخته و پابرجا می گردد.

آری همانگونه که قرآن فرموده است :
«نماز از فحشاء جلوگیری می کند» اگر کودک شما از کودکی به نماز علاقه مند شد، و رو به خدا رفت ، پیش بینی قرآن در باره او صددرصد به ثمر خواهد نشست و شما

انسان صالحی به جامعه تحویل خواهید داد چرا که اعمال صالح و نماز و عبادت و پیامهای قرآن در فضای دل کودک بازتاب خواهد یافت و نور الهی بر دلش حکومت خواهد کرد.

رهنمود معصومین علیهم السلام

۱ - عبدالله بن فضاله گوید: از امام صادق یا امام باقر شنیدم ، که می فرمود: یتروک الغلام حتی یتم له سبع فاذا تم له سبع سنین قیل له اغسل وجهک و کفیک ، فاذا غسلهما قیل له صل ثم یتروک حتی یتم له تسع سنین ، فاذا تمت له علم الوضوء و ضرب علیه و امر بالصلاه و ضرب علیها ، فاذا تعلم الوضوء و الصلاه غفرالله لوالديه ان شاء الله . (۳۸۶)

فرزندان خود را با زبان بر نماز و وضو عادت دهید، و اگر به سن ده سالگی رسیدند آنها را برای واداشتن به نماز بزنیید ولی از سه ضربه تجاوز نکنید.

۳ - معاویه بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم : «فی کم یؤخذ الصبی بالصلاه فقال فیما بین سبع سنین و ست سنین . (۳۸۸) ما فرزندان خود را در سن پنج سالگی ، به نماز وادار می کنیم ، ولی شما فرزندانتان را در هفت سالگی به نماز وادار سازید.

از آموزش تا تنبیه برای نماز

روایاتی که در زمینه آموزش نماز، دستور به خواندن آن و تنبیه فرزند برای نماز خواندن، وارد شده فراوان است که به سه دسته تقسیم می شوند:

الف - آموزش نماز

آموزش و آموختن نماز به کودکان، از وظایف اولیه پدران و مادران است.

سبره از پیامبر ﷺ روایت می کند: علموا الصبی الصلاه ابن سبع سنین واضربوه علیها ابن عشر سنین (۳۹۰)

اگر پسر دست راست و چپ خود را از هم تشخیص داد، به او دستور دهید (و او را وادارید) تا نماز بخواند.

۲ - پیامبر ﷺ فرمود: مروا صبیانکم بالصلاه اذا كانوا ابناء ست سنین (۳۹۲). اگر فرزندان تا به سن هفت سال رسیدند به نماز وادارشان کنید.

۴ - علی رضی الله عنه می فرماید: علموا صبیانکم الصلاه و خذوهم بها اذا بلغوا ثمانی سنین (۳۹۴).

به فرزندان تا در سن ده سالگی دستور دهید تا نماز بخوانند.

ج - تنبیه برای خواندن نماز

آخرین مرحله ای که در روایات در رابطه با نماز به چشم می خورد، مسأله تنبیه و زدن کودک به خاطر سستی در امر نماز است. که پیش از این روایتهایی در این باب ذکر کردیم.

البته چون این روایات در واداشتن کودکان به نماز خواندن به مراحل اشاره دارد که از تاءدیب زبانی آغاز می شود و در نهایت به تنبیه عملی می انجامد، پدران و مادران حتما به این نکته توجه داشته باشند که: در سنین پایین تنها باید با تشویق و نرمی و مهر و محبت،

فرزندان خود را به نماز وادارند و بر آنان سخت نگیرند که یکباره از نماز بریده و از آن منزجر شوند، امام هر چه سن آنها بالاتر می رود قدری لحن آمرانه به خود بگیرند، و به طور کلی در زدن فرزندان به دلیل کوتاهی در نماز - بویژه در سنین کمتر از سیزده سالگی - با احتیاط و دور اندیشی بیشتر عمل کنند و تنبیه را نه اولین، که آخرین راه حل تلقی کنند و یقین داشته باشند که راههای تربیتی بهتر و مؤثرتری هم هست که می توانند با کسب آگاهی بیشتر و مطالعه کتابهای تربیتی و گفت و گو با فرزندان و مشاوره با مربیان و آگاهان امر تربیت و همچنین تاءمل و تفکر شایسته به آنها پی ببرند. استمداد از خداوند متعال هم در این میان می تواند نقش بسزایی داشته باشد.

اهمیت دادن به روزه فرزندان

نسبت به روزه نیز سفارشهای فراوانی از پیشوایان دینی ما شده است از جمله سفارش شده است که در ماه رمضان اگر کودک طاقت روزه گرفتن داشته باشد او را به روزه گرفتن تشویق کنید، و اگر وسط روز گرسنگی به او فشار آورد افطارشان دهید، چرا که روزه در ماه رمضان سپر از آتش است. و باید فرزندان خود را از آتش سوزان جهنم حفظ کنیم.

علی علیه السلام در ضمن سفارشی به امام حسن مجتبی می فرماید: **الله الله فی صیام شهر رمضان فان صیامه جنه من النار.** (۳۹۶)

روزه های تمرینی

معاویه بن وهب می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم : در چند سالگی فرزندان خود را به روزه وادار کنیم ؟ امام فرمود: ما بینه و بین خمس عشره سنه و اربع عشره سنه فان هو صام قبل ذلك فدعه ، ولقد صام ابني فلان قبل ذلك فتركته . (۳۹۸)

آموزش قرآن

قرآن آخرین کتاب آسمانی است که تمام قوانین هدایت و سعادت انسان ها را در بر دارد. قرآن سفره گسترده و غذای آسمانی و گنجینه حقایق و اسرار الهی است ، قرآن بهار دلهای خزان زده و مایه طراوت اندیشه های افسرده و راکد است . قرآن شفای دلها و ریسمان الهی است . و هر کس به آن چنگ زند نجات یابد و هر کس آن را رها کند هلاک گردد.

قرآن هدایتگر جهانیان است و تضمین کننده سعادت پیروان آن ، تلاوت قرآن کلید ارتباط با حق است ، و تدبر در آیات آن سبب بیداری دلها و شکوفایی مغزهاست . حضرت امام رضا علیه السلام می فرماید: «قرآن ریسمان محکم خداست ، وسیله اطمینان بخش و راه مستقیم اوست ، راهی است که به بهشت منتهی می شود و سبب نجات و رهایی از آتش دوزخ است و قرآن با گذشت زمان کهنه و فرسوده نمی شود و بحث و گفتگو از آن سبب کاستی آن نمی گردد، زیرا که به زمان معینی اختصاص ندارد...» (۴۰۰)

خدا را خدا را درباره قرآن ، مبادا دیگران در فهم قرآن بر شما پیشی بگیرند. آموزش این کتاب آسمانی ، از حقوق مسلم فرزندان است که پدران باید از عهده آن برآیند، و آنان را با قرآن آشنا سازند بدین معنی که یا خود بشخصه قرآن را به

آنان بیاموزند یا برای آنان معلم بگیرند. رسول خدا ﷺ فرمود: حق الولد علی والده اءن یحسن اسمه ... و یعلمه الكتاب. (۴۰۲)

به فرزندان سوره یس بیاموزید زیرا این سوره ، گل (باغ) قرآن است . پیامبر فرمود: حق الولد علی والده اذا كان ... انثی ... یعلمها سوره النور. (۴۰۴) روزی غالب ، پدر فرزندق شاعر، به همراه فرزندش پس از جنگ جمل در بصره به حضور علی علیه السلام رسید. به حضرت عرض کرد: فرزندم از شعرای مضر است . به شعرهایش گوش بفرمایید. علی علیه السلام فرمود: به او قرآن تعلیم ده . این سخن در روح فرزندق مؤثر افتاد و در زمانی - مناسب - ریسمانی یه پای خود بست و با خود عهد کرد که تا قرآن را حفظ نکند هرگز آن را باز نکند. ابن ابی الحدید می گوید: تا زمانی که فرزندق قرآن را حفظ نکرده بود پای خود را باز نکرد. (۴۰۶)

هیچ مردی فرزند خود را قرآن نیاموزد مگر اینکه خداوند پدر و مادر کودک را در روز قیامت تاج پادشاهی عطا کند و دو لباس بهشتی به آنان بپوشاند که هرگز مردم مانند آن را ندیده باشند.

ب - لباس بهشتی جایزه تعلیم قرآن :

امام صادق علیه السلام فرمود: ... و من علمه القرآن دعی الاءبوان فکسیا حلتین یضی ء من نورهما وجوه اءهل الجنة . (۴۰۸)

هر که فرزند خود را قرآن بیاموزد خداوند روز قیامت حلقه افتخاری به گردن او آویزد که باعث حیرت اولین و آخرین شود.

د - سیمای اخروی آموزش قرآن :

امام صادق علیه السلام فرمود: تعلموا القرآن فانه یاءتی یوم القیامه صاحبه فی صوره

شاب جميل صاحب اللون فيقول له : اءنا القرآن الذى كنت اءسهرت ليلك و اءظمات هو اجرک و اجففت ريقك و اءسبلت دمعك فاءبشر فيؤتى بتاج فيوضع على راءسه و يعطى الاءمان بيمينه والخلد فى الجنان بيساره ويكسى حلتين ثم يقال له : اقراء وارق ، فكلما قراء آيه سعد درجه ، و يكسى ابواه حلتين ان كانا مؤمنين ، ثم يقال لهما هذا لما علمتماه القرآن .^(٤١٠) هر كس به فرزند خود قرآن تعليم دهد... (همان قرآن) نامه عملش را (در روز قيامت) سنگين كند و او را از پل صراط همانند برق جهنده عبور دهد و هيچ گاه از او جدا نگردد تا از طرف خداوند بهترين چيزى كه آرزو مى كرد بر او نازل شود.

٤- تشويق معلم قرآن

محمد بن على بن شهر آشوب روايت مى كند كه : ان عبدالرحمن السلمى علم ولد الحسين عليه السلام الحمد فلما قراءها على ابيه اءعطاه اءلف دينار و الف حله و حشافاه درا ، فقيل له فى ذلك فقال عليه السلام و اءين يقع هذا من عطائه يعنى تعليمه .^(٤١٢)

روايت شده : خداوند تبارك و تعالى وقتى اراده كند كه تمام اهل زمين را بى استثنا (بخاطر گناهشان) عذاب كند. چون به پيرانى نظر افكند كه در حال گام برداشتن و رفتن به سوى مساجدند و نونهالان را ببيند كه مشغول تعليم قرآن هستند بر مردم رحم آورد و عذاب آنان را به تاءخير مى اندازد.

ثواب ده هزار مرتبه حج و عمره

رسول گرامى صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: من علم ولده القرآن فكاءنما حج البيت عشرة آلاف حجه و اعتمر عشرة آلاف عمره و اعترك عشرة آلاف رقيه من ولد اسماعيل ، و غزا عشرة آلاف غزوه و اءطعم عشرة آلاف مسكين مسلم جائع و

کاءنما کسا عشره آلاف عار مسلم و یکتب له بکل حرف عشر حسنات و یمحو الله عنه عشر سیئات و یكون معه فی قبره حتی یبعث ...

تشویق به قرائت قرآن

الف - تاءدیب فرزندان با تلاوت قرآن

پیامبر ﷺ فرمود: اءدبوا اءولادکم علی ثلاث خصال : حب نبیکم و حب اهل بیته و قراءه القرآن فان حمله القرآن فی ظل الله یوم لا ظل الا ظله مع انبیاءه و اصفیاءه . (۴۱۵) و قال ﷺ قولوا لصبیانکم اذا اءرادوا المنام ان یقرؤا هذه السوره حتی لا یتعرض لهم الجن . (۴۱۷)

پدرم کثیر الذکر بود... سیره او چنین بود که هر روز پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب ما را جمع می کرد، هر که قرآن یاد داشت او را به خواندن قرآن و او می داشت و هر کس که سنش کمتر بود و قرآن نمی خواند دستور می داد تا ذکر خدا گوید.

د - دستور امام صادق به فرزند خود اسماعیل

حریز دربارہ امام صادق ؑ روایت می کند که : کان اسماعیل بن اءبی عبدالله ؑ عنده فقال : یا بنی اقراء المصحف . فقال : انی لست علی وضوء فقال : لاتمس الكتابه و مس الورق . (۴۱۹)

علی بن الحسین ؑ به هنگام قرآن خواندن از خوش صداترین مردم بود؛ به حدی که اهل خانه صدای او را می شنیدند.

آثار تلاوت قرآن در خانه

در خانه ای که قرآن تلاوت شود، آثار نیکویی در آن خانه ظاهر می گردد و اهل آن خانه غرق در نور می شوند، پس چه خوب است که به فرزندانمان بیاموزیم تا هر روز در خانه کمی قرآن بخوانند و با صوت زیبا آیات الهی را تلاوت کنند و به آنها انس بگیرند. اینک به برخی از آثار نیکوی تلاوت قرآن اشاره می کنیم :

الف - ازدیاد برکت

پیامبر ﷺ می فرماید: اجعلوا لبيوتكم نصيبا من القرآن فان البيت اذا قرء فيه تيسر على اءهله و كثر خيره و كان سكانه في زياده . (۴۲۱)

در خانه ای که قرآن خوانده شود و خدا یاد شود خیر و برکتش زیاد گردد، فرشتگان در آنجا حضور یابند و شیاطین آنجا را ترك گویند و آن خانه برای اهل آسمان چنان بدرخشد که ستارگان برای اهل زمین نور افشانی می کنند.

آثار ترك قرائت قرآن در خانه

همچنانکه خواندن قرآن موجب نورانیت و برکت اهل خانه می شود و آن خانه محل رفت و آمد فرشتگان می شود، ترك قرائت قرآن نیز آثاری دارد که به آن اشاره می کنیم :

الف - کم شدن برکت خانه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله : اجعلوا لبيوتكم نصيبا من القرآن فان البيت ... اذا لم يقرء فيه القران ضيق على اهله و قل خيره و كان سكانه في نقصان (۴۲۳).

در خانه ای قرآن خوانده نشود و خدای متعال یاد نشود خیر و برکتش بکاهد، فرشتگان از آن دوری جویند و محل حضور شیاطین گردد.

آشنا سازی با مستحبات

از دیگر وظایف اخلاقی پدران و مادران نسبت به فرزندان خود این است که آنان را با مستحبات و کارهایی که در شریعت واجب نبوده امام اکیدا به آنها سفارش شده است آشنا کنند. بدین صورت که خود عامل و مبلغ عملی و مروج شایسته ای برای این سنتهای نیکو باشند و به زبان و بیان هم فرزندان خویش را به انجام دادن چنین اعمال و سنتهای پسندیده تشویق کنند. مثلا دست فرزند را گرفته و به مسجد ببرند و در کنار خود بنشانند و آنان را به مسائل نماز جماعت و اهمیت حضور در جماعات آشنا سازند. و یا آنان را به نماز اول وقت ، نافله ها، به سحر خیزی و اهمیت نماز شب ، ترغیب نمایند.

شاید برخی تصور کنند که وادار کردن کودکان و نوجوانان به مستحبات ، موجب دلزدگی و خستگی آنان از واجبات می شود. لیکن این تصور ناشی از ناآگاهی به رهنمودهای مربیان و کارشناسان اسلام است ، زیرا تعالیم پیشوایان بزرگ اسلام گزافه نیست ، بلکه برخاسته از آشنایی کامل به خصوصیات انسان و نیز پرتوی از وحی آسمانی است .

از رهنمودهای معصومین در می یابیم که آشنایی با احکام و سنتهای دینی و عمل به مقتضای آنها دلها را صفا می بخشد، زنگارها را می زداید، روح پاک فرزندان در پرتو ارتباط با پروردگار و در افق کمال لایتناهی پرواز می کند و فروغ و جلای ملکوتی می یابد.

البته همچنان که قبلا نیز تذکر دادیم علاقه مند ساختن فرزندان به واجبات و مستحبات باید به طور طبیعی و با اصول

تربیتی صورت گیرد نه با زور و تحمیل و خشونت .

۱ - حضور در نمازهای جماعت

علی بن ابراهیم در تفسیر خود در ذیل آیه : فاصدع بما تؤمر (۴۲۵)

۲- تشویق به نماز شب

پیامبر ﷺ فرمود: رحم الله عبدا قام من الليل فصلى واءيقظ اءهله فصلوا اءلا و ان اءفضل الاءعمال صلاه الرجل بالليل ، والذى نفسى بیده ان الرجل اذا قام من الليل يصلى ، تسبح ثيابه و من حوله (۴۲۷).

شما را به شب زنده داری سفارش می کنم از نیمه شب تا آخر شب و اگر خواب بر شما غلبه کرد در آخر شب بیدار شوید. و هر کس که با وجود بیماری از این کار باز ماند، خداوند او را به دلیل عذری که دارد معذور و معاف می دارد.

زید بن علی گوید: کان اءبى على بن الحسين عليه السلام لايفرط فى صلاه خمسين ركعه . قلت و كيف صلاه الخمسين ركعه قال عليه السلام سبعة عشر ركعه الفرائض و ثمان قبل الظهر و اءربع بعدها و اءربع قبل العصر و اءربع بعد المغرب و ثمان صلاه السحر و ثلاث الوتر و ركعتا الفجر، قال عليه السلام و كان على بن احسين عليه السلام يعلمها اءولاده (۴۲۹).

آن حضرت نمازهای نافله ای که در روز او فوت شده بود، شب هنگام به جا می آورد و می فرمود: فرزندانم ! قضای این نوافل بر شما واجب نیست لیکن دوست دارم که اگر خود را به کار خیری عادت دادید بر آن مداومت کنید.

دو رکعت نافله عشاء

امام صادق عليه السلام می فرماید: کان اءبى يصلى بعد عشاء الاخره ركعتين و هو جالس يقرأ فيهما مائه آيه و كان يقول من

صلاهما و قراء ماائه آيه لم تكتب من الغافلین (۴۳۱).

پس اگر از نماز فارغ شود و به پیامبر آنچنان که سزاوار است درود بفرستد، خداوند تا هفتاد سال هر گناهی که دارد می بخشد و به او ثوابی می دهد که قابل شمارش نمی باشد. (۴۳۳).

ای ابا هارون ما به فرزندانمان دستور می دهیم تا تسبیح فاطمه زهرا را بگویند. همانگونه که به خواندن نماز فرمانشان می دهیم. پس بر تسبیح فاطمه مداومت کن زیرا هرگز بنده ای که پیوسته این تسبیح را بگوید گمراه و سیه رو نمی شود.

احیای شب نیمه شعبان

زید بن علی گوید: کان علی بن الحسین یجمعنا جمیعا لیلہ الیصف من شعبان ثم یجزی ء اللیل اجزاء ثلاثه فیصلی بنا جزءا ثم یدعو فنؤ من علی دعائه ثم یتغفر الله و نستغفره و نساءله الجنه حتی ینفجر الفجر (۴۳۰).

احیای شب عید فطر

سید ابن طاووس از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «کان علی بن الحسین علیه السلام یحیی لیلہ عید الفطر بصلوه حتی یصبح و یتبیت لیلہ الفطر فی المسجد و یقول یا بنی ماهی بدون لیلہ یعنی لیلہ القدر. (۴۳۷).

تشویق به صدقه و انفاق در راه خدا

هارون بن عیسی گوید: «روزی امام صادق علیه السلام به فرزند خود محمد فرمود: فرزندم! چه مقدار از پول خرجی خانه مانده است؟ گفت: چهل دینار. حضرت فرمود: همه آن را در راه خدا صدقه بده.

عرض کردم در این صورت چیزی برای ما نمی ماند. حضرت فرمود: همه اش را انفاق کن که خداوند جای آن را پر خواهد کرد. آیا می دانی که برای هر چیزی کلیدی هست و کلید روزی صدقه می باشد. (فرزندم) همه اش را انفاق کن.

محمد به دستور پدر عمل کرد و آنچه را که همراه خود داشت در راه خدا صدقه داد، هنوز ده روز نگذشته بود که از جایی برای حضرت چهارهزار دینار رسید.

حضرت فرمود: فرزندم ما چهل دینار برای خدا دادیم و او در عوض چهل هزار دینار به ما عطا کرد. (۴۳۹)

بزرگداشت شعایر اسلامی

آشنا ساختن فرزندان با شعایر اسلامی ، آنان را به الگوها و اسوه های اسلامی علاقه مند می سازد و تعلیمات دینی و مذهبی را در زندگی و روان آنان زنده می دارد .

بزرگداشت قیام سالار شهیدان کربلا از بهترین و عالیترین مصادیق تعظیم شعایر و یاد آوری مظاهر اسلامی ، یادبود حماسه ها و جانبازیهای سالار شهیدان حضرت حسین بن علی علیه السلام و فرزندان و یاران باوفایش در کربلاست . از این رو پدران و مادران متعهد، مسؤ ولند که همیشه این خاطره بزرگ را در دل فرزندان خود زنده و جاوید نگهدارند. زیرا بقا و دوام اسلام و عزت مسلمانان به زنده نگهداشتن عاشورای حسینی است .

این درس را امام صادق و دیگر امامان علیهم السلام به ما آموخته اند، که فرزندان خود را به مجالس حسینی ببریم و آنان را با یاد و نام عبدالله علیه السلام و رخدادهای سرنوشت ساز عاشورای حسینی آشنا سازیم .

مرحوم کلینی به سند خود از ابو داود مسترق از عبدی چنین نقل می کند: به محضر امام صادق رسیدم . حضرت فرمود: به ام
فروه (۴۴۱)

به یاد مظلومیت علی علیه السلام و زهرا علیها السلام

از جمله دستوراتی که در زمینه بزرگداشت شعایر اسلامی وجود دارد، تشویق فرزندان به حفظ پرمحتوای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

این خطبه که دارای مضامین عالی و معارف بلندی می باشد، بخشی از حوادث پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را بیان می کند و از مقام ولایت و امامت دفاع می نماید، بیان خطبه آن چنان رساست که خواننده با مطالعه دقیق آن به خوبی می تواند به مظلومیت علی علیه السلام و زهرا علیها السلام پس از پیامبر پی ببرد.

زینب کبری علیها السلام در هفت سالگی این خطبه را از حفظ داشت و اهل بیت این خطبه را از حضرتش روایت می کردند. (۴۴۳)

دیدم که بزرگان خاندان ابوطالب این خطبه را از پدرانشان روایت می کنند و آن را به فرزندانشان آموزش می دهند.

تعلیم اشعار آموزنده و حماسی

می دانیم که از روزگاران قدیم شعر و سروده های زیبای دینی و مذهبی نقش مهمی در ابلاغ رسالتهای الهی داشته اند و همواره جزء برجسته ترین نمونه های هنر و ادب به شمار می روند. به طور کلی استفاده از قالبهای هنری و ادبی شرط نفوذ و ماندگاری يك پیام است. زیرا محتوای خوب و ارزنده و انسان ساز همچون روحی پاک و زیباست که می تواند در تنی پاک و نیرومند و برازنده و برومند قرار گیرد و ارزش و اهمیت آن و راه یافتن آن به دلها صد چندان گردد. قدرت هنر و ادبیات در این است که می تواند پیچیده ترین مطالب را به شکل آسانترین مطالب

همه کس فهم در آورد و علاوه بر این صورت زیبایی هم بر حقایق بکشد و اهمیت آنها را بیش از پیش مطرح سازد. بنابراین در اهمیت آشنا ساختن کودکان و نوجوان با میراث ادبی و هنری فرهنگ اسلامی که هنوز هم با نفاست و عظمت هر چه تمامتر در جهان می درخشد، جای تردید نیست .

تعلیم اشعار آموزنده ابوطالب

امیر مؤمنان علیه السلام به پدران توصیه می کند که اشعار آموزنده ابوطالب را به فرزندان خود تعلیم کنند. که بدین وسیله هم معارف اسلامی را در قالب شعر و سروده به آنها تلقین کرده باشند و هم اینکه برخی از صحنه های پر شکوه تاریخ صدر اسلام و از جمله یاد ابوطالب آن یگانه مدافع راستین پیامبر بزرگوار اسلام را در دلها و ذهنها زنده نگه دارند.

امام صادق علیه السلام می فرمود: کان اءمیرالمؤمنین یعجبه اءن یروی شعر اءبی طالب و اءن یدون و قال : تعلموه و علموه اءولادکم فانه کان علی دین الله و فیه علم کثیر. ^(۴۴۵) خداوند توانا و بی همتا است ، بخشنده اوست و آفرینش و رستاخیز موجودات به دست اوست ، آنچه که در آسمانهاست همانا برای اوست و هر که در زیر آسمان است همه بنده او است .

تعلیم اشعار آموزنده عبدی سفارش دیگری که امام صادق علیه السلام به ما می کند آموزش سروده های عبدی است . او سفیان بن مصعب عبدی کوفی یکی از شعرای اهل بیت و از یاران امام صادق علیه السلام ^(۴۴۷) تمام سروده های عبدی مورد تاءیید امام صادق علیه السلام بوده است و آن حضرت گاهی از عبدی می خواست که اشعاری برای مجالس

عزاداری بسراید، تا به یاد سالار شهیدان خوانده شود. (۴۴۹)

ای شایعین ، شعر عبّدی را به فرزندانان یاد دهید زیرا او بر دین خدا بوده است .

نمونه ای از اشعار سفیان عبّدی
علامه امینی در کتاب الغدیر اشعار
زیادی از عبّدی نقل کرده که به يك نمونه
اشاره می کنیم :

احب النبی المصطفی وابن عمه علیا
وسبطیه و فاطمه الزهرا هم اهل بیت
اءذهب الرجس عنهم واطلعهم افق الهدی
انجما زهرا موالاتهم فرض علی علی کل
مسلم وحبهم اءسنی الذخائر للاحری و ما
انا للصحب الکرام بمبغض فانی اءری
البغضاء فی حقهم کفرا (۴۵۱)

آری برای مؤمنان عبّدی است که از آن
چه که گفتمی مهمتر است و آن روزی است که
امیر مؤمنان علی علیه السلام به پا داشته شد
(یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را به خلافت منصوب
کرد).

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ولایت حضرتش را در
غدیر خم برگردن تمامی مردان و زنان
نهاد. عرض کردم : آن چه روزی است ؟...
فرمود: روز هیجدهم ماه ذی حجه .

سپس فرمود: (عبادت) و کار نیک در آن
روز برابر با هشت ماه - عبادت - و عمل
صالح است .

و سزاوار است که در این روز خدا بسیار
یاد شود و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درود
فرستاده شود و نیز سزاوار است که مردی در
این روز بر اهل و عیال خود اسباب راحتی
و گشادگی فراهم کند .

آری یادبود مناسبتهای اسلامی و بویژه
عید فرخنده غدیر زنده کردن اسلام و عمل
به سفارشهای اهل بیت اطهار است و چه

نیکوست که در این روز با تقدیم هدایایی کوچک و بزرگ به اعضای خانواده و بخصوص فرزندان ، آنان را دلشاد کنیم ، در ضمن به آنها توضیح دهیم که امامت و ولایت چه معنایی دارد و این یادبودها برای چیست .

آمادگی برای روز جمعه

پیشوایان اسلام برای بزرگداشت روز جمعه حساسیت و اهمیت خاصی نشان داده اند. و برای آن برنامه های ویژه ای معین کرده اند.

توصیه شده که در این روز آدابی همچون ؛ خواندن دعای امام زمان علیه السلام ، دعای ندبه ، دعای سمات و نماز جمعه به عمل آید ، افراد به نظافت شخصی و استحمام و... بپردازند. و مهمتر از همه تاءکید شده که حتما در این روز فرصتی به آموزشهای دینی و عقیدتی اختصاص داده شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «وای بر مسلمانی که در هر هفته ، روز جمعه را برای آموختن دستورات الهی خالی نگذارد. (۴۰۳)

برای فرزندان خود گوشت تهیه کنید و فضیلت روز جمعه را برای آنان بیان نمایید.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: اءطرفوا اءهالیکم فی کل لیله جمعه بشی ء من الفاکهه کی یفرحوا بالجمعه . (۴۰۰)

فصل هفتم : فرزند و جامعه

برخوردهای اجتماعی فرزندان

از آنجایی که فطرت انسانی بر انس و رابطه با یکدیگر پایه گذاری شده ، دوست دارد همیشه زندگی جمعی داشته باشد و از انزوا و گوشه گیری متنفر است .

زندگی جمعی ، آداب و شرایطی دارد تا محیط را برای زندگی سالم و تواءم با آرامش آماده کند و زمینه های نزاع و دشمنی را از میان بردارد. از این رو پیشوایان الهی علیهم السلام برای تحکیم روابط بین انسانها و تحقق زندگی مطلوب و متعالی توصیه هایی بیان فرموده اند که بدون شك به کار بستن این دستورات الهی سلامت همه جانبه جامعه و روابط نیکوی انسانی را تضمین خواهد کرد کودکان و نوجوانان بخش عظیمی از اجتماع را تشکیل می دهند شخصیت آنان و نحوه آشنایی شان با آداب و روابط و نوع برخوردهای اجتماعی در دوران کودکی و نوجوانی شکل می گیرد. و این والدین هستند که با نقش حیاتی و تاءثیر همه جانبه خود در سرنوشت کودکان مسیر زندگی آنها را رقم می زنند. اگر والدین به کودکان تعلیم دهند که آنان از عزت نفس و کرامت شخصیت برخوردارند و دیگران هم همین طور. بنابراین احترام به شخصیت خود و دیگران جزء خوی و خصلت دائمی کودکان می گردد و از فخر فروشی بی معنا و تعدی به حقوق دیگران و بدخلقی و خشم بر آنها رویگردان می شوند و به دهها صفت نیکوی اخلاقی آراسته می گردند که زمینه ساز موفقیت و خوشبختی در زندگی اجتماعی و همزیستی تکاملی با دیگر هموعان است .

خلاصه : ارزش ها و ضدا ارزش هایی که در جامعه به چشم می خورد به طور عمده ریشه در رفتار و گفتار والدین از طریق رفتار با فرزندان دارد و نوع تربیتی که از خانواده به فرزندان الهام و تلقین می شود و آنها را سمت و سو می دهد، جامعه حال و آینده را هم شکل و جهت می دهد و دانه هایی که درون خانه و خانواده کاشته می شود در دل اجتماعات انسانی برگ و بار می دهد.

شناخت شخصیت خود

نخستین درسی که باید اولیا به فرزندان خود بیاموزند این است که آنان را در خودشناسی یاری کنند و به آنها تعلیم دهند که خداوند انسانها را عزیز، باکرامت ، آزاد و با سرشتی پاک و آسمانی آفریده است و دوست ندارد آدمی به دست خویش خوار و ذلیل گردد.

انبیاء الهی نیز مبعوث شدند تا انسان را برای رسیدن به قله های کمال و کرامت هدایت نمایند. از اینرو بر والدین است که به فرزند خود تبیین کنند که : تو با این کرامت انسانی در جامعه زندگی می کنی و اگر خدای نخواستہ روزی این کرامت را بر باد دهی مردم برای تو هیچ ارزشی قائل نخواهند شد. سپس فرزندان را به آنچه که شخصیت شان را خوار و بی مقدار می سازد و به آبرو و حیثیت آنان لطمه می زند آگاه سازند.

اظهار فقر باعث انحطاط شخصیت است
لقمان حکیم به فرزند خود گفت : یا بنی
ذقت الصبر واءکلت لحاء الشجر فلم اءجد
شیئا امر من الفقر فان بلیت به یوما،
ولاتظهر الناس علیه فیستهینوک و لاینفعوک
بشیء، ارجع الی الذی ابتلاک به فهو

اءقدر على فرجك ، وسله من ذا الذي ساء له
فلم يعطه او وثق به فلم ينجه . (٤٥٧)
خديفه بن يمان در حال احتضار فرزند
خود را طلبيد، و به او چنين سفارش كرد:
فرزندم ! از آنچه كه در دست مردم است
ماءيوس و نااميد باش ، زيرا دارايي و بي
نيازي تو در همين است (كه به ثروت
ديگران چشم اندوزي)، مبادا نيازهايت را
از مردم مطالبه كني چرا كه فقر واقعي
چيزي جز اين نيست .

عزت مؤمن در بي نيازي او از مردم است
على عليه السلام به فرزند خود امام حسين عليه السلام مي
فرمايد: اءى بنى عز المؤمن من غناه عن
الناس . (٤٥٩)

فرزندم ! مبادا خودت را خوار و بي
مقدار كني كه رسوا خواهي شد .

اگر عزت دنيا را مي خواهي
از امام صادق عليه السلام روايت شده كه لقمان
به فرزند خود مي گفت : ... فان اردت اءن
تجمع عز الدنيا فاقطع طمعك مما فى اءيدى
الناس ، فانما بلغ الاءنبياء و الصديقون
ما بلغوا بقطع طمعهم . (٤٦١)

فرزندم ! قبل از آنكه با مردم سخن
آغاز كني ، تو خود در سلام كردن و مصافحه
نمودن پيشقدم شو .

زبان سرخ سر سبز مي دهد بر باد
همچنين لقمان به فرزند خود فرمود: يا
بنى من لا يكلف لسانه يندم . (٤٦٣)

با مردم به نيكويي سخن بگوويد همان
گونه خداوند شما را بدان امر كرده است .
على عليه السلام به فرزند خود امام حسين عليه السلام مي
فرمايد: و اءعلم اءى بنى انه من لانت
كلمته وجبت محبته . (٤٦٥)

فرزندم ! مبادا بي قرار و بد اخلاق و
كم حوصله باشي ، زيرا با داشتن اين
خصلتها هيچ دوستي براي باقى نمى ماند،

نفس خود را وادار تا در امور صبر و حوصله داشته باشد، همچنین در رفع مشکلات برادرانت صبر و تحمل به خرج بده و با تمام مردم اخلاقی نیک داشته باش .

فرزندانم ! اگر هم نتوانی با خویشاوندانت پیوند داشته باشی و بر برادرانت لطف و احسان کنی ، اما هرگز خوش خلقی و گشاده رویی را از کف منه ، زیرا هر کسی اخلاق خود را نیکو گرداند خوبان او را دوست خواهند داشت و بدکاران از او دوری خواهند گزید.

بد اخلاقی موجب پراکنده شدن دوستان علی علیه السلام به فرزند خود محمد حنفیه فرمود: **ایک والعجب و سوء الخلق و قله الصبر فانه لا یستقم لك علی هذه الخصال الثلاث صاحب ولا یزال لك علیها من الناس** . (۴۶۷) .
مجانب

بی تردید اگر با لطف و مهربانی چیزی را از برادرت دریغ داری ، بهتر از آن است که با روی ترش چیزی به او بدهی .

فخر نفروش و تکبر نکن
علی علیه السلام به فرزند خود امام حسین فرمود:
من تکبر عن الناس ذل . (۴۶۹) .

فرزندانم ! مبادا جدال کنی ، زیرا هیچ سودی به حال تو ندارد، علاوه بر این که موجب دشمنی بین برادران هم خواهد شد.

پرهیز از استهزا و تحقیر دیگران
علی علیه السلام به فرزند امام حسن مجتبی می فرماید: **یا بنی لاتستخفن برجل تراه اءبدا ، ان کان اکبر منك فعد انه اءبوك و ان کان منک فهو اءخوک ، و ان کان اءصغر منك فاحسب انه ابنک** . (۴۷۱) .

خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان کرده است : ۱ - رضای خود را در طاعتش پنهان ساخته پس هیچ طاعتی را حقیر و کوچک شمار شاید که رضای خدا در همان

باشد. ۲ - خشم خود را در نافرمانی اش پنهان کرده پس هیچ معصیتی را کوچک بشمار که شاید خشم خدا در همان باشد. ۳ - اولیای خودش را در میان بندگان پنهان کرده پس هیچ کسی را تحقیر مکن که شاید او ولی خدا باشد.

شخص مبتلا و مریض را مسخره نکن
لقمان حکیم به فرزند خود فرمود: یا بنی لاتشمت بالموت و لاتسخر بالمبتلی و لاتمنع بالمعروف. (۴۷۳)

یکی از یاران امام صادق علیه السلام نزد آن حضرت آمد و سلام کرد و به اسماعیل فرزند امام نیز که آنجا بود سلام کرد و نشست. اندکی بعد امام آنجا را ترک گفت و آن مرد نیز با او همراه شد. زمانی که امام به در خانه خویش رسید، از آن مرد جدا شد اسماعیل به حضرت گفت پدر جان آیا نمی خواستی او را برای ورود به خانه تعارف کنی؟ امام فرمود: آمادگی پذیرایی او را نداشتم. اسماعیل گفت: او که داخل خانه نمی آمد. امام فرمود: فرزندم، من دوست نمی دارم که خداوند بر من عیب و خللی بنویسد.

گذشت داشته باش

علی علیه السلام به فرزند خود امام حسن فرمود:
واقبل عذر من اعتذر اليك واقبل العفو من الناس. (۴۷۰)

پدرم دست مرا گرفت و فرمود: فرزندم! پدر من امام باقر روزی دست مرا گرفت همانگونه که من دست تو را گرفته ام و به من فرمود: پدرم علی بن الحسین علیه السلام دست مرا گرفت و فرمود: ... اگر شخصی که در طرف راست نشسته بود و به تو دشنام داد و سپس به سمت چپ تو رفت و پوزش خواست، عذر او را بپذیر.

حفظ اسرار دیگران

از دیگر مسائل مهمی که فرزند باید در روابط اجتماعی خود با دیگران رعایت کند مسأله حفظ اسرار برادران و دوستان خود می باشد که بی احترامی و بی وفایی به دوستان و سبب ضعف روابط دوستانه و بلکه مایه سلب آبرو و حیثیت خویشان است .
علی علیه السلام به امام حسن فرمود: ... ولاتذع سره و ان اذاع سرک (۴۷۷).
هر کس پرده (آبرو و شخصیت) دیگری را پاره کند، عیبهای خانواده خودش هویدا گردد.

پرهیز از ظلم به دیگران
ظلم و ستم از گناهان کبیره است ظلم به دیگران موجب سلب آرامش و امنیت جامعه می شود و حد و مرزهای روابط و حقوق اجتماعی افراد را به هم می ریزد و منشاء نابسامانیهای عظیمی می گردد.

کودکان باید در خانواده و از رفتارهای والدین یاد بگیرند که به حقوق دیگران و شخصیت آنها و مال و ثروت و متعلقات آنها احترام بگذارند. و حق هیچ کسی را ضایع نکنند، اگر چه بسیار ناتوان باشد و توان و زبان دفاع از حق خویش را نداشته باشد. مخصوصا در دوره کودکی و نوجوانی از هر گونه آزار و اذیت دیگران پرهیزند و ناخشنودی و رنج دیدن دیگران را رنج و ناراحتی خود و ناخشنودی حق تعالی بدانند.

ابوحمره ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل می کند: لما حضرت علی بن الحسین الوفاه ضمنی الی صدره ثم قال : یا بنی اوصیک بما اءوصانی به اءبی حین حضرته الوفاه ، و بما ذکر ان اءباه اءوصاه به فقال یا بنی : ایاک و ظلم من لایجد علیک ناصرا الا الله (۴۷۹).

فرزندم ! فقر و بیچارگی بهتر از آن است که نسبت به دیگران طغیانگری و تعدی کنی .

لقمان به فرزند خود فرمود: یا بنی لاثرت لمن ظلمته و لکن ارث لسوء ما جنیته علی نفسک و اذا دعیتک القدره الی ظلم الناس فاذکر قدره الله علیک . (۴۸۶)

فرزندم ! بدترین توشه برای آخرت دشمنی با بندگان خداست .

لقمان حکیم به فرزند خود می گوید: یا بنی لاتکالب الناس فیمقتوک و لا تکن مهینا فیذلوک و لا تکن حلوا فاکلوک و لا مرا فیلفظوک . (۴۸۳)

فرزندم ! در پی انتقامجویی از برادرت مباش گرچه به دهانت خاک بپاشد .

علی علیه السلام به فرزند خود امام حسن علیه السلام می فرماید: واءطع اءخاک و ان عصاک وصله و ان جفاک . (۴۸۵)

چون برادرت از تو ببرد خود را و ادا را به پیوند با او کن ، و چون از تو روی گرداند به لطف و مهربانی و درخواست ارتباط و دوستی با او روی آور . و هنگامی که خست و بخل نشان دهد تو بخشش و احسان کن . و چون دوری کند تو نزدیک کن و چون نسبت به تو درشتی ورزد تو نرمش کن ، و چون نسبت به تو خطایی مرتکب شود ، از او عذر خواهی کن ، به صورتی که گویا تو بنده او هستی و او ولی نعمت تو است ، و مبادا این خوشرفتاری را نا به جا به کارگیری و با کسی که اهل آن نیست چنین رفتار کنی .

امانتداری

از صفات پسندیده هر کس امانتداری اوست . امانت داری به مردم جامعه اعتماد و آرامش می بخشد، وقتی همه به هم اعتماد داشتند و بدبینی ها از میان رفت ، زندگی شیرین می شود و مردم بیش از پیش به یکدیگر کمک می کنند.

از امام کاظم علیه السلام روایت است که به فرزند خود فرمود: یا بنی اءد الاءمانه یسلم لك دنیاك و اخرتك ، و كن اءمینا تكن غنیا . (۴۸۷)

فرزندم ! به کسی که تو را امین شمرده خیانت مکن اگر چه به تو خیانت کرده باشد.

لقمان حکیم به فرزند خود گفت : یا بنی ایاك ان تستدین فتخون من الدین . (۴۸۹)
در راه نیکی و تقوا به یکدیگر کمک کنید، و بر گناه و دشمنی همیاری نداشته باشید.

مرازم بن حکیم از امام صادق علیه السلام نقل می کند که پدرم می فرمود: اذا هممت بخیر فبادر فانك لاتدری ما یحدث . (۴۹۱)
(روزی) پدرم دست مرا گرفت و فرمود: فرزندم ! پدرم محمد بن علی همچنانکه دست تو را گرفته ام دست مرا گرفت و فرمود: پدرم علی بن الحسین (امام باقر علیه السلام) دست مرا گرفت و فرمود: فرزندم ! هر کس از تو کار خیری خواست برایش انجام ده ، اگر او اهل آن باشد تو به مقصود رسیده ای ، و اگر اهلش نباشد، تو خود شایسته و اهل آن خواهی بود.

امام صادق علیه السلام به فرزند خود می فرمود: یا بنی اجعل معروفك فی اءهله و كن فیه طالباً لثواب الله ، و كن مقتصداً ، ولاتمسكه تقتیراً و لاتعطه تبذیراً . (۴۹۳)

فرزندم !... عالم سه نشانه دارد: خداشناس باشد و به آنچه که مورد رضایت و محبت الهی است و آنچه که خداوند ناخوش و ناپسند می دارد، علم داشته باشد.

توضیح: عالم و دانشمندی شایسته همنشینی و معاشرت است و از نظر تربیتی، اخلاق هدایتگری راستین بشمار می آید که خداشناس و خداترس باشد، معرفت او نسبت به خالق هستی موجب شود که به دستوراتش گردن نهد و به واجبات و ارزشهای الهی پایبند باشد و از محرمات و ضدارزشها دوری گزیند و چنین شخصی می تواند الگو اسوه باشد.

بنابراین ما باید فرزندانمان را با چنین عالمان ربانی آشنا سازیم نه هر دانشمندی که فقط مشتی اصطلاحات را در حافظه خود جا داده باشد.

۱ - تشویق به برقرار ساختن رابطه با علما

امام علی علیه السلام در وصیتی به فرزندش امام حسین علیه السلام می فرماید: و من خالط العلماء وقر. (۴۹۰)

فرزندم ! با علما دوست و همنشین شو، در منزلشان به دیدار آنها برو، امید است که به آنان شباهت پیدا کنی و از آنان شوی.

لقمان به فرزندش گوید: جالس العلماء وزاحمهم برکبتیک، فان الله یحیی القلوب بنور الحکمه کمایحیی الاءرض بوابل السماء. (۴۹۷)

فرزندم ! آنچه را که نمی دانی از عالمان بیاموز و آنچه که آموختی به مردم بیاموز.

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتی به فرزندش محمد حنفیه می فرماید: یا بنی اقبل من الحکماء مواعظهم و تدبر احکامهم (۴۹۹)

فرزندم ! حکمت را بیاموز که بوسیله آن شرافت و بزرگی خواهی یافت ؛ زیرا آموختن حکمت نشانگر دینداری آدمی است . و حکمت و معرفت است که بنده را بر آزاد و فقیر و بیچاره را بر ثروتمند برتری می بخشد، و کوچک را بر بزرگ مقدم می دارد، و فقیر را در جای پادشاهان می نشاند و بر شرافت شریفان و عظمت بزرگان می افزاید و توانگران را مجد و بزرگی عطا می کند.

(فرزندم) چه گونه فرزند آدم گمان می کند که نیاز دین و معاش او بدون حکمت برایش آماده و فراهم می گردد، در حالیکه هیچگاه خداوند امر دنیا و آخرت را بدون حکمت بر کسی مهیا نمی کند.

(فرزندم) مثل حکمت بی طاعت و بندگی مثل جسم و پیکر بی جان و زمین بی آب است همانگونه که تن بی روح هیچ سامانی ندارد و هیچ زمینی بدون آب آباد نمی گردد، هیچ حکمتی نیز بدون طاعت و بندگی مؤثر نخواهد بود.

۳ - ترك جدال با علما

لقمان به فرزندش گوید: لا تجادل العلماء فيمقتوك .^(۵۰۱)

تعمق و دور اندیشی پیش از عمل ، تو را از پشیمانی ایمن می دارد.

نیز فرمود: اءى بنى الفکره تورث نورا و الغفله ظلمه والجدال ضلاله .^(۵۰۳)

و هر کس بیندیشد عبرت بگیرد، و هر کس عبرت گیرد گوشه گیر اختیار کند و هر کس در گوشه ای نشیند، (از فتنه های روزگار) در امان بماند.

و نیز فرمود: والطماء نینه قبل الخبره ضد الحزم .^(۵۰۵)

و تو را از شتاب ورزیدن در گفتار یا کردار نهی می کنم ، و اگر با پیشامدی آخرتی روبرو شدی به آن مشغول شو و اگر با امری دنیوی رویارو شدی بدان اقدام

مکن تا درباره آن به نیکویی بیندیشی و
به واقعیت آن واقف شوی .
و نیز فرمود: و من تورط فی الامور بغیر
نظر فی العواقب فقد تعرض للنوائب .^(۵۰۷)
از رفتن راهی که ترس وحشت گمراهی در
آن نهفته است ، خودداری کن . زیرا پرهیز
از ورطه سرگردانی و گمراهی ، بهتر از
گرفتار شدن در مشکلات و در غلتیدن در
گرداب وحشتهاست .

مشکلات زندگی و راه مقابله با آنها

از زمانیکه انسان پا بر کره خاکی گذاشته و خود را شناخته ، همیشه با مشکلات و تلخ کامیهای زندگی دست و پنجه نرم کرده است و گاه بر مشکلات فائق آمده و گاه مغلوب آنها شده است ، آنجا که استقامت و پشتکار داشته ، توانسته بوسیله جدیت و تلاش و کوشش پی گیر به مقصود خویش برسد و کامیاب شود.

پدران و مادران حامل کوله باری از تجربه های متنوع زندگی هستند، آنان سالیان دراز طعم مشکلات و سختی های روزگار را دیده و چشیده اند و با نشیب و فرازهای تلخ و شیرین آن آشنایند.

از این رو اخلاقاً موظف هستند که تجربیات خویش را در اختیار فرزندان بگذارند و آنان را با مشکلاتی که پیش رو دارند و با سرد و گرم زندگی آشنا سازند. با کشانیدن تدریجی و هدایتگر آنها به صحنه های زندگی از سستی و ناز پروردگی نجاتشان دهند.

در این صورت اگر روزی بچه ها با مشکلی ناشناخته و نابهنگام - در هر رابطه که باشد - روبرو شدند، خود را نمی بازند، و ترس و وحشتی به خود راه نمی دهند، بلکه کمر همت بسته و همانند کوهی استوار و صبور می کوشند از آن تنگنا سرافراز بیرون آیند. زیرا تجربه پدر و مادر را به عنوان حربه ای کار آمد در دست دارند و دارای آمادگی قبلی هستند. بر خلاف بچه هایی که نازپرورده رشد یافته اند و هیچ نوع آشنایی با سختی ها و مشکلات ندارند و از این رو به هنگام برخورد با کوچکترین ناملایمات زندگی خود را زود می بازند و اعتماد به نفس خود را از دست می دهند و احساس شکست و ناکامی می کنند.

در برخی روایات به این نکته اشاره شده که گاهی اوقات بچه ها را در کودکی جریمه کنید تا در بزرگی صبور و بردبار بار آید.

صالح بن عقبه گوید: سمعت العبد الصالح يقول: يستحب غرامه الغلام في صغره ليكون حليما في كبره. (۵۰۹)

روایت شده که حضرت ابراهیم علیه السلام به هنگامی که (دست و پای حضرت اسماعیل را بسته) و آماده ذبح او بود به وی فرمود: دعا کن تا برایت گشایشی حاصل شود زیرا اکنون مضطر واقعی تو هستی (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ) چه کسی جز خدا خواسته شخص مضطر را اجابت می کند اگر او را بخواند، پس گرفتاری او را رفع می نماید، در آن حال متوجه قوچ بزرگی شد. بی درنگ از جا حرکت کرد به سوی قوچ رفت، همینکه برگشت دید طناب از دو دست اسماعیل باز شده است با شگفتی پرسید چه کسی دستهایت را باز کراسماعیل گفت: مردی که چنین و چنان نشانه هایی داشت. حضرت ابراهیم فرمود: او جبرئیل بوده است. آیا چیزی به تو گفت؟

اسماعیل پاسخ داد: آری به من گفت: دعا کن زیرا دعای تو اکنون مستجاب است. ابراهیم فرمود: فرزندم چه دعایی کردی؟ اسماعیل گفت: عرض کردم خدایا همه مردان و زنان مؤمن را ببخشای. ابراهیم فرمود: فرزندم (این توفیق الهی بوده و) تو - يك انسان - موفق هستی.

اسماعیل با تسلیم شدن به پدر به رضایت خداوند تن داده است. و در این زمان حساس که به ظاهر هیچ راه نجاتی برای خود نمی بیند، فقط به خداوند توکل کرده و پناه برده است. و خداوند هم هیچگاه بنده ای را که به او پناه برده باشد، -

بخصوص در شرایط حساس - به خود وانمی گذارد و به کمک او می شتابد.

اگر مشکلی داشتی بگو یا رؤف یا رحیم
امام رضا علیه السلام فرمود: راءیت اءبی فی
المنام فقال : یا بنی اذا کنت فی شده
فاءکثر من اءن تقول : یا رؤف یا رحیم
(۵۱۱)

لقمان به فرزندش گفت : فرزندم برای
برآورده شدن حاجات خود از دعا کردن خسته
مشو، زیرا بر آورده شدن حاجات فقط به
دست خدا است که وقت و زمانی خاص دارد،
لیکن با میل و رغبت به درگاه خدا روکن و
حاجاتت را از او بخواه و در حین دعا
انگشتان خود را به سوی او حرکت ده .
در نامه امام علی علیه السلام به فرزند خود
امام حسن مجتبی علیه السلام چنین آمده است : ثم
جعل بیدک مفاتیح خزائنه ، فاءلحج فی
المساءله یفتح لك باب الرحمه بما اءذن
لك فیه من مساءلته فمتی شئت استفتحت
بالدعاء اءبواب خزائنه فاءلحج علیه و
لایقنطك ان اءبطات عنك الاجابه فان العطیه
قدر المساءله ، و ربما اءخرت عنك الاجابه
لیكون اءطول للمساءله ، و اءجزل للعطیه
و ربما ساءلت الشیء فلم تؤته و اوتیت
خیرا منه عاجلا او آجلا ، او صرف عنك لما
هو خیر لك ، فلرب اءمر قد طلبته فیه هلاك
دینك لو اوتیته ... (۵۱۳)

امام سجاد علیه السلام به فرزندان خود می
فرمود: فرزندانم اگر به مصیبتی مبتلا
شدید و یا فقر و حاجتی و یا امری دشوار
بر شما نازل شد یکی از شما برای نماز
وضو بسازد و چهار رکعت یا دو رکعت نماز
بخواند و پس از نماز این دعا را بخواند:
ای محل رسیدگی به شکایات ، ای شنونده هر
سخنی آهسته ، ای شفا دهنده هر ناراحتی و
ای آگاه به هر پنهانی ، و ای برطرف
کننده بلاهایی که اراده می کند، و ای

نجات دهنده موسی و ای برگزیننده محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ای کسی که نیازهای ابراهیم را رفع کردی ، تو را می خوانم همانند کسی که فقر و بیچارگی و گرفتاری اش بسیار شدید شده و نیرویش ضعیف گشته و راه چاره اش کم شده است . می خوانم تو را چون دعای شخص غرق شده و غریب و فقیری که جز تو هیچ راهی و چاره ای برای رفع گرفتاری اش ندارد، ای پرمهرترین مهرورزان . پروردگارا تو منزهی ، این من بودم که ستم روا داشته ام .

آنگاه امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هیچ شخص گرفتاری این دعا را نمی خواند مگر اینکه خداوند در کار او گشایشی پدید خواهد آورد.

داشتن صبر و مقاومت

از دیگر راههای مقابله با مشکلات و گرفتاری ها صبر و پایداری و عقب نشینی نکردن در مقابل مشکلات است .

سعدی گوید:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: لا یعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان . (۵۱۵)

صبر بر مصیبتها از گنجهای ایمان است و نیز فرمود: الصبر جنة من الفاقة . (۵۱۷)

مشکلات و گرفتاری هایی را که به تو روی می آورد، با ایستادگی و یقین خوب از خود دور کن .

محمد بن حوب گوید: امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام به فرزند خود امام محمد باقر چنین وصیت می کرد: یا بنی اصبر للنوائب و لاتتعرض للحتوف و لاتعط نفسك ما ضره عليك اكثر من نفعه عليك . (۵۱۹)

کتمان درد و رنج شکایت به خدا

از مواردی که باید فرزندانمان با آن آشنا شوند، ایستادگی در برابر درد و رنج است. آنان باید تعلیم داده شوند که با اندک ناراحتی و درد و رنجی صبری نشان ندهند و از میدان به در نروند؛ حافظ گوید: با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام نی گرت زخمی رسد آیی چو چنگ اندر خروش امام باقر علیه السلام به فرزند خود حضرت صادق علیه السلام فرمود: یا بنی من کتم بلاء ابتلی به من النای و شکا ذلک الی الله عزوجل کان حقاً علی الله اءن یعافیه من ذلک البلاء. (۵۲۱)

روزی یکی از فرزندان پدرم از درد و رنج، ناله و شکایت می کردند. پدرم از کنارش گذشت و به او فرمود: فرزندم! ده بار بگو یاالله یاالله یاالله، زیرا هرگز هیچ مؤمنی این کلمات را بر زبان نیاورده مگر اینکه خداوند تبارک و تعالی در پاسخ فرموده: بنده من، تو را اجابت کردم حاجتت را بخواه.

پروردگارا مرا شفا بخش

حسن بن ابی نعیم گوید: روزی یکی از فرزندان امام صادق علیه السلام از درد و ناراحتی بیماری شکایت به پدر برد. حضرت به او فرمود: فرزندم بگو: اللهم اشفنی بشفائك و داونی بدوائك و عافنی من بلاءك فانی عبدك و ابن عبدك. (۵۲۳)

بشدت بیمار بودم، پدرم به من فرمود: فرزندم! به چه چیزی میل داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که چیزی را که خدا برایم تدبیر و مقدر کرده به او پیشنهاد ندهم. حضرت فرمود: آفرین بر تو که شبیه ابراهیم خلیل الرحمان شدی، آنگاه که جبرئیل به او گفت آیا حاجتی

داری ؟ پاسخ داد: نه ، چیزی را با پروردگارم در میان نمی گذارم زیرا اوست که مرا کفایت می کند و اوست بهترین وکیل

راضی بودن به قسمت پروردگار امام علی علیه السلام در سفارشی به امام حسین علیه السلام فرمود: و من رضی بقسم الله لم یحزن علی مافته . (۰۲۰)

روش پیامبر و اهل بیت

بهترین راه عملی مبارزه با مشکلات درس آموزی و تجربه اندوزی از سیره عملی معصومین علیهم السلام است . زیرا سیره عملی اهل بیت اطهار مظهر عینی و تجسم یافته تعالیم الهی آن بزرگواران است و مطمئن ترین و آسان فهمترین راه برای کسب تجربه برای مبارزه با سختیهای زندگی است .

الف - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور به خواندن نماز می داد

یوسف بن عبدالله بن سلام گوید: ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم کان اذا نزل بآءهله شده امرهم بالصلاه ثم قراء و امر آءهله بالصلاه و اصطر علیها . (۰۲۷)

روش پیامبر این بود که هرگاه مشکلی گریبانگیر خانواده او می شد ندا می داد: نماز بخوانید نماز بخوانید.

ب - روش امیر مؤمنان علیه السلام قال زین العابدین علیه السلام : ما آءصیب آءمیر المؤمنین بمصیبه الا صلی فی ذلك الیوم الف رکعه و تصدق علی ستین مسکینا و صام ثلاثه ایام و قال لآءولاده اذا آءصبتم بمصیبه فافعلوا بمثل ما آءفعل فانی راءیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هكذا یفعل فاتبعوا اثر نبیکم ولا تخالفوه فیخالف الله بکم ان الله تعالی یقول و لمن صبر و غفر ان ذلك لمن

عزم الامور. ثم قال زين العابدين عليه السلام فما زلت اءعمل بعمل اميرالمؤمنين عليه السلام. (۵۲۹)
به از دست رفته ها تاءسف نخوريد و به آنچه خدا به شما مي دهد شادمان (و مغرور) نگريد.
دنيا دريائي است ژرف و غرق شدگان آن

...

امام كاظم عليه السلام به هشام فرمود: هشام !
لقمان به پسرش گفت : يا بنى ان الدنيا بحر عميق قد غرق فيه عالم كثير، فلتكن سفينتك فيها تقوى الله و حشوها الايمان و شراعها التوكل و قيمها العقل و دليلها العلم ، وسكانها الصبر. (۵۳۱)
اي پسر دلبندم ! دنيا دريائي است ژرف و جهاني بسيار در آن غرقه اند، بايد كشتي تو در اين دريای ژرف تقوای الهی و درونش مالا مال از ايمان باشد. و بادبانش توكل و ناخدايش خرد و راهنمايش دانش و لنگرش صبر. پس اگر نجات يافتی در پرتو لطف و رحمت خدا بوده و اگر هلاك شدی نتیجه و كيفر گناهانت بوده است .

فريب دنيا پرستان را نخور
على عليه السلام در وصيتي به فرزند خود امام حسن مجتبي عليه السلام فرمود: بپرهيز از اينكه فريب كسانى را بخورى كه مى بينى به دنيا تكيه كردند و بر سر آن (چون درندگان) همديگر را مى درند، بدان كه اهل دنيا چون سگان ولگرد و درندگان خونخوارند كه بر يكديگر چنگ و دندان نشان مى دهند. زور مندشان ، ضعيفشان را مى درد، و بزرگشان ، كوچكشان را مى خورد. دنيا اهل خود را از راه هدايت و اعتدال بيرون برده و گمراه ساخته است . در نتيجه دنيا پرستان در حيرت و بهت زدگى فرو رفته اند و در فتنه دنيا عرق شده اند.

آنان دنیا را پروردگار خود ساخته (و به پرستش آن پرداخته اند) در حالیکه دنیا آنان را به بازیچه گرفته و اینان نیز بازی خورده دنیا هستند. در نتیجه ماورای دنیا را به فراموشی سپرده اند. پسر جانم! مبادا عیوب و زشتی های فراوان دنیا تو را بد سیرت سازد. اهل دنیا بمنزله چهارپایانی هستند که عده ای از آنان بسته و اهلی هستند و دسته ای دیگر وحشی و رها شده. عقول (دنیا پرستان) گمراه گشته است و سوار بر مرکب چموش جهل و نادانی در بیابان ناهموار و بیراهه سر به چرا داده اند.

متحیر و سرگردان و آفت زده اند. در صحرای سنگلاخ و بی نهایت جانفرسا رهایند بی شبان و راهبری که آنان را سرپرستی و هدایت کند، آرام آرام پیش می روند تا در پرده تاریکی و ظلمت محض فرو روند. و نزدیک است که آنکه شتاب ورزیده، از راهش برگردد.

فرزندم! بدان کسیکه مرکب شب و روز است، (زمان بر او چیره و حکمفرماست) خواه ناخواه او را می برند گرچه خود نخواهد و خدا جز ویرانی دنیا و آبادانی آخرت را اراده نکرده است. (۵۳۳)

فرزندم! از دنیا و گناهان و از شیطان در عرصه دنیا هرگز ایمن مباش. دنیا را تکیه گاهت قرار مده

امام صادق علیه السلام می فرماید: از مواعظی که لقمان به فرزند خود داشت این بود: یا بنی لاترکن الی الدنیا و لاتشغل قلبک بها، فما خلق الله خلقا هو اءهون علیه منها، اءلاتری انه لم يجعل نعيمها ثوابا للمطيعین و لم يجعل بلاءها عقوبه للعاصین. (۵۳۵)

فرزندم ! مبادا بر آرزوها تکیه کنی که آن کالای احمقان و باز دارنده آدمی از راه آخرت است .

هشدار امام زین العابدین علیه السلام
امام سجاد علیه السلام در سفارشی به فرزند خود امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: و اعلم ان الساعات تذهب عمرک و انک لاتنال نعمه الا بفراق اءخرى ، فیاک و الاءمل الطویل ، فکم مؤمل اءملا لایبلغه و جامع مال لایاءکله و مانع ماءسوف یترک ، لعله من باطل جمعه و من حق منعه اءصابه حراما و ورثه ، احتمال اصره و باء بوزره ذلک هو الخسران المبین . (۵۳۷)

فرزندم ! در امور دنیا آنچنان وارد مشو که به آخرت ضرر بزند و آن چنان هم امور دنیا را کنار مگذار که سربار دیگران باشی (هم از نعمت های دنیا استفاده کن تا سربار دیگران نشوی و هم به آن دل میند).

دنیا فزونی مکن زیرا از ضرر آن ...
و نیز فرمود: و لاتکثر من الدنیا فانک علی غفله منها وانظر الی ما تصیر منها . (۵۳۹)

فرزندم ! دنیا را زندان خود قرار ده تا آخرت بهشت تو باشد.

همچنین به فرزند خود گوید: یا بنی بع دنیاک بأخرتک تربحهما جمیعا و لاتبع آخرتک بدنیاک تخسرهما جمیعا . (۵۴۱)

سخنان ابن طاووس در مراسم تکلیف فرزندش

سید ابن طاووس وقتی فرزندش محمد پا به سن شانزده سالگی گذاشت ، نخست منجمی خواست تا ساعت ولادت فرزندش را معین کند . پس از روشن شدن لحظه ولادت محمد خدا را شکر کرد و با فرزندش آغاز به سخن گفتن نمود .

سید با بیانی ساده و شیوا و با تشبیهی رسا و جالب توجه مسؤولیت انسان مکلف را بیان کرد. او گفت: انسانی که به سن تکلیف رسیده چون بنده زرخریدی است که برای مولای خود پست ترین کارها را می کرده است. لیکن تصمیم مولای او برای آن است که بنده اش را از آن حالت پست به مقام پادشاهی و بزرگی برساند، و کلیدهای مملکت را به او بسپارد. حال خداوند این بنده را به درگاهش دعوت کرده تا به او احسان کند و کلیدهای دنیا و آخرت را به او بسپارد و کلید کاخهای بهشت را به او هدیه کند. (۵۴۳)

گله ابن طاووس از پدران و مادران سید ابن طاووس در نوشته نفیس خود از پدران و مادران چنین گله می کند:

تا آنجا که دیده و شنیده ایم اگر کسی به پادشاهی کشوری برسد و یا ولایتی و سمتی و مسؤ ولیتی به او واگذار شود... آن روز را بسیار گرامی می دارد و آن لحظه فراموش نشدنی را ثبت می کند که هیچگاه از یادش نرود. بلکه آن روز را روز شادی خود و نزدیکانش قرار می دهد، ولی شگفتا چرا روز تکلیف، روزی که انسان به مقام قرب عبودیت راه می یابد و مسؤ ولیت سنگین تکلیف را عهده دار می شود، باید مورد بی توجهی و بی حرمتی قرار گیرد و آنچنان به این روز بی اعتنایی شود که به صورت يك روز بی نام و نشان قلمداد گردد.

و من تاکنون نشنیده ام کسی برای این روز بسیار بزرگ و فراموش نشدنی ارزشی قائل شده باشد و حق چنین روزی را ادا کرده باشد و یا برای از دست رفتن چنین روزی، لحظه ای غصه خورده باشد. از اینرو خود و فرزندان و دوستانم را سفارش

می کنم که حق چنین روزی را ادا کنند و در بزرگداشت و احترام آن بکوشند. (۵۴۰)

از حقوقی که فرزند بر پدر دارد سه چیز است: نام نیکی برای او انتخاب نماید؛ و خواندن و نوشتن یادش دهد؛ و چون به سن بلوغ برسد همسری برایش انتخاب کند.

ب - انتخاب همسر خوب و صالح گرفتن همسر برای فرزندان حق است، اما انتخاب همسری خوب وظیفه است. والدین که سرد و گرم زندگی را چشیده اند و در امر ازدواج و پیچ و خم مسائل آن تجارب بسیاری کسب کرده اند، موظفند که هر گونه سهل انگاری و ساده نگری به امور مربوط به ازدواج را کنار بگذارند و به مال و ثروت و معیارهای ظاهری چشم ندوزند و فرزندان را قربانی خواسته‌های زودگذر خود ننمایند، بلکه با دقتی شایسته معیارهای اصیل اسلامی را در نظر بگیرند. و از اخلاق و رفتار و تدین طرف مقابل بخوبی مطلع شوند. زیرا بی توجهی به این مسائل لطمه‌ها و ضررهای جبران ناپذیر بر زندگی فرزندان وارد می‌کند. و به این ترتیب ازدواج‌هایی صورت می‌گیرد که خود مقدمه مشکلات انبوهی می‌گردد و همسر به جای آنکه آرامش بخش و زندگی به جای آنکه شیرین و توأم با رضایت خدا باشد به عوامل رنج و شکنجه و بدبختی مبدل می‌گردد. اینک به برخی از ویژگیهای همسر خوب اشاره می‌کنیم:

۱ - صالح و درستکار باشد

مردی دست فرزندش را گرفته به حضور رسول خدا ﷺ رسید و پرسید: ما حق ابنی هذا؟ قال: تحسن اسمه و اءدبه و تضعه موضعا حسنا. (۵۴۷) مرحوم ابن فهد حلی آمده است) این باشد که برای فرزندت همسر صالحی انتخاب کن.

۲ - خدا ترس و پرهیزگار باشد

جاء رجل الى الحسن عليه السلام يستشير في تزويج ابنته؟ فقال زوجها من رجل تقى فانه ان احبها اكرمها و ان ابغضا لم يظلمها. ^(٥٤٩) دخترت را به همسری کسی در آور که خدا ترس باشد.

طبیعی است که تقوا دارد و خداترس است ، همیشه خود را در حضور خدا می بیند لذا هیچگاه به خود اجازه نمی دهد که با ظلم به دیگری به غرقاب گناه بیفتد، و با اذیت و آزار و یا رنجش همسر خود که امانتی در دست اوست ، خود را به غضب و خشم الهی دچار سازد. انسانهای متقی و خداترس صبورند و مشکلات را با صبر و بردباری پشت سر می گذارند. همچنین مهربان و با گذشت هستند و اگر احیانا از اعمال و گفتار همسرانشان ، ناراضی و خشمگین شوند با بزرگواری عفو و بخشش می کنند. و با رفتار و گفتار پسندیده همسرشان را متوجه خطا و کار زشت خود می نمایند.

۳-۴- با دین و امانت دار باشد

امیر مؤمنان عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله چنین روایت می کند: اذا اءتاكم من ترضون دینه و امانته فزوجوه ، فان لم تفعلوا تكن فتنه في الاءرض و فساد كبير. ^(٥٥١) به امام باقر عليه السلام نوشتم ، مردی از دختر من خواستگاری کرده است . امام عليه السلام در پاسخ نوشتند: هر کسی از دختر شما خواستگاری کرد از دیانت و امانت داریش راضی بودید و مورد پسند شما بود، هر که می خواهد باشد دخترتان را به ازدواج او در آورید، و اگر اقدام نکنید روی زمین فتنه و فساد بزرگی در جامعه پدید خواهد آمد.

در این دو روایت بر سه نکته اساسی و يك ثمره تلخ تاءکید شده است که قابل

توضیح و دقت است . نخست آنکه همسر دیندار باشد و دینداری او مورد پسند واقع شود زیرا دین بعنوان يك عامل کنترل کننده . فرد را در کنترل خود دارد و مانع تجاوز او از حدود الهی می گردد و نمی گذارد پای مرد به کارهای خلاف کشیده شود که مقدمه از هم گسسته شدن کانون گرم خانواده شود. این آدم خالی از تعهد و تدین است که به هیچ اصولی پایبند نیست نه به اصول خانواده و نه به اصول اجتماع . هر گاه و هر وقت خواست به منزل می آید، به خود اجازه می دهد که به هر عمل زشتی آلوده شود و گاه هم ممکن است سر از زندان در آورد. زیرا یا با سوداگران مرگ همکاری داشته و یا دست به دزدی زده و یا به منکرات و فساد روی آورده است و همین امور موجب می شود که کانون گرم خانواده متلاشی شود و دختر شما آواره گردد.

دوم : آنکه مرد باید امانتدار باشد. يك انسان خائن هیچگاه نمی تواند همسر خوبی برای دختر شما و پدری برای بچه های خود باشد. زیرا يك فرد بی مسؤ ولیت و خیانتکار نمی تواند با دید امانتداری به خانواده خود بنگرد. اما اگر با نگاه امانتداری به خانواده خود نگاه کند زن و فرزندش بخوبی مراقبت و محافظت می کند و می کوشد در پاسداری از این امانتهای الهی کوتاهی نکند علاوه بر این که يك انسان امانتدار در جامعه به خوش نامی و شهرت مطلوبی نائل می شود و همین نیز افتخاری برای خانواده او است .

نکته دیگری که در روایت امیر مؤ منان علیه السلام به چشم می خورد جمله کائنا ما کان است ، حضرت فرمود: همسر باید دیندار و امانتدار باشد حال هر که می خواهد باشد. یعنی چه فقیر باشد و چه ثروتمند چه شغل پردرآمدی داشته باشد یا چنین نباشد، چه

خوشرو و زیبا باشد و چه سیه چهره و نازیبا، پدرش پولدار باشد یا تنگدست و بی چیز، هیچ يك از این عناوین ظاهری مدخلیتی در اصل شایستگی شخص برای ازدواج ندارد ثمره تلخی که در پایان دو روایت مذکور به آن اشاره شده این است که اگر شما داماد دیندار و امانتدار را رد کنید و دخترتان را به ازدواج چنین شخصی در نیاورید به فتنه ها و فسادهای اجتماعی دامن زده اید. شاید مقصود این باشد که وقتی شما ملاک ایمان و امانتداری را از نظر دور داشتید، قهرا انسانهای متدین و شایسته کنار زده می شوند و انسانهای فاسد و لابیالی و خیانتکار جای آنان را می گیرند در این صورت خانواده ای با معیارهای غیر اسلامی و غیر انسانی شکل خواهد گرفت و اگر چنین شود مفسد بزرگتری در پی خواهد داشت و همسر ناشایست و بی مسؤ ولیت به راحتی با سرنوشت خانواده بازی خواهد کرد و آن را به آمال باطل خود آلوده خواهد نمود، آری :

گندم از گندم بروید جو ز جو.

اخلاق نيك داشته باشد

عن علي عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : اذا جاءكم من ترضون خلقه و دينه فزوجوه . قلت يا رسول الله صلى الله عليه وآله و كان دنيا في نسبه ؟! قال : اذا جاءكم من ترضون خلقه و دينه فزوجوه الا تفعلوه تكن فتنه في الاءرض و فساد كبيره . (۰۰۳)

علی بن اسباط نامه ای به حضرت امام باقر علیه السلام نوشت و مسأله ازدواج دخترانش را مطرح ساخت که کسی همانند خود و هم پایه خود نمی یابد. امام علیه السلام در جواب نوشت : مقصودت را از آنچه که درباره دخترانت برایم نوشته بودی و اینکه کسی را همانند خودت پیدا نمی کنی دریافتم . خداوند تو را رحمت کند. در این باره فراوان میندیش زیرا پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: اگر کسی به خواستگاری آمد که اخلاق و دیانت او مورد رضایت و پسند شما بود دخترتان را به همسری او در آورید و اگر اقدام نکنید هر آینه فتنه و فساد بزرگی در جامعه پدید خواهد آمد.

۶- فقر را بهانه قرار ندهید

فقر و غنا دست خداست . علاوه بر این که ثروت خوشبختی نمی آورد و آنچه اساس خوشبختی و آرامش زندگی را فراهم می کند ایمان زن و مرد است .

و در فقه الرضا چنین آمده است : ان خطب اليك رجل رضيت دينه و خلقه فزوجوه و لايمنعك فقره و فاقته . قال الله تعالى : و ان يتفرقا يغن الله كلا من سعته و قال : ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم . (۰۰۰)

کسی که دخترش را به مخالف دین خود تزویج کند، هر آینه پیوند خویشاوندی او را از خود بریده است .

د - پرهیز از وصله ناهمرنگ
روایات بسیاری از پیامبر ﷺ و ائمه
هدی ﷺ حاکی از این است که پدر هشیار
باشد و دختر خود را به فرد شرابخوار،
فاسق ، فاجر، تندخود و بدخلق و لایالی
و... ندهد که آثار شوم و عواقب بدی در
پی خواهد داشت .

به شارب الخمر زن ندهید
رسول خدا ﷺ فرمود: من شرب الخمر بعد
ما حرمها الله فليس بآهل اءن يزوج اذا خطب
(۵۰۷).

هر کس دختر خود را به شرابخوار تزویج
کند رحمش را قطع کرده است .
به فاسق دختر ندهید

رسول گرامی می فرمود: من زوج کریمته
بفاسق نزل علیه کل یوم الف لعنه و لایصعد
له عمل الی السماء و لایستجاب له دعاؤ ه
و لایقبل منه صرف و لاعدل (۵۰۹).

هر که دختر خود را به همسری فاسق در
آورد نسل او و رحم او را قطع کرده است .
به بد اخلاق دختر ندهید گرچه فامیل
باشد

صدوق به اسناد خود از یعقوب بن یزید
از حسین بن بشار واسطی نقل می کند که
گفت : کتبت الی اءبی الحسن الرضا ﷺ :
ان لی قرابه قد خطب الی و فی خلقه سوء
قال : لا تزوجه ان کان سیء الخلق (۵۱۱).
با زنان خود در امور مربوط به
دخترانشان مشورت کنید .

مشورت با دختر در امر ازدواج

و از دیگر مسائل مهمی که باید پدر در انتخاب همسر برای فرزند خود مد نظر داشته باشد مشورت با فرزند است. او باید نظر فرزندش را در مورد همسر آینده اش جویا شود، بخصوص در مورد دختران تاءکید بیشتری رفته است که نظر آنان را بخواهد.

پیامبر ﷺ و مشورت با فاطمه زهرا عليها السلام از عطاء بن رباح نقل شده که گفت: لما خطب علی فاطمه اءتاها رسول الله ﷺ فقال: ان علیا قد ذکرك ، فسکتت فخرج فزوجها. (۵۶۳)

اگر هر يك از شما بخواهد دختر خود را شوهر دهد نخست با دختر مشورت نماید. پیامبر فرمود: تستاءمر الاءیم فی نفسها قالوا: فان البکر تستحی قال: اذنھا صماتها. (۵۶۵)

ابن ابی یعفور از دست پدر و مادرش به امام صادق عليه السلام شکایت برد و عرض کرد: من می خواهم با زنی ازدواج کنم. اما پدر و مادرم مخالف هستند و زن دیگری را در نظر دارند.

امام فرمود: با همان زنی ازدواج کن که خود می خواهی، و آن را که پدر و مادرت در نظر دارند رها کن.

ح - تعجیل در امر ازدواج دختر رسول خدا فرمود: حق الولد علی والده... اذا کان انثی... یعجل سراحهاالی بیت زوجها. (۵۶۷)

فرزندت را از پنج شغل برحذر بدار و بهر شغل دیگری که خواستی بگمار.

او را پیش صراف مفرست، زیرا صراف از ربا در امان نیست، نزد کفن فروش مفرست زیرا کفن فروش بسیار خرسند می شود که

وبا (و بیماریها) بیشتر شود (تا مرگ و میر زیاد شود و کفنه‌های بیشتری به فروش برساند.) پیش فروشنده مواد غذایی مفرست زیرا فروشنده مواد غذایی از احتکار ایمن نخواهد بود.

همچنین پیش قصاب مفرست زیرا (در اثر سر بریدن مکرر حیوانات) رحم و عاطفه از او رخت بر بسته است و نیز نزد برده فروش مگذار زیرا پیامبر فرمود: پست‌ترین مردم کسی است که انسانها را خرید و فروش کند. و در حدیثی که از حضرت امام موسی بن جعفر (۰۶۹)

کمک های مالی به فرزندان

فرزندان پاره تن آدمی هستند، پس کمک به آنان کمک به خویشتن است و دریغ کردن از کمک مالی به آنان عوارض ناگوار روحی و روانی را به دنبال دارد که قابل جبران نیست و گاه موجب سرافکنندگی آنان پیش دوستان و جامعه می شود. البته در کمک مالی هم نباید راه افراط پیمود که ممکن است موجب فساد و تباهی فرزندان گردد.

ابو هریره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: تصدقوا فقال رجل عندي دينار؟ قال: اءنفقه او تصدق به علی نفسك، قال عندي دينار آخر قال: تصدق به علی امراءتك، قال عندي دينار آخر قال: تصدق به علی ولدك. قال عندي دينار آخر. قال: اءنت اءبصر به (۵۷۱).

اگر وارثان و بازماندگان را پس از خود بی نیاز گردانی بهتر از آن است که آنها را فقیر و محتاج دیگران و سربار جامعه رها کنی. پیامبر بزرگوار اسلام درباره مردی از انصار که هنگام مرگش پنج یا شش بنده خود را آزاد کرد و جز آنها چیزی نداشت و چیزی برای فرزندان خردسالش بجا نگذاشت، فرمود: لو اعلمتمونی اءمرهم ما ترکتم تدفنونه مع المسلمین، ترک صبیہ صغارا یتکفون الناس.

اگر وضعیت او را به من اعلام کرده بودید نمی گذاشتم او را در گورستان مسلمانان بخاک بسپارید چند کودک خرد سال باقی گذاشته تا از مردم گدایی کنند.

پاورقی ها

- ۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۴.
- ۲- فرقان (۲۶) آیه ۷۴.
- ۳- كهف (۱۸) آیه ۴۶.
- ۴- انفال (۸) آیه ۲۸ و تغابن (۶۴) آیه ۱۵.
- ۵- انبياء (۲۱) آیه ۸۹.
- ۶- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲، به نقل از دعوات راوندی.
- ۷- یعنی دعایش در حق والدین مستجاب است.
- ۸- كنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۸۱.
- ۹- مكارم الاخلاق، ص ۴۲۱.
- ۱۰- مكارم الاذلاق، ص ۲۱۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۳؛ كنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۳.
- ۱۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲.
- ۱۲- مكارم الاخلاق، ص ۲۲۰.
- ۱۳- كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۳.
- ۱۴- عده الداعی، ص ۷۹.
- ۱۵- عده الداعی، ص ۷۸؛ كنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۸۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۲، با اندکی تفاوت.
- ۱۶- عده الداعی، ص ۷۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۸ و ۲۰۱؛ مكارم الاخلاق، ص ۲۱۹.
- ۱۷- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۰.
- ۱۸- كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۷۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۹.
- ۱۹- كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۴.
- ۲۰- مكارم الاخلاق، ص ۴۲۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۸.
- ۲۱- كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۲.
- ۲۲- مكارم الاخلاق، ص ۲۲۰.
- ۲۳- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۳۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۷.
- ۲۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۸.
- ۲۵- تحف العقول، ص ۱۴.
- ۲۶- كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۷.
- ۲۷- فرهنگ جامع، ج ۱، ص ۴۵.
- ۲۸- كنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۹۹.
- ۲۹- امر اءن يفعل ذلك بالحسن والحسين و اءن یقرأ مع الاءذان فی اذنهما فاتحه الكتاب و آیه الكرسی و آخر سورة الحشر. و سورة الاخلاص والمعوذتان.
- ۳۰- مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۷.
- ۳۰- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۳۸.

- ٣١- مقصود از اين تعبير زدن انگشت سبابه به تربت امام حسين (عليه السلام) يا خرما يا... و سپس زدن آن به كام نوزاد است .
- ٣٢- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٣٩ .
- ٣٣- وسائل الشيعه ، ج ١٧ ، ص ٢١٢ .
- ٣٤- مستدرک الوسائل ، ج ١ ، ص ١٣٩ .
- ٣٥- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٣٨ و ج ١٧ ، ص ١٨ ؛ تحف العقول ، ص ١٢٠ .
- ٣٦- همان مدارك .
- ٣٧- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٣٦ ؛ وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٦٥ ، با اندكى تفاوت ؛ مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٤٩ .
- ٣٨- تحف العقول ، ص ١١٩ .
- ٣٩- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٦١ .
- ٤٠- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٤٢ .
- ٤١- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٦٩ .
- ٤٢- همان ، ج ١٥ ، ص ١٥٩ .
- ٤٣- وسائل الشيعه ، ج ١ ، ص ١٣٣ .
- ٤٤- كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٢١٠ .
- ٤٥- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٣١ ؛ كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٢١٦ و ٤٣٣ .
- ٤٦- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٤٠ .
- ٤٧- بحارالانوار، ج ٤٣ ، ص ٢٥٦ .
- ٤٨- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٤٣ .
- ٤٩- بحارالانوار، ج ٤٣ ، ص ٢٥٧ .
- ٥٠- همان ، ص ٢٥٧ - ٢٥٦ .
- ٥١- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٤٦ .
- ٥٢- محمد جواد طبسى ، حياة الامام العسكرى ، ص ٨٠ .
- ٥٣- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٤٢ .
- ٥٤- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٤٦ .
- ٥٥- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٤٦ .
- ٥٦- بحارالانوار، ج ٤٣ ، ص ٢٥٧ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٤٣ .
- ٥٧- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٤٦ .
- ٥٨- بحارالانوار، ج ٤٣ ، ص ٢٥٧ .
- ٥٩- بحارالانوار، ج ٤٣ ، ص ٢٥٧ .
- ٦٠- كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٢١٢ .
- ٦١- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٣٤ .
- ٦٢- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٢٧ .
- ٦٣- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٧٧ .
- ٦٤- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٢٢ .
- ٦٥- همان ، ص ١٢٦ .
- ٦٦- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٣٠ .
- ٦٧- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٢٨ .
- ٦٨- عده الداعى ، ص ٧٨ .

- ٦٩- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤١٧ .
- ٧٠- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٢٥ .
- ٧١- عده الداعي ، ص ٧٧ .
- ٧٢- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٢٦ .
- ٧٣- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٢٢ .
- ٧٤- مجموعه ورام ، ص ٢٦ .
- ٧٥- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٢٧ .
- ٧٦- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٢٧ ؛ كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤١٨ .
- ٧٧- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤١٨ .
- ٧٨- مكارم الاخلاق ، ص ٢٥ .
- ٧٩- وسائل الشيعة ، ج ١٢ ، ص ١٩ .
- ٨٠- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤١٨ .
- ٨١- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٣٠ ؛ محمدرضا طبسى ، در الاءخبار ، ص ٢ ، ص ١٠٣ .
- ٨٢- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٢٩ .
- ٨٣- همان ، ص ١٢٨ .
- ٨٤- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٢٩ ، (آل عمران (٣) آيه (٣١) .
- ٨٥- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٢٩ .
- ٨٦- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٢٥ .
- ٨٧- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٢٠ .
- ٨٨- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ٢٠٠ .
- ٨٩- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٥٩٢ .
- ٩٠- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٣٠ .
- ٩١- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٢٦ .
- ٩٢- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٢٨ ؛ بحارالاءنوار ، ج ٤٨ ، ص ١٩ و ٤٨ .
- ٩٣- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٢٨ .
- ٩٤- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٥٩٦ .
- ٩٥- همان ، ص ٥٩١ .
- ٩٦- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٥٩١ .
- ٩٧- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٢٤ .
- ٩٨- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٢٩ ؛ كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٢٣ .
- ٩٩- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤١٩ .
- ١٠٠- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٧٥ .
- ١٠١- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٥٦ .
- ١٠٢- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٥٦ ، به نقل از صحيفه الرضا ، ص ٤٢ .
- ١٠٣- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٧٥ .
- ١٠٤- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٦٢ .
- ١٠٥- محمد رضا طبسى ، درالاءخبار ، ج ٢ ، ص ١٠٥ .
- ١٠٦- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٦٢ .

- ۱۰۷- مردان علم در میدان عمل ، ج ۱ ، ص ۴۱۱ ؛
 درالاءخيار، ج ۲ ، ص ۱۰۶ .
- ۱۰۸- نحل (۱۶) آیه ۵۸ .
- ۱۰۹- همان ، آیه ۵۹ .
- ۱۱۰- مكارم الاخلاق ، ص ۲۱۹ .
- ۱۱۱- كهف (۱۸) آیه ۸۱ .
- ۱۱۲- عده الداعی ، ص ۸۰ .
- ۱۱۳- وسائل الشيعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۰۰ ؛ فروع كافی ، ج ۲ ، ص ۹۵ .
- ۱۱۴- مكارم الاخلاق ، ص ۲۲۱ .
- ۱۱۵- مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۱۸ ؛ كنزالعمال ، ج ۱۶ ، ص ۴۴۸ .
- ۱۱۶- كنزالعمال ، ج ۱۶ ص ۴۵۲ .
- ۱۱۷- كنزالعمال ، ج ۱۶ ، ص ۴۴۷ ؛ كتاب العيال ، ج ۱ ، ص ۲۳۴ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۱۸ .
- ۱۱۸- عده الداعی ، ص ۸۰ .
- ۱۱۹- علی قائمی ، نقش مادر در تربیت ، ص ۹۵-۹۱ ؛ محمد تقی فلسفی ، گفتار فلسفی ، ج ۱ ، ص ۲۶۵ ، با تلخیص .
- ۱۲۰- شيخ حر عاملی ، الجواهر السنیه ، ص ۷۱ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۱۴ .
- ۱۲۱- ثواب الاعمال ، ص ۱۸۲ وسائل الشيعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۰۱ ؛ عده الداعی ، ص ۷۸ ؛ مكارم الاخلاق ، ص ۲۱۹ .
- ۱۲۲- مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۲۱۵ .
- ۱۲۳- كتاب العيال ، ج ۱ ، ص ۳۱۵ .
- ۱۲۴- وسائل الشيعه ، ج ۱۸ ، ص ۵۵۷ .
- ۱۲۵- گفتار فلسفی ، ج ۱ ، ص ۲۷۷ .
- ۱۲۶- بحارالانوار، ج ۴۳ ، ص ۲۹۴ ؛ كتاب العيال ، ج ۱ ، ص ۳۸۳ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱ ، ص ۴۳۳ ، با کمی تفاوت .
- ۱۲۷- كتاب العيال ، ج ۱ ، ص ۳۸۱ ؛ الامام الحسين ابن عساكر، ص ۸۵ ، با کمی تفاوت .
- ۱۲۸- بحارالانوار، ج ۴۳ ، ص ۲۸۳ و ۲۹۵ ؛ كتاب العيال ، ج ۱ ، ص ۳۷۹ و ۴۰۱ ؛ وسائل الشيعه ، ج ۲ ، ص ۱۰۰۸ .
- ۱۲۹- كتاب العيال ، ج ۱ ، ص ۳۹۱ .
- ۱۳۰- بحارالانوار، ج ۴۳ ، ص ۲۹۶ .
- ۱۳۱- کلماتی است که برای تند رفتن شتران به کار می برند .
- ۱۳۲- كتاب العيال ، ج ۱ ، ص ۳۸۰ .
- ۱۳۳- همان ، ج ۱ ، ص ۴۰۳ .
- ۱۳۴- همان ، ج ۱ ، ص ۳۹۸ .
- ۱۳۵- كتاب العيال ، ج ۱ ، ص ۳۹۴ .
- ۱۳۶- مكارم الاخلاق ، ص ۲۵ .

- ١٣٧- رابطه دوستی و محبت ، ص ١٧١ به نقل از محجه البيضاء، ج ٣، ص ٣٦٦.
- ١٣٨- گفتار فلسفی ، ج ١، ص ٢٧٤.
- ١٣٩- سيد مهدي شمس الدين ، اخلاق اسلامي ، ص ٣٠.
- ١٤٠- مناقب ابن شهر اشوب ، ج ٣، ص ٣٨٩.
- ١٤١- وسائل الشيعه ، ج ١٥، ص ١٩٤ و ٢٠٢؛ عده الداعي ، ص ٧٩.
- ١٤٢- كنز العمال ، ج ١٦، ص ٤٤٥.
- ١٤٣- اشاره به آيه شريفه من جاء بالحسنه فله عشر امثالها: انعام (٦) آيه ١٦٠.
- ١٤٤- مكارم الاخلاق ، ص ٢٢٠؛ وسائل الشيعه ، ج ١٥، ص ٢٠٣.
- ١٤٥- كتاب العيال ، ج ١، ص ٣٣٨.
- ١٤٦- مناقب ابن شهر اشوب ، ج ٣، ص ٢٣٤.
- ١٤٧- بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٢٨١.
- ١٤٨- وسائل الشيعه ، ج ١٥، ص ٢٠٢.
- ١٤٩- كتاب العيال ، ج ١، ص ٣٤٠؛ وسائل الشيعه ، ج ١٥، ص ٢٠٣.
- ١٥٠- وسائل الشيعه ، ج ١٥، ص ٢٠٣.
- ١٥١- همان مدرک .
- ١٥٢- كتاب العيال ، ج ٢، ص ٧٩٧؛ بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٢٨٥، با اندکی تفاوت .
- ١٥٣- مجموعه ورام ، ص ٨٠.
- ١٥٤- عن يعلى العامري انه خرج من عند رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) الى طعام دعى اليه فاذا هو بحسين (عليه السلام) يلعب مع الصبيان فاستقبل النبي امام القوم ثم بسط يديه فطفر الصبي هاهنا مره و هاهنا مره و جعل رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) يضحكه حتى اءخذه فجعل احدى يديه تحت ذقنه والاخرى تحت قفاه و وضع فاه على فيه و قلبه ... مستدرک الوسائل ، ج ١٥، ص ١٧٦؛ بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٢٧١.
- ١٥٥- عن على (عليه السلام) قال بينما الحسن والحسين يصطرعان عند النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) فقال النبي هي يا حسن فقلت يا رسول الله تعين الكبير على الصغير فقال رسول الله جبرئيل يقول هي يا حسين و اءنا اءقول هي يا حسن . بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٢٦٣ و ٢٩١؛ الامام الحسين ابن عساكر، ص ٨٠، مناقب ج ٣، ص ٣٩٣.
- ١٥٦- مكارم الاخلاق ، ص ٢١٩؛ وسائل الشيعه ، ج ١٥، ص ٢٠١.
- ١٥٧- امالى صدوق ، ص ٣٧٦.
- ١٥٨- عده الداعي ، ص ٧٥؛ وسائل الشيعه ، ج ١٥، ص ٢٠٢.
- ١٥٩- كنز العمال ، ج ١٦، ص ٤٤٥؛ مكارم الاخلاق ، ص ٢٢٠ (با اندکی تفاوت .)

- ١٦٠- وسائل الشيعة ، ج ١٣ ، ص ٣٤٤؛ مستدرک الوسائل ، ج ٢ ، ص ٦٢٦ .
- ١٦١- عن الحسن قال : بينا رسول الله يحدث اصحابه اذ جاء صبي حتى انتهى الى ابيه في ناحيه القوم فمسح رءسه واءقعه على فخذة اليمنى قال فلبث قليلا فجاء ابنه له حتى انتهت ليه ، فمسح رءسها واءقعه في الارض ، فقال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) فهلا على فخذك الاخرى ، فحملها على فخذة الاخرى فقال : الان عدلت . كتاب العيال ، ج ١ ، ص ١٧٣ .
- ١٦٢- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٤٥ .
- ١٦٣- مكارم الاخلاق ، ص ٢٢٠؛ وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ٢٠٤ .
- ١٦٤- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٤٤؛ كتاب العيال ، ج ١ ، ص ١٧٢ .
- ١٦٥- همان مدارك ، ص ٤٤٦ .
- ١٦٦- كتاب العيال ، ج ١ ، ص ١٧٥ .
- ١٦٧- كتاب العيال ، ج ١ ، ص ١٧٦ .
- ١٦٨- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٩٥؛ مكارم الاخلاق ، ص ٢٢٢ .
- ١٦٩- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٩٨ و ج ٦ ، ص ٥٠٣؛ عده الداعي ، ص ٧٩؛ كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٤٢٢ .
- ١٧٠- كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٣٥٣ .
- ١٧١- محمد تقي فلسفي ، الحديث ، ج ٣ ، ص ٦٥ ، به نقل از بحارالانوار ، ج ١٠ ، ص ٨٢ .
- ١٧٢- وسائل الشيعة ، ج ٤ ، ص ١٢٧٤ .
- ١٧٣- وسائل الشيعة ، ج ٤ ، ص ١٢٧٤ .
- ١٧٤- همان ، ج ٤ ، ص ١٢٧٤ .
- ١٧٥- مجموعه ورام ، ص ٣٥٩ .
- ١٧٦- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٥٨٤ .
- ١٧٧- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤١٩ .
- ١٧٨- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٩٥ .
- ١٧٩- امالي صدوق ، ص ٣٠٧ .
- ١٨٠- بحارالانوار ، ج ٤٣ ، ص ٣٥٠ و ٣٥١ (آيه ٣٤ ، سوره آل عمران) .
- ١٨١- اسرا (١٧) آيه ٢٤ .
- ١٨٢- بقره (٢) آيه ١٢٨ .
- ١٨٣- كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٤٠٢ .
- ١٨٤- مستدرک الوسائل ، ج ٦ ، ص ٣٤٧؛ وسائل الشيعة ، ج ٢ ، ص ٦٥٦ .
- ١٨٥- صحيفه سجاديه ، ترجمه فيض الاسلام ، ص ١٦٨ .
- ١٨٦- سفينه البحار ، ج ١ ، ص ٤٥٨ .
- ١٨٧- مستدرک الوسائل ، ج ٦ ، ص ٤٣٩ .
- ١٨٨- مردان علم در ميدان عمل ، ص ١١٧ .
- ١٨٩- تحف العقول ، ص ٣٧ .

- ١٩٠- كافي ، ج ٣ ، ص ٢٢٦ .
- ١٩١- لما حضر اسماعيل بن جعفر الصادق الوفاه نظر الناس الى الصادق (عليه السلام) جزعا يدخل مره و يخرج اخرى و يقوم مره و يقعد اخرى ، فلما توفى اسماعيل دخل الصادق (عليه السلام) الى بيته و لبس اءنظف ثيابه و سرح شعره و جاء الى مجلسه فجلس ساكتا عن المصيبه كان لم يصيب بمصيبه فقيل له فى ذلك فقال : انا اهل نطيع الله فيما اءحب و نسئله ما نحب و اذا فعل ما نحب شكرنا و اذا فعل بنا ما نكره رضينا . مجموعته ورام ، ص ٤٤٠ .
- ١٩٢- عن الرضا عن اءبيه قال : نعى الى الصادق اسماعيل و هو اكبر اولاده و هو يريد ان ياءكل و قد اجتمع ندمائه فتبسم ثم دعا بطعامه فقعد مع ندمائه و جعل ياءكل اءحسن من اءكله سائر الاءيام و يحث ندمائه و يضع اءيديهم و يعجبون منه لا يرون للحزن فى وجهه اثرا ، فلما فرغ قالوا يا بن رسول الله لقد راءينا منك عجباً اءصبت بمثل هذا الابن و انت ترى كما ترى فقال مالى لاءكون كما ترون و قد جاءنى خبر اءصدق الصادقين انى ميت و اياكم ان قوما عرفوا الموت ينكروا ما يحفظه الموت منهم و سلموا الاءمر خالقهم عزوجل . «وسائل الشيعه ، ج ٢ ، ص ٩٠١» .
- ١٩٣- وسائل الشيعه ، ج ٢ ، ص ٦٥٠ .
- ١٩٤- تحف العقول ، ص ٨٥ .
- ١٩٥- كافي ، ج ٣ ، ص ٢٦٣ .
- ١٩٦- كافي ، ج ٣ ، ص ٢٢٥ .
- ١٩٧- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٩٨ و ١٢٣؛ عده الداعى ، ص ٧٦؛ كنز العمال ، ج ٦ ، ص ٤١٧ ، با كمى تفاوت .
- ١٩٨- بحارالاءنوار ، ج ٧٥ ، ص ٢٣٦ .
- ١٩٩- مكارم الاخلاق ، ص ٢٢٢؛ مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٦٦؛ كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٥٠١ .
- ٢٠٠- كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٤٩٨؛ كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٥٦؛ مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٦٥ - ١٦٤ .
- ٢٠١- تحف العقول ، ص ٨٥ .
- ٢٠٢- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٦٠ .
- ٢٠٣- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٨٩ .
- ٢٠٤- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٩٧؛ تحف العقول ، ص ٦٧ .
- ٢٠٥- بحارالاءنوار ، ج ١٣ ، ص ٤١٩ .
- ٢٠٦- وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٩٣ و ١٩٥ .
- ٢٠٧- بحارالاءنوار ، ج ١٣ ، ص ٤١١ .
- ٢٠٨- و قال سفيان الثورى دخلت على الصادق (عليه السلام) و قلت يا اوصينى بوصيه احفظها من بعدك . قال : «و تحفظ يا سفيان ؟ قلت اءجل يا بن بنت رسول الله

قال (عليه السلام) : يا سفيان لامره لكذوب و لاراحه لحسود و لاخاء لملوك ولاخله لمختال ولا سؤدد لسيى الخلق ثم امسك ، فقلت : يا بنت رسول الله زدنى فقال (عليه السلام) يا سفيان ثق بالله تكن عارفاً ، و ارض بما قسمه لك تكن غنيا صاحب بمثل ما يصاحبونك به تزدد ايماناً ، ولتصاحب الفاجر فيعلمك من فجوره ، وشاور فى امرك الذين يخشون الله عزوجل ثم امسك فقلت يا بن بنت رسول الله زدنى فقال يا سفيان من اراد عزا بلا سلطان و كثره بلا اخوان و هيبه بلا مال فلينتقل من ذل معاصي الله الى عز طاعته ثم امسك فقلت يا بن بنت رسول الله زدنى ؟ فقال (عليه السلام) يا سفيان : ادبنى ابي بثلاث و نهانى عن ثلاث : فاما اللواتى ادبنى بهن فانه قال لى يا بنى من يصحب صاحب السوء لا يسلم و من لا يقيد الفاظه يندم و من يدخل مداخل السوء يتهم . قلت يا بن رسول الله فما الثلاث اللواتى نهك عنهن ؟ قال (عليه السلام) : نهانى ان اصاحب حاسد نعمه و شامنا بمصيبه او حامل نميمه . تحف القول ، ص ٣٩٦ .

٢٠٩- ص (٣٨) آيه ٤٤ .

٢١٠- قلم (٦٨) آيه ٤ .

٢١١- مستدرک الوسائل ، ج ٥ ، ص ٢٤٧ ، به نقل از قطب راوندی .

٢١٢- مستدرک الوسائل ، ج ٥ ، ص ٢٤٧ ، به نقل از قطب راوندی .

٢١٣- بحارالانوار، ج ٤٦ ، ص ٦٧ .

٢١٤- بحارالانوار، ج ٤٨ ، ص ٢٤ ؛ از عيون اخبارالرضا، ج ٢ ، ص ١٢٧ .

٢١٥- بحارالانوار، ج ٤٨ ، ص ١٧١ ؛ وسائل الشيعه ، ج ٣ ، ص ٤٣٦ .

٢١٦- بحارالانوار، ج ٤٨ ، ص ١١٦ ، به نقل از كافي .

٢١٧- مجموعه ورام ، ص ٣٥٨ .

٢١٨- وسائل الشيعه ، ج ١٨ ، ص ٥٤٦ .

٢١٩- مجموعه ورام ، ص ٣٥٨ .

٢٢٠- وسائل الشيعه ، ج ١٨ ، ص ٥٨١ .

٢٢١- مجموعه ورام ، ص ٣٥٨ .

٢٢٢- وسائل الشيعه ، ج ١٨ ، ص ٥٨٢ .

٢٢٣- ر. ك : شرايع الاسلام ، ج ٤ ، ص ١٩٢ . (ايين مسأله جزء مسلمت فقهي است . براى اطلاع بيشتر رجوع كنيد به بخش ديانت كتب فقه ، كه مقدار ديه براى هر بخش از بدن در آنجا مشخص شده است .)

٢٢٤- توضيح المسائل بخش استفتاءات ، ص ٥٧١ .

٢٢٥- آيه الله العظمى خوئى مى فرمايد: هذا فى غير المعلم واما فيه فالظاهر عدم جواز الضرب باءزيد من ثلاثه ... «مبانى تكمله المنهاج ، ج ١ ، ص ٣٤١» .

- ۲۲۶- تفسیر صافی ، ج ۱ ، ص ۳۵۴ ، به نقل از مجمع
البیان .
- ۲۲۷- عده الداعی ، ص ۷۹ .
- ۲۲۸- وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۵۸۲ .
- ۲۲۹- مکارم الاخلاق ، ص ۲۲۰ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ،
ص ۲۰۰ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۶۱ .
- ۲۳۰- کنز العمال ، ج ۱۶ ، ص ۵۸۴ .
- ۲۳۱- بحارالانوار ، ج ۱۳ ، ص ۴۱۵ .
- ۲۳۲- همان ، ج ۱ ، ص ۱۱۰ .
- ۲۳۳- بقره (۲) آیه ۲۱۷ .
- ۲۳۴- کنز العمال ، ج ۱۶ ، ص ۴۴۴ ؛ حلیه الاولیاء ، ج
۱ ، ص ۱۸۴ .
- ۲۳۵- وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۹۴ .
- ۲۳۶- کنز العمال ، ج ۱۶ ، ص ۴۴۳ .
- ۲۳۷- انفال (۸) آیه ۶۰ .
- ۲۳۸- کافی ، ج ۶ ، ص ۲۹۶ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص
۵۱۵ ، ۵۸۵ ، ۵۸۶ .
- ۲۳۹- مجموعه ورام ، ص ۷۳ .
- ۲۴۰- مکارم الاخلاق ، ص ۱۵۳ .
- ۲۴۱- نور (۲۴) آیه ۵۸ .
- ۲۴۲- نور (۲۴) آیه ۵۸ و ۵۹ .
- ۲۴۳- تفسیر نمونه ، ج ۱۴ ، ص ۵۴۵ .
- ۲۴۴- وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۸۳ .
- ۲۴۵- کنز العمال ، ج ۱۶ ، ص ۴۴۱ .
- ۲۴۶- وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۸۳ ؛ مستدرک الوسائل
، ج ۱۴ ، ص ۲۲۸ ؛ کافی ، ج ۷ ، ص ۶۹ .
- ۲۴۷- وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۸۳ ؛ وسائل الشیعه ،
ج ۱۴ ، ص ۲۲۸ ؛ کافی ، ج ۷ ، ص ۶۹ .
- ۲۴۸- وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۸۲ ؛ مستدرک الوسائل
، ج ۴ ، ص ۲۸۸ .
- ۲۴۹- وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۲۳ ؛ بحارالانوار ، ج
۷۴ ، ص ۵۸ .
- ۲۵۰- تحف العقول ، ص ۵۲۰ .
- ۲۵۱- وسائل الشیعه ، ج ۱۷ ، ص ۲۴۷ .
- ۲۵۲- وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۴۹۳ ؛ مکارم الاخلاق ،
ص ۱۴۷ .
- ۲۵۳- مردان علم در میدان عمل ، ص ۵۴ ، به نقل از
روضات الجنات ، ج ۴ ، ص ۱۰۲ .
- ۲۵۴- مجموعه ورام ، ص ۳۶۹ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۵ ،
ص ۱۶۸ ، با کمی تفاوت .
- ۲۵۵- محمد تقی فلسفی ، الحدیث فلسفی ، ج ۳ ، ص ۹۲ .
- ۲۵۶- وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۱۹ .
- ۲۵۷- اختصاص مفید ، ص ۳۳۶ .
- ۲۵۸- همان مدرک .
- ۲۵۹- بحارالانوار ، ج ۷۵ ، ص ۲۰۲ .

- ۲۶۰- تحف القول ، ص ۸۷ .
 ۲۶۱- اختصاص شیخ مفید، ص ۳۳۶ .
 ۲۶۲- همان مدرک .
 ۲۶۳- اختصاص شیخ مفید، ص ۳۳۱ .
 ۲۶۴- اختصاص شیخ مفید، ص ۳۳۴ .
 ۲۶۵- تحف العقول ، ص ۸۵ .
 ۲۶۶- اختصاص شیخ مفید، ص ۳۳۴ .
 ۲۶۷- کنایه از اینکه بزرگمنشی و فخر فروشی منزل و ماءوای شیطان است و شایسته نیست آدمی در آن اقامت گزیند .
 ۲۶۸- همان مدرک .
 ۲۶۹- تحف العقول ، ص ۸۵ .
 ۲۷۰- بحارالانوار، ج ۷۵ ، ص ۹۰ .
 ۲۷۱- تحف العقول ، ص ۸۴ .
 ۲۷۲- همان مدرک .
 ۲۷۳- بحارالانوار، ج ۷۵ ، ص ۱۱۸ .
 ۲۷۴- تحف العقول ، ص ۸۴ .
 ۲۷۵- اختصاص شیخ مفید، ص ۳۳۵ .

حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام

- ۲۷۶- کنز العمال ، ج ۱۶ ، ص ۴۵۶ .
 ۲۷۷- امالی صدوق ، ص ۶۸ .
 ۲۷۸- سفینه البحار، ج ۱ ، ص ۶۶۹ .
 ۲۷۹- وسائل الشیعه ، ج ۱۲ ، ص ۲۴۷ و ج ۱۵ ، ص ۱۹۶ ،
 و ج ۱۸ ، ص ۶۲؛ کافی ، ج ۶ ، ص ۴۷؛ بحارالانوار، ج
 ۲ ، ص ۱۷ ، با اندکی تفاوت .
 ۲۸۰- بحارالانوار، ج ۷۰ ، ص ۱۸۲ .
 ۲۸۱- همان ، ج ۷۵ ، ص ۲۹۹ .
 ۲۸۲- ص ۴۰۱ .
 ۲۸۳- بحارالانوار، ج ۷۵ ، ص ۱۰۲؛ تحف العقول ، ص
 ۲۲۵ .
 ۲۸۴- انعام (۶) آیه ۱۶۰ .
 ۲۸۵- ق (۵۰) آیه ۲۹ .
 ۲۸۶- صافات (۳۷) آیه ۹۹ .
 ۲۸۷- طه (۲۰) آیه ۸۴ .
 ۲۸۸- ذاریات (۵۱) آیه ۵۰ .
 ۲۸۹- معارج (۷۰) آیه ۴ .
 ۲۹۰- فاطر (۳۵) آیه ۱۰ .
 ۲۹۱- توحید صدوق ، ص ۱۷۶ .
 ۲۹۲- تفسیر نمونه ، ج ۱۵ ، ص ۶۸ - ۶۹ .
 ۲۹۳- فرقان (۲۵) آیه ۲۷ - ۲۹ .
 ۲۹۴- بحارالانوار، ج ۷۴ ، ص ۱۹۷ .
 ۲۹۵- الاختصاص ، ص ۳۳۳ .

- ۲۹۶- تحف العقول ، ص ۲۳۶ .
- ۲۹۷- الاختصاص ، ص ۳۳۲ .
- ۲۹۸- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۶ .
- ۲۹۹- امالی الصدوق ، ص ۵۹۷؛ بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۱۴ . این روایت چون مروی عنع آن مشخص نیست لذا صدوق در آغاز نقل این روایت از محمد بن حسن صفار، می گوید: ولم يحفظ الاسناد .
- ۳۰۰- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۹۰ .
- ۳۰۱- الاختصاص ، ص ۳۳۲ .
- ۳۰۲- الاختصاص ، ص ۳۳۳ .
- ۳۰۳- همان مدرک .
- ۳۰۴- تحف العقول ، ص ۲۸۶؛ کافی ، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷ .
- ۳۰۵- همان مدرک .
- ۳۰۶- الاختصاص ، ص ۳۳۳ .
- ۳۰۷- همان مدرک .
- ۳۰۸- تحف العقول ، ص ۲۸۶ .
- ۳۰۹- تحف العقول ، ص ۲۸۶ .
- ۳۱۰- محمد (۴۷) آیه ۲۲ - ۲۳ .
- ۳۱۱- رعد (۱۳) آیه ۲۵ .
- ۳۱۲- آیه ۲۷ . کافی ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷ .
- ۳۱۳- البحار، ج ۷۵، ص ۲۰۲ .
- ۳۱۴- الاختصاص ، ص ۳۳۶ .
- ۳۱۵- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۰۸ .
- ۳۱۶- تحف العقول ، ص ۸۴ .
- ۳۱۷- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸ .
- ۳۱۸- مکارم الاخلاق ، ص ۴۲۱ .
- ۳۱۹- وسائل الشیعه ، ج ۱۸، ص ۱۲۹ .
- ۳۲۰- تحف العقول ، ص ۷۰ .
- ۳۲۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۲ .
- ۳۲۲- اختصاص مفید، ص ۳۳۶ .
- ۳۲۳- لقمان (۳۱) آیه ۱۳ .
- ۳۲۴- تفسیرنمونه ، ج ۱۷، ص ۳۸ .
- ۳۲۵- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۹ .
- ۳۲۶- همان ، ج ۹۳، ص ۱۵۲ .
- ۳۲۷- اختصاص مفید، ص ۳۳۱ .
- ۳۲۸- مجموعه ورام ، ص ۳۷۸ .
- ۳۲۹- حلیه الاءولیاء، ج ۳، ص ۷۱ .
- ۳۳۰- مجموعه ورام ، ص ۳۷؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۹۴ .
- ۳۳۱- کافی ، ج ۲، ص ۶۷؛ بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۳۵۲؛ امالی صدوق ، ص ۵۹۷، با کمی تفاوت .
- ۳۳۲- عده الداعی ، ص ۲۸ .
- ۳۳۳- مجموعه ورام ، ص ۳۷ .
- ۳۳۴- اختصاص مفید، ص ۳۳۴ .

- ٣٣٥- اختصاص مفيد، ص ٣٣٣ .
- ٣٣٦- بحارالاءنوار، ج ١٣ ، ص ٤٣٣ .
- ٣٣٧- همان ، ج ١٣ ، ص ٤٣٢ .
- ٣٣٨- تحف العقول ، ص ٧٣ ؛ بحارالاءنوار، ج ٧٤ ، ص ٢٠٥ .
- ٣٣٩- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ص ١٦٤ ، به نقل از جامع الاخبار .
- ٣٤٠- کنزالعمال ، ج ١٦ ، ص ٤٤١ .
- ٣٤١- همان ، ج ١٦ ، ص ٤٤٠ .
- ٣٤٢- کنزالعمال ، ج ١٦ ، ص ٤٥٦ .
- ٣٤٣- وسائل الشيعه ، ج ٤ ، ص ٧٢١ و ١٤٠ .
- ٣٤٤- مستدرک الوسائل ، ج ١ ، ص ٣٠٨ ؛ ثواب الاعمال ، ص ١٦ .
- ٣٤٥- مكارم الاخلاق ، ص ٢١٨ .
- ٣٤٦- مجموعه ورام ، ص ٣٧٦ .
- ٣٤٧- كافي ، ج ٢ ، ص ٧٢ ؛ تحف العقول ، ص ٤٣٢ .
- ٣٤٨- اختصاص مفيد، ص ٣٣٢ .
- ٣٤٩- تحف العقول ، ص ٤٣٣ .
- ٣٥٠- اختصاص شيخ مفيد، ص ٣٣٢ .
- ٣٥١- امالي صدوق ، ص ٢٠٧ .
- ٣٥٢- تحف العقول ، ص ٨٤ .
- ٣٥٣- اختصاص مفيد، ص ٣٣٦ .
- ٣٥٤- مستدرک الوسائل ، ج ١ ، ص ١٣٠ .
- ٣٥٥- مجموعه ورام ، ص ٣٨٦ .
- ٣٥٦- همان مدرک .
- ٣٥٧- مستدرک الوسائل ، ج ٣ ، ص ٤٣ .
- ٣٥٨- تحريم (٦٦) آيه ٦ .
- ٣٥٩- الميزان ، ج ٢٨ ، ص ٣٤١ .
- ٣٦٠- نورالثقلين ، ج ٥ ، ص ٣٧٢ ؛ الميزان ، ج ٢٨ ، ص ٣٤١ .
- ٣٦١- الميزان ، ج ٢٨ ، ص ٣٤١ .
- ٣٦٢- اختصاص مفيد، ص ٣٣٧ .
- ٣٦٣- مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٧٠ .
- ٣٦٤- اختصاص مفيد، ص ٣٣٤ .
- ٣٦٥- مجموعه ورام ، ص ٥٧ .
- ٣٦٦- بحارالاءنوار، ج ١٣ ، ص ٤١٧ .
- ٣٦٧- مجموعه ورام ، ص ٣٧٨ .
- ٣٦٨- اختصاص مفيد، ص ٣٣٦ .
- ٣٦٩- بحارالاءنوار، ج ٧٤ ، ص ٢٠٥ .
- ٣٧٠- تحف العقول ، ص ٨٤ .
- ٣٧١- تحف العقول ، ص ٨٤ .
- ٣٧٢- يا بنى ان الناس قد جمعوا قبلك لاولادهم فلم يبق ما جمعوا و لم يبق من جمعوا له و انما انت عبد مستاءجر قد اءمرت بعمل و وعدت عليه اءجرا فءاءوف عملك و استوف اءجرك ولا تكن فى هذه الدنيا

بمنزله شاه وقعت فى زرع اءخضر فاءكلت حتى سمن فكان حتفها عند سمنها ولكن اجعل الدنيا بمنزله قنطره على نهر جزت عليها و تركتها ولم ترجع اليها آخر الدهر، اءخربها ولا تعمرها، فانك لم تؤمر بعمارته، واعلم انك ستساءل غدا اذا وقفت بين يدي الله عزوجل عن اءربع : شبابك فيما اءبليته و عمرك فيما اءفنيته و مالك مما انفقته ، فتاهب لذلك و اءعد له جوابا و لا تءاس على مافاتك من الدنيا فان قليل الدنيا لايدوم بقاؤه و كثيرها لا يؤمن بلاءه فخذ حذرك و جد فى اءمرك واكشف الغطاء عن وجهك تعرض لمعروف ربك و جدد توبه فى قلبك واكمش فى فراغك قبل اءن يقصد قصدك و يقضى قضاؤك و يحال بينك و بين ماتريد. الكافى ، ج ٢ ، ص ١٣٤ : مجموعته ورام ، ص ٣٩١ : بحارالاءنوار، ج ١٣ ، ص ٢٢٦ .

٣٧٣- و اعلم اءن اءمامك طريقا ذا مشقه بعيده ، واءهوال شديده و اءنه لاغنى بك فيه عن حسن الارتياح و قدر بالغك من الزاد و خفه الظهر، فلا تحملن على ظهرك فوق بلاغك فيكون ثقلا و وبالا عليك ، و اذا وجدك من اءهل الحاجه من يحمل لك زادك فيوافيك به حيث تحتاج اليه فاغتنمه من استقرضك فى حال غناك و اجعل وقت قضاءك فى يوم عسرتك ، و اعلم اءن امامك عقبه كوودا لامحاله ، مهبطابك على جنه او على نار، المخف فيها اءحسن حالا من المثقل ، فارتد لنفسك قبل نزولك . تحف العقول ، ص ٧٢ : بحارالاءنوار، ج ٧٤ ، ص ٢٠٤ .

٣٧٤- لقمان (٣١) آيه ١٧ .

٣٧٥- تفسير نمونه ، ج ١٧ ، ص ٥٢ .

٣٧٦- ابراهيم (١٤) آيه ٣٨ .

٣٧٧- تحف العقول ، ص ١٩٥ .

٣٧٨- بحار الاءنوار، ج ١٣ ، ص ٤٣٥ .

٣٧٩- وسائل الشيعة ، ج ١٧ ، ص ٢٦٢ .

٣٨٠- محاسن برقى ، ص ٨٠ .

٣٨١- عن الحسن بن قارون قال : سالت الرضا او سئل و انا اسمع عن الرجل يجبر ولده و هو لا يصلى اليوم واليومين ، فقال : و كم اءتى على الغلام فقلت ثمانى سنين فقال سبحان يترك الصلاه . قال : قلت يصيبه الوجع قال يصلى على نحو ما يقدر. «وسائل الشيعة ، ج ٣ ، ص ١٣» .

٣٨٢- بحارالاءنوار، ج ٧٥ ، ص ٤٥٨ .

٣٨٣- انه كان ياءخذ من عنده من الصبيان باءن يصلوا الظهر والعصر فى وقت واحد والمغرب والعشاء فى وقت واحد فقليل له فى ذلك فقال : هو اخف عليهم و اءجدر اءن يسارعوا اليها ولا يضيعوها ولا يناموا عنها ولا يشتغلوا، و كان لا ياءخذهم بغير الصلاه المكتوبه و يقول : اذا اطاقوا الصلاه فلا تؤخروهم

- عن المكتوبه . «مستدرك الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٦٠ و ج ٣ ، ص ١٩ ؛ كافي ، ج ٢ ، ص ٤٠٩ ؛ وسائل الشيعة ، ج ٣ ، ص ١٤ و ١٦ ، با كمي تفاوت .»
- ٣٨٤- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٨٣ .
- ٣٨٥- وسائل الشيعة ، ج ٣ ، ص ١٣ .
- ٣٨٦- مجموعه ورام ، ص ٣٥٨ .
- ٣٨٧- وسائل الشيعة ، ج ٣ ، ص ١٢ .
- ٣٨٨- وسائل الشيعة ، ج ٣ ، ص ١٢ .
- ٣٨٩- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٤٠ .
- ٣٩٠- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٤٠ .
- ٣٩١- مستدرك الوسائل ، ج ٣ ، ص ١٩ .
- ٣٩٢- مستدرك الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٦٠ ، و ج ١٤ ، ص ٢٨٨ ؛ وسائل الشيعة ، ج ١٣ ، ص ١٢ ؛ كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٤٠ و ٤٤٢ ؛ وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٨٢ و ص ١٨٣ ؛ الكافي ، ج ٤ ، ص ١٢٤ .
- ٣٩٣- تحف العقول ، ص ١١٠ .
- ٣٩٤- مستدرك الوسائل ، ج ٣ ، ص ١٩ .
- ٣٩٥- تحف العقول ، ص ١٩٥ .
- ٣٩٦- عن المسمى : انه سمع اباعبدالله يوصى ولده اذا دخل شهر رمضان فاجهدوا انفسكم فيه تقسم الاءرزاق و تكتب الآجال ، وفيه يكتب وفدالله الذين يقدون اليه وفيه ليله ، العمل فيها خير من العمل فى الف شهر . «بحارالانوار، ج ٩٦ ، ص ٣٧٥ ، ص ٦٣ .»
- ٣٩٧- كافي ، ج ٤ ، ص ١٢٥ .
- ٣٩٨- عن الحلبي قال الصادق (عليه السلام) : نحن نامر صبياننا بالصوم اذا كانوا بنى سبع سنين بما اءطاقوا من صيام اليوم ، ان كان الى نصف النهار ، او اكثر من ذلك او اقل فاذا غلبهم العطش والفرث افطروا ، حتى يتعودوا الصوم و يطيقوه ، فمروا صبيانكم اذا كانوا بنى تسع سنين بالصوم ما استطاعوا من صيام اليوم ، فاذا غلبهم العطش افطروا . «الكافي ، ج ٣ ، ص ٤٠٩ .»
- ٣٩٩- بحارالانوار، ج ٢ ، ص ١٤ .
- ٤٠٠- تحف العقول ، ص ١٩٤ .
- ٤٠١- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤١٧ .
- ٤٠٢- امالى شيخ طوسى ، ج ٢ ، ص ٢٩٠ ؛ مستدرك الوسائل ، ج ٤ ، ص ٣٢٥ .
- ٤٠٣- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٩٩ .
- ٤٠٤- قاموس الرجال ، ج ٧ ، ص ٣٠٧ .
- ٤٠٥- همان مدرک .
- ٤٠٦- وسائل الشيعة ، ج ٤ ، ص ٨٢٥ .
- ٤٠٧- عده الداعى ، ص ٧٩ ؛ وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٩٤ .
- ٤٠٨- كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٤٧٨ .
- ٤٠٩- كافي ، ج ٢ ، ص ٤٤١ .

- ٤١٠- مستدرك الوسائل ، ج ١ ، ص ٢٩٠ .
- ٤١١- مستدرك الوسائل ، ج ٤ ، ص ٢٤٧ .
- ٤١٢- وسائل الشيعة ، ج ٣ ، ص ٤٨١ .
- ٤١٣- مستدرك الوسائل ، ج ١ ، ص ٢٩٠ .
- ٤١٤- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٤٥٦ .
- ٤١٥- مستدرك الوسائل ، ج ٤ ، ص ٢٩٥ .
- ٤١٦- مستدرك الوسائل ، ج ٤ ، ص ٢٩٥ .
- ٤١٧- بحارالانوار، ج ٤٦ ، ص ٢٩٧ و ج ٣ ، ص ١٦١ ؛
وسائل الشيعة ، ج ٤ ، ص ٨٥٠ ، ح ٣ .
- ٤١٨- الاستبصار، ج ١ ، ص ١١٣ .
- ٤١٩- وسائل الشيعة ، ج ٤ ، ص ٨٥٨ .
- ٤٢٠- عده الداعي ، ص ٢٦٩ ؛ وسائل الشيعة ، ج ٤ ، ص ٨٥١ .
- ٤٢١- وسائل الشيعة ، ج ٤ ، ص ٨٥٠ ، ح ٢ ؛
بحارالانوار، ج ٩٣ ، ص ١٦١ .
- ٤٢٢- عده الداعي ، ص ٢٦٩ ؛ وسائل الشيعة ، ج ٤ ، ص ٨٥١ .
- ٤٢٣- وسائل الشيعة ، ج ٤ ، ص ٨٥٠ ؛ بحارالانوار، ج ٣ ، ص ١٦١ .
- ٤٢٤- حجر (١٥) آيه ٩٥ .
- ٤٢٥- دخل ابوطالب الى النبي (صلى الله عليه و آله و سلم) و هو يصلى و على (عليه السلام) بجنبه و كان مع ابي طالب جعفر فقال له ابوطالب صل جناح ابن عمك فوقف جعفر على يسار رسول الله . «مستدرك الوسائل ، ج ٦ ، ص ٤٥٥» .
- ٤٢٦- مستدرك الوسائل ، ج ٦ ، ص ٣٣٨ .
- ٤٢٧- همان ، ج ٣ ، ص ١٥١ .
- ٤٢٨- مسند زيد، ص ١١٨ .
- ٤٢٩- كشف الغمه ، ج ٢ ، ص ٢٨٧ .
- ٤٣٠- مستدرك الوسائل ، ج ٤ ، ص ٢٠٤ .
- ٤٣١- آل عمران (٣) آيه ٢٦ .
- ٤٣٢- مستدرك الوسائل ، ج ٦ ، ص ٣٧١ .
- ٤٣٣- امالى صدوق ، ص ٥١٨ ؛ وسائل الشيعة ، ج ٤ ، ص ١٠٢٣ .
- ٤٣٤- وسائل الشيعة ، ج ٥ ، ص ٢٤١ .
- ٤٣٥- دعائم الاسلام ، ج ١ ، ص ٢٨٢ .
- ٤٣٦- اقبال الاعمال ، ص ٢٧ .
- ٤٣٧- مستدرك الوسائل ، ج ٥ ، ص ٤٢ .
- ٤٣٨- عن هارون بن عيسى قال ابوعبد الله (عليه السلام) لمحمد ابنه : يا بنى كم فضل معك من تلك النفقه ؟ قال اربعون ديناراً . قال اخرج فتصدق بها . قال : انه لم يبق معي غيرها . قال : تصدق بها فان الله عزوجل يخلفها ، اما علمت ان لكل شىء مغتاحاً و مفتاح الرزق الصدقه ، فتصدق بها . ففعل ، فما لبث ابو

عبد الله (عليه السلام) عشره ايام حتى جاءه من موضع اربعه آلاف دينار. فقال : يا بنى عطينا لله اربعين ديناراً ، فاءطانا الله اربعه آلاف دينار. «الكافي» ج ٤ ، ص ١٠.

(٤٣٩+) - عن محمد بن عمرو بن يزيّر قال : اءخبرت اءبا الحسن انى اءصبت بابنين لى و بقى بنى صغير فقال : تصدق عنه ثم قال حين حضر قيامى : مر الصبى فليصدق بيده بالكسره و القضبه والشىء و ان قل بعد اءن تصدق النيه فيه عظيم ، ان الله عزوجل يقول : فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره «وسائل اشيعه» ج ٦ ، ص ٢٦١ ، ح ١.

٤٤٠- يكى از دختران امام صادق (عليه السلام) كه مادرش فاطمه ، دختر حسين فرزند امام سجاد (عليه السلام) بوده است . «منتهى الامال» ج ٢ ، ص ١٥٨.

٤٤١- سهل بن زياد عن محمد بن الحسين عن اءبى داود المسترق عن سفيان بن مصعب العبدى قال : دخلت على اءبى عبد الله (عليه السلام) . فقال : قولوا لام فروه تجىء فتسمع ما صنع بجدها ، قال : فجاءت فقعدت خلف الستر. ثم قال : اءنشدنا. قال : فقلت «فرو جودى بدمعك المسكوب» قال : فصاحت و صحن النساء فقال ابو عبد الله (عليه السلام) : الباب الباب فاجتمع اهل المدينه على الباب قال فبعث اليهم ابو عبدالله (عليه السلام) صبى لنا غشى عليه فصح النساء. «الكافي» ج ٨ ، ص ٢١٥ - ٢١٦.

٤٤٢- سفينه البحار، ج ١ ، ص ٥٥٨.

٤٤٣- شرح نهج البلاغه ، ج ٤ ، ص ٩٤.

٤٤٤- وسائل الشيعه ، ج ١٢ ، ص ٢٤٨ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ٦ ، ص ١٠١ و ج ١٥ ، ص ١٦٦ ؛ ابوطالب يگانه مدافع اسلام ، ص ٦٤ ؛ الغدير، ج ٧ ، ص ٣٩٣ ؛ الحجه على الذاهب ، ص ٢٥.

٤٤٥- كنز الفوائد، ص ٧٩ ؛ ابوطالب يگانه مدافع اسلام ، ص ١٢٥.

٤٤٦- رجال شيخ طوسى ، ص ٢١٣.

٤٤٧- الغدير، ج ٢ ، ص ٢٩٤.

٤٤٨- رجال كشى ، ص ٢٥٤.

٤٤٩- همان مدرک .

٤٥٠- الغدير، ج ٢ ، ص ٢٩٥.

٤٥١- ثواب الاعمال ، ص ٦٨.

٤٥٢- بحارالانوار، ج ٥٩ ، ص ٣٦.

٤٥٣- مستدرک الوسائل ، ج ٦ ، ص ٩٩.

٤٥٤- عده الداعى ، ص ٧٥.

٤٥٥- مستدرک الوسائل ، ج ٦ ، ص ٩٩.

- ۴۵۶- کافی ، ج ۴ ، ص ۲۲ . (صبر نام گیاهی است زرد رنگ و تلخ مزه) .
- ۴۵۷- امالی صدوق ، ص ۲۸۷ .
- ۴۵۸- تحف العقول ، ص ۳۶۵ .
- ۴۵۹- اختصاص مفید، ص ۳۳۲ .
- ۴۶۰- بحار الاءنوار، ج ۱۳ ، ص ۴۱۹ .
- ۴۶۱- اختصاص مفید، ص ۳۳۳ .
- ۴۶۲- همان مدرک .
- ۴۶۳- تحف العقول ، ص ۱۹۵ .
- ۴۶۴- تحف العقول ، ص ۸۷ .
- ۴۶۵- بحار الاءنوار، ج ۱۳ ، ص ۴۱۹ .
- ۴۶۶- مستدرک الوسائل ، ج ۱ ، ص ۱۳۶ .
- ۴۶۷- بحارالاءنوار، ج ۷۴ ، ص ۲۰۹ .
- ۴۶۸- تحف العقول ، ص ۸۴ .
- ۴۶۹- مجموعه ورام ، ص ۳۴۰ .
- ۴۷۰- کنز العمال ، ج ۱۶ ، ص ۲۱۷ .
- ۴۷۱- بحار الاءنوار، ج ۷۵ ، ص ۱۸۷ و ۲۷؛ كشف الغمه ، ج ۲ ، ص ۳۶۰ .
- ۴۷۲- مجموعه ورام ، ص ۴۲۱ .
- ۴۷۳- بحار الاءنوار، ج ۷۵ ، ص ۴۵۷ .
- ۴۷۴- کنزالعمال ، ج ۱۶ ، ص ۲۶۹ .
- ۴۷۵- مجموعه ورام ، ص ۳۵۱؛ وسائل الشيعه ، ج ۱۱ ، ص ۵۲۸ .
- ۴۷۶- بحار الاءنوار، ج ۷۴ ، ص ۲۰۸ .
- ۴۷۷- تحف العقول ، ص ۸۴ .
- ۴۷۸- بحارالاءنوار، ج ۷۵ ، ص ۳۰۸؛ مجموعه ورام ، ص ۳۶۶؛ تحف العقول ، ص ۲۵۱ .
- ۴۷۹- اختصاص مفید، ص ۳۳۲ .
- ۴۸۰- بحار الاءنوار، ج ۱۳ ، ص ۴۲۶؛ مجموعه ورام ، ص ۴۲۲ .
- ۴۸۱- تحف العقول ، ص ۸۶ .
- ۴۸۲- الاختصاص ، ۳۳۳ .
- ۴۸۳- بحار الاءنوار، ج ۷۴ ، ص ۲۰۹ .
- ۴۸۴- تحف العقول ، ص ۸۲؛ کنزالعمال ، ج ۱۶ ، ص ۱۸۲ ، با اندکی تفاوت (ارحم اخاك) .
- ۴۸۵- بحارالاءنوار، ج ۷۴ ، ص ۲۰۹ .
- ۴۸۶- بحارالاءنوار، ج ۷۵ ، ص ۱۱۷ و ج ۱۳ ، ص ۴۱۶؛ مجموعه ورام ، ص ۴۲۱ .
- ۴۸۷- بحار الاءنوار، ج ۷۴ ، ص ۲۰۸ .
- ۴۸۸- الاختصاص ، ص ۳۳۲ .
- ۴۸۹- مائده (۵) آیه ۲ .
- ۴۹۰- وسائل الشيعه ، ج ۱ ، ص ۸۴ .
- ۴۹۱- وسائل الشيعه ، ج ۱۱ ، ص ۵۲۸؛ تحف العقول ، ص ۲۹۰؛ مجموعه ورام ، ص ۳۵۱ .
- ۴۹۲- بحار الاءنوار، ج ۱۳ ، ص ۴۲۰ .

- ۴۹۳- بحار الاءنوار، ج ۱۳، ص ۴۱۵.
- ۴۹۴- تحف العقول، ص ۸۴.
- ۴۹۵- بحار الاءنوار، ج ۱۳، ص ۴۳۲ و ج ۷۵، ص ۴۵۸.
- ۴۹۶- مجموعه ورام، ص ۵۹.
- ۴۹۷- مجموعه ورام، ص ۴۲۲؛ بحار الاءنوار، ج ۱۳، ص ۴۲۶.
- ۴۹۸- نورالثقلين، ج ۴، ص ۲۰.
- ۴۹۹- بحارالاءنوار، ج ۷۵، ص ۴۵۸.
- ۵۰۰- مجموعه ورام، ص ۷۷.
- ۵۰۱- تحف العقول، ص ۸۶.
- ۵۰۲- همان، ص ۸۵.
- ۵۰۳- تحف العقول، ص ۸۴.
- ۵۰۴- همان، ص ۸۵.
- ۵۰۵- مجموعه ورام، ص ۳۷۸.
- ۵۰۶- تحف العقول، ص ۸۶.
- ۵۰۷- بحارالاءنوار، ج ۷۴، ص ۲۰۰.
- ۵۰۸- وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۱۲۶.
- ۵۰۹- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۴۷.
- ۵۱۰- بحار الاءنوار، ج ۹۳، ص ۲۷۲.
- ۵۱۱- همان، ج ۱۳، ص ۴۲۰.
- ۵۱۲- تحف العقول، ج ۷۳؛ بحار الاءنوار، ج ۷۴، ص ۲۰۵.
- ۵۱۳- فصول المهمه، ابن الصباغ مالکی، ص ۱۸۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۹۲.
- ۵۱۴- نهج البلاغه، حکمت شماره ۱۴۵.
- ۵۱۵- تحف العقول، ص ۸۵.
- ۵۱۶- همان، ص ۸۶.
- ۵۱۷- بحار الاءنوار، ج ۷۰، ص ۱۸۱.
- ۵۱۸- الفصول المهمه، ص ۱۸۸.
- ۵۱۹- چهل حديث و چهل داستان، ص ۱۱.
- ۵۲۰- مکارم الاخلاق، ص ۳۸۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۹؛ بحار الاءنوار، ج ۹۳، ص ۲۹۶.
- ۵۲۱- وسائل الشيعه، ج ۴، ص ۱۱۳۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۱۹.
- ۵۲۲- مکارم الاخلاق، ص ۳۹۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸۵؛ وسائل الشيعه، ج ۴، ص ۱۰۹۹.
- ۵۲۳- بحارالاءنوار، ج ۴۶، ص ۶۷. به نقل از دعوات راوندی.
- ۵۲۴- تحف العقول، ص ۸۴.
- ۵۲۵- بحار الاءنوار، ج ۱۳، ص ۴۱۴ ترجمه و تلخیص.
- ۵۲۶- مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۹۵؛ مجموعه ورام، ص ۱۶۲.
- ۵۲۷- مکارم الاخلاق، ص ۳۳۴.
- ۵۲۸- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۸۱.
- ۵۲۹- حديد (۵۷) آيه ۲۳.

- ٥٣٠- تحف العقول ، ص ٤٠٦؛ اختصاص شيخ مفيد، ص ٣٣١، با كمي تفاوت .
- ٥٣١- مكارم الاخلاق ، ص ٢٥٤ .
- ٥٣٢- ... فايك اءن تغتر بماترى من اخلاذ اءهلها اليها و تكالبيهم عليها، و انما اءهلها كلاب عاديه و سباع ضاربه يهر بعضها على بعض ، ياءكل عزيزها ذليلها و كبيرها صغيرها، قد اءضلت اءهلها عن قصد السبيل و سلكت بهم طريق العمى و اخذت باءبصارهم عن منهج الصواب ، فتاهوا فى حيرتها و غرقوا فى فتنها واتخذوها ربا، فلعبت بهم و لعبوا بها و نسوا ماوراءها، فايك يا بنى اءن تكون قد شانته كثره عيوبها، نعم معقله و اءخرى مهمله قد اءضلت عقولها و ركبت مجهولها، سروح عاهه بواد و عث ليس لها راع يقيمها، رويدا حتى يسفر الظلام كان قد وردت الطعينه ، يوشك من اءسرع اءن يؤوب و اءعلم ان من كانت مطيه الليل والنهار، فانه يسار به و ان كان لايسير، اءبى الله الا خراب الدنيا و عماره لآخره . تحف العقول ، ص ٧٤ .
- ٥٣٣- اختصاص شيخ مفيد، ص ٣٣٢ .
- ٥٣٤- بحار الاءنوار، ج ١٣ ، ص ٤١٢ .
- ٥٣٥- نور الثقلين ، ج ٤ ، ص ٢١١ .
- ٥٣٦- بحارالاءنوار، ج ٤٦ ، ص ٢٣٠ - ٢٣١ .
- ٥٣٧- مجموعه ورام ، ص ٥٦؛ بحارالاءنوار، ج ١٣ ، ص ٤١١ ، با اندكى تفاوت .
- ٥٣٨- اختصاص شيخ مفيد، ص ٣٣٥ .
- ٥٣٩- همان ، ص ٣٣٢ .
- ٥٤٠- مجموعه ورام ، ص ٩٧ .
- ٥٤١- كشف المحجه ، ص ٨٧ .
- ٥٤٢- التشريف بتعريف وقت التكليف ، ص ٦ .
- ٥٤٣- همان مدرک ، ص ٨ - ١٠ .
- ٥٤٤- ترجمه و اقتباس از كتاب التشريف بتعريف وقت التكليف ، ص ١٥ .
- ٥٤٥- مكارم الاخلاق ، ص ٢٢؛ كنزالعمال ، ج ١٦ ، ص ٤١٧؛ وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ٢٠٠ به نقل از روضه الواعظين ابن فثال نيشابورى از على (عليه السلام)؛ مستدرک الوسائل ، ج ١٥ ، ص ١٦١ .
- ٥٤٦- عده الداعى ، ص ٧٦؛ مكارم الاخلاق ، ص ٤٤٣؛ وسائل الشيعه ، ج ١٥ ، ص ١٢٣ ، ١٢٤ ، ١٩٨؛ كنزالعمال ، ج ١٦ ، ص ٤١٧ .
- ٥٤٧- عده الداعى ، ص ٧٦ .
- ٥٤٨- مكارم الاخلاق ، ص ٢٠٤ .
- ٥٤٩- كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٢٧٣ .
- ٥٥٠- مستدرک الوسائل ، ج ١٤ ، ص ١٨٨ .
- ٥٥١- مكارم الاخلاق ، ص ٢٠٤ .

- ٥٥٢- وسائل الشيعة ، ج ١٤ ، ص ٥٢ ؛ كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٢٦٤ ؛ كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٣١٨ .
- ٥٥٣- وسائل الشيعة ، ج ١٤ ، ص ٥١ ؛ مكارم الاخلاق ، ص ٢٠٤ .
- ٥٥٤- مستدرک الوسائل ، ج ١٤ ، ص ١٨٨ .
- ٥٥٥- وسائل الشيعة ، ج ١٧ ، ص ٢٤٩ ح ٧ .
- ٥٥٦- مكارم الاخلاق ، ص ٢٠٤ ؛ وسائل الشيعة ، ج ١٤ ، ص ٥٣ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ٤ ، ص ١٩٠ .
- ٥٥٧- وسائل الشيعة ، ج ١٤ ، ص ٥٣ .
- ٥٥٨- مستدرک الوسائل ، ج ٥ ، ص ٢٧٩ و ج ١٤ ، ص ١٩٢ .
- ٥٥٩- مكارم الاخلاق ، ص ٢٠٤ ؛ كتاب العيال ، ج ١ ، ص ٢٧٠ .
- ٥٦٠- وسائل الشيعة ، ج ١٤ ، ص ٥٤ ؛ مكارم الاخلاق ، ص ٢٠٣ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ١٤ ، ص ١٩٢ .
- ٥٦١- نهج الفصاحه ، ص ٢ .
- ٥٦٢- بحارالانوار، ج ٤٣ ، ص ١٣٦ .
- ٥٦٣- كنز العمال ، ج ١٦ ، ص ٣١١ .
- ٥٦٤- مسند زيد، ص ٢٧٢ .
- ٥٦٥- مكارم الاخلاق ، ص ٢٣٧ .
- ٥٦٦- وسائل الشيعة ، ج ١٥ ، ص ١٩٩ .
- ٥٦٧- وسائل الشيعة ، ج ١٢ ، ص ٩٧ .
- ٥٦٨- همان ، ج ١٢ ، ص ٩٨ .
- ٥٦٩- تحف العقول ، ص ٦٧ - ٦٨ .
- ٥٧٠- كتاب العيال ، ج ١ ، ص ١٤١ .
- ٥٧١- همان ، ج ١ ، ص ١٤٩ .

فهرست مطالب

4.....	مقدمه
	فصل اول : جایگاه فرزند و مسؤ ولیت
8.....	والدین
12..	فصل دوم : دوران تولد و رعایت سنتها
12.....	گفتن اذان و اقامه در گوش فرزند
13.....	مصون ماندن از گزند شیطان
14.....	برداشتن کام نوزاد
14.....	ختنه کردن پسران
15.....	پرهیز از مخالفت با سنت پیامبر
15.....	ولیمه یا اطعام مردم
16.....	عقیقه
20.....	انتخاب نام خوب حق فرزند است :
24.....	تاءثیر نام علی و امامان <small>علیهم السلام</small>
24.....	بهترین نام دختران :
26.....	خلاصه و بررسی
29.....	اجر مادر در شیر دادن به فرزند خود
30.....	شیر مادر، بهترین شیر
32.....	فصل سوم : رابطه پدر و فرزند
32.....	خوشحالی از ولادت دختر
33.....	خوشحال کردن دختران
34.....	اظهار محبت
37.....	اظهار محبت به سایر کودکان
39.....	شیوه های گوناگون مهرورزیدن به کودکان
41.....	پیامبر و حسنین :
45.....	عدالت بین پسر و دختر
47.....	احترام کودک در حال نماز
48.....	ساکت کردن فرزند در حال نماز
49.....	سلام کردن به کودکان
	زمینه سازی اجتماعی برای رشد استعدادهای
50.....	کودکان
52.....	دعای پیامبر برای کودکان
	فصل چهارم : ادب آموزی و تربیت فرزندان
57.....	
58.....	نقش تربیت در تکامل انسان
59.....	فواید ادب در کودکی و نوجوانی

59	تشویق فرزندان
61	تشویق خداوند
62	تشویق پیامبر ﷺ
62	تشویق و تمجید در سیره اهل بیت
64	تنبیه بدنی کودکان
65	موارد منع از تنبیه بدنی کودکان
67	ثبوت دیه بر پدر
68	قهر، بهترین راه حل
69	آموزش خواندن و نوشتن
69	تشویق لقمان به علم و دانش
70	آموزش نظامی
فصل پنجم : دوران باز سازی شخصیت فرزند	
73
73	برچیدن زمینه فساد و انحراف در فرزندان
77	ایجاد زمینه صلاح و نیکی
81	واکسینه کردن فرزندان
86	کنترل دوستان
89	دوستی های ممنوع
92	فصل ششم : پرورش ایمان و مذهب
92	ارتباط فرزندان با پرودگار
94	همیشه به یاد خدا باش
94	ایجاد حالت خوف و رجا
96	خدا را با این صفات بشناس
98	آموزش عملی احکام
101	موعظه و نصیحت
102	ارتباط با جهان آخرت
106	برداشتن توشه برای آخرت
108	اهمیت دادن به نماز فرزندان
111	آماده سازی فرزندان برای نماز و روزه
112	رهنمود معصومین 
113	از آموزش تا تنبیه برای نماز
114	اهمیت دادن به روزه فرزندان
115	آموزش قرآن
118	تشویق به قرائت قرآن
119	آثار تلاوت قرآن در خانه
120	آثار ترك قرائت قرآن در خانه
121	آشنا سازی با مستحبات
124	تشویق به صدقه و انفاق در راه خدا
125	بزرگداشت شعایر اسلامی

126	به یاد مظلومیت علی <small>علیه السلام</small> و زهرا <small>علیها السلام</small>
126	تعلیم اشعار آموزنده و حماسی
127	تعلیم اشعار آموزنده ابوطالب
129	آمادگی برای روز جمعه
130	فصل هفتم : فرزند و جامعه
130	برخوردهای اجتماعی فرزندان
131	شناخت شخصیت خود
135	حفظ اسرار دیگران
137	امانتداری
141	مشکلات زندگی و راه مقابله با آنها
144	داشتن صبر و مقاومت
145	کتمان درد و رنج شکایت به خدا
146	روش پیامبر و اهل بیت
155	اخلاق نیک داشته باشد
157	مشورت با دختر در امر ازدواج
159	کمک های مالی به فرزندان
160	پاورقی ها
180	فهرست مطالب